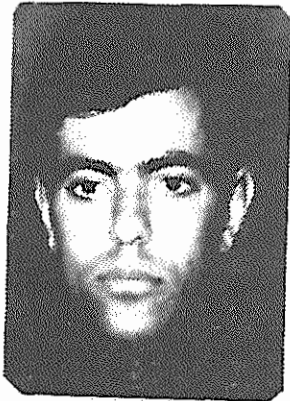
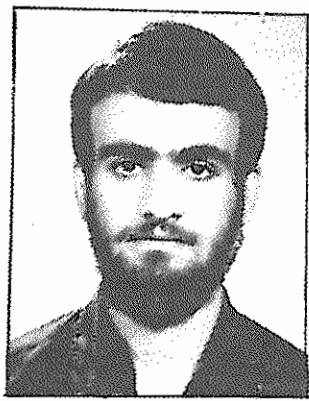


در هر رگ برگ خون یاران رفته است



فدایی خلق رفیق شهید
محمدرضا (هرمز) احمدی
می افزائیم .



فدایی خلق رفیق شهید
ابوالقاسم گندمی

۱ - ★ فدائی خلق
رفیق شهید ابوالقاسم گندمی
تاریخ شهادت ۱۳۵۶ در
زیر شکنجه .

۲ - ★ فدائی خلق ،
رفیق شهید محمدرضا (هرمز)
احمدی . تاریخ شهادت
۱۳۵۰ در اثر انفجار بمب .

خانواده رفقای شهید و
اعضاء و هواداران سازمان
طی نامه های متعدد اسامی
رفقای شهید گمنام سازمان را
برایمان فرستاده اند . در
این شماره کار یاد دو رفیق
شهید را گرامی می داریم و
نامشان را به لوح
افتخار آفرین شهدای سازمان

رفیق شهید پوران یدالهی در خانواده مبارزی پرورش یافت

نسبت به پدرش داشته است .
اکنون اعلام می داریم که
تحقیقات و اطلاعات امروز
ما خلاف آنچه را که در
زندگی نامه رفیق نوشته شده ،
به اثبات می رساند و نشان
می دهد که اطلاعات گذشته
ناصحیح بوده است و بر
اساس اطلاعات نادرست و
خلاف واقع مبادرت به تنظیم
زندگی نامه رفیق پوران
کرده اند .
طبق اطلاعات و تحقیقات ،
پدر رفیق پوران یدالهی
جمعا پنج بار در سالهای سیاه
دیکتاتوری شاه به دلیل
مبارزاتش به زندان رفته که
بار آخر پس از تحمل یک سال
و نیم حبس با وجود بیست
سال سابقه کار در شرکت نفت
برای همیشه از شرکت اخراج
می گردد .

در میان نامه های رسیده
دو نامه از سوی خانواده رفیق
شهید پوران یدالهی به
دستمان رسیده بود که به
شدت مایه تأسف ما شد . در
این نامه ها چگونگی تنظیم
زندگی نامه رفیق یدالهی که
قبل از انقلاب با آرم و نام
"سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران" انتشار یافته
بود ، مورد شدیدترین
انتقادات قرار گرفته و از ما
خواسته بودند که پاره ای از
مطالب این زندگی نامه تکذیب
و تصحیح شود .

از جمله در زندگی نامه رفیق
پوران یدالهی چنین آمده
بود که "خصوصا پدرش با
فعالیت رفیق پوران مخالفت
داشته و حتی با ساواک
همکاری نموده و در این رابطه
رفیق پوران انزجار خاصی

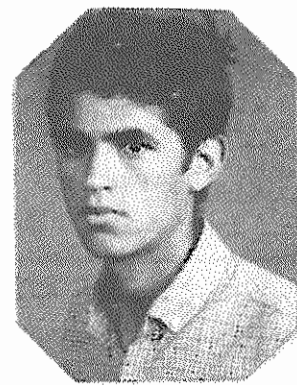
توضیح

به علت تراکم مطلب ، درج کمک های مالی دریافت
شده به شماره بعد موکول می گردد .

می گفت :
" به قول بعضی ها ما فقط
یک درصد هستیم اگر این
نظر درست باشد معنیش این
است که ما وظیفه ای عظیم تر
از آنچه که متصور است به
عهده داریم ، زیرا تنها
زمانی که ما در کنار و
پیشاپیش توده ها و انقلابیون
در حرکت باشیم انقلاب را به
سرمنزل مقصود می برد ."
رفیق حسین هر هفته برای
بردن کتاب و نشریه به
روستایشان می رفت همیشه
مردم روستا منتظر بودند که
از زبان حسین و نشریاتش از
اوضاع جهان باخبر شوند .
در روستا به او می گفتند :
" حسین کمونیست " و
" حسین کمونیست " با
زندگی سرشار از تلاش و
صداقت و ایمانش آن همه
تلیقات ضد کمونیستی را
نقش بر آب کرده بود بطوری
که همه مردم روستا او را
دوست داشتند و برایش
احترام خاصی قایل بودند .
یکی از رفقا درباره رفیق
حسین می گوید :

" یک بار که با هم به سرود
انترناسیونال گوش می دادیم
حسین گفت " که در این
سرود صدای گام های استوار
صدها میلیون کارگر و زحمتکش
و انسان محروم را می شنود که
منظم و سریع به سوی
سوسیالیسم پیش می روند " و
رفیق اضافه می کند :
" از آن موقع به بعد بود
که سرود انترناسیونال معنی
واقعی را برایم پیدا کرد "
آنچه مسلم است شخصیت
انقلابی حسین میرا نیست و
همچنانکه خودش بارها در
مورد رفقای شهید سازمان و
سایر انقلابیون و پیشروان
خلق می گفت که :

" یادشان چون طپش پر
طنین قلب جوان و سالمی در
بطن مبارزات توده ها
می تپد " ، حسین در ذهن
تمام کسانی که او را
می شناخته اند زنده است .
چون اندیشه در سر جوانان
قاسم آباد و جنوب شهر
تهران دائم در حرکت است
ما ضمن ابراز تأسف فراوان
از این واقعه دردناک به
خانواده رفیق شهید و مردم
روستای قاسم آباد درود
می فرستیم و یاد همیشه
حاویدش را گرامی می داریم .



مرگ دردناک یک رفیق

یکی از رفقای جوان به نام
حسین شمس ، حین رانندگی
با موتورسیکلت دچار سانحه
شد و بر اثر ضربه مغزی
درگذشت .
حسین فقط ۱۸ سال داشت
در قاسم آباد یکی از
روستاهای ساوه در یک
خانواده کشاورز به دنیا آمد
دوره ابتدایی را در روستا
گذراند و ضمن تحصیل برای
کمک به خانواده اش به کار در
کوره پزخانه های اطراف
پرداخت و رنج و ستم را با
تمام وجودش لمس کرد . پس
از اتمام دوره ابتدایی برای
ادامه تحصیل به تهران آمد و
همراه خانواده اش در محلات
پائین شهر سکنی گزید .
حسین در تمام دوران
تحصیل شاگرد برجسته و
ممتازی بود . حتی یک بار
برای شرکت در اردوی رامسر
انتخاب شده بود ولی او در
جواب این دعوت گفته بود :
پس از تعطیلات
تابستان می خواهم از ستمی
که به کارگران کوره پزخانه و
خانواده هایشان روا می گردد
برای همکلاسی هایم تعریف
کنم نه از خوشگذارنی های
رامسر . گذشته از اینها اگر
تابستان پولی تهیه نکنم
بدرم نمی تواند مرا به مدرسه
بفرستد .

با شروع و اوج گرفتن
مبارزات توده ها در سال های
۵۷ و ۵۶ رفیق حسین که تحقق
آرزوهای خود را در پیشرفت
و پیروزی انقلابی که آغاز
شده بود می دید بی باکانه به
میدان آمد و چون آتش
همیشه فروزانی بود که پرتو
شعله هایش در هر جا که بود
می درخشید . مردم خصوصا هم
سن و سالان خود را به شرکت
همه جانبه در مبارزه دعوت
می کرد . بعد از انقلاب به
سازمان ما پیوست و تحت
رهنمود سازمان در مدرسه ای در
منطقه سه راه آذری اقدام به

تشکیل پیشگام مدرسه نمود .
نشریه کار و اعلامیه ها و
نشریات سازمان را به
مثابه اوراق گرانبهایی که
زبان گویای مردم زحمتکش
میهنمان است نگاه می کرد و
در توزیع آنها از جان مایه
می گذاشت . پس از انشعاب
اقلیت از سازمان ما راه
اکثریت را برگزید و آن را
نماینده واقعی توده های
محروم و انقلابی میهنمان
می دانست . پس از هر بار
توزیع کار با خوشحالی
خاص خودش می گفت :
" حالا دیگر کار را
زحمتکشان می خردند و
هر روز صبح خیلی زود از
منزل بیرون می آمد و قبل از
بیدار شدن مردم به
شعارنویسی و چسباندن
اعلامیه ها و تراکت های
سازمان روی دیوارها مشغول
می شد . سپس برای بدست
آوردن مخارج تحصیل و کرایه
خانه و کمک به خانواده و
سازمانش به کارگری
می پرداخت . و پس از فارغ
شدن از کار در کلاس های
شانه برای ادامه تحصیل
حاضر می شد . در آنجا نیز
آنچه برایش مهم تر بود
اشاعه نظرات سازمان و به کار
بستن رهنمودها بود .
دیوارهای منطقه محل
سکونتش پوشیده از شعارهای
سازمان است که نیمه شبان و
سحرگاهان رفیق حسین نوشته
بود هر روز صبح چشمان خسته
صدها کارگر و زحمتکش جنوب
شهری به درشت نویسی های
حسین بر روی دیوارها
می افتاد . و در ذهنشان
جای می گرفت . رفیق حسین
معتقد بود که :
" شب و روز باید کار کرد
همیشه می گفت :
" وقت بسیار محدود است
نباید به هیچ وجه آن را از
دست داد "

شروع و اوج گرفتن
مبارزات توده ها در سال های
۵۷ و ۵۶ رفیق حسین که تحقق
آرزوهای خود را در پیشرفت
و پیروزی انقلابی که آغاز
شده بود می دید بی باکانه به
میدان آمد و چون آتش
همیشه فروزانی بود که پرتو
شعله هایش در هر جا که بود
می درخشید . مردم خصوصا هم
سن و سالان خود را به شرکت
همه جانبه در مبارزه دعوت
می کرد . بعد از انقلاب به
سازمان ما پیوست و تحت
رهنمود سازمان در مدرسه ای در
منطقه سه راه آذری اقدام به

در شصت و پنجمین روز اعتصاب غذای بابی سندز موج اعتراض و مبارزه علیه امپریالیسم انگلیس، ایرلند شمالی و سراسر جهان را فرا گرفته است

در شصت و پنجمین روز اعتصاب غذای بابی سندز، آزادیخواه ایرلندی موج مبارزه مردم این کشور علیه دخالت و سلطه امپریالیسم انگلیس گسترش بی سابقه‌ای یافته است و در عین حال سراسر جهانیان را به اعتراض علیه دولت تاجر برانگیخته است.

بابی سندز که به وسیله دولت انگلیس به جرم مبارزه در راه آزادی ایرلند به ۱۴ سال زندان محکوم شده است اخیراً در انتخابات ایرلند از طرف مردم این کشور به نمایندگی در پارلمان انگلستان انتخاب گردید. دمکراسی بورژوازی یکبار دیگر در انظار جهانیان ماهیت پوшالین خود را عریان ساخت. سرمایه‌داران انگلیس که ظاهراً از طریق "دمکراسی" و "رای مردم" حکومت

حقوق بشر" از کاخ سفید- نشینان گرفته تا لیبرالهای وطنی همه و همه سیاست سکوت پیشه ساخته‌اند. در مقابل، کشورهای سوسیالیستی ضمن پخش اخبار مربوط به این مبارزات، سیاست‌های دولت انگلیس را شدیداً محکوم ساخته‌اند و این جنایات را جلوه‌ای از دمکراسی بورژوازی دانسته‌اند لازم به تذکر است که برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز طی بیانیه‌ای از بابی سندز حمایت کرده و دولت انگلیس را محکوم ساخته‌اند.

در آخرین لحظاتی که این خبر برای چاپ آماده می‌شود بابی سندز می‌آرزید در حالیکه در آستانه مرگ قرار گرفته است، همچنان دلاورانه به اعتصاب خود ادامه می‌دهد. *

اشغالگر انگلیسی متجلی شده است و گلوی دولت تاجر را بیش از پیش می‌فشرد و از طرف دیگر موج اعتراض سراسر جهان را فرا گرفته است. کارگران لنگرگاه‌ها مسئله تحریم تخلیه بار کشتی‌های انگلیسی را مطرح کرده‌اند، سرویس‌های هوایی انگلیس در مرز تحریم قرار گرفته‌اند، نامه‌های اعتراضی تظاهرات‌ها و غیره در بسیاری از شهرهای جهان به حمایت از بابی سندز و مبارزات مردم ایرلند اوج گرفته است و این در حالی است که آقایان "مدافع

بابی سندز به پارلمان جلو-گیری کند (!؟) و سرمایه-داران انگلیسی در حالیکه بابی سندز به همراه سایر مبارزین ایرلندی در اعتراض به شرایط قرون وسطایی زندان در اعتصاب غذا به سر می‌برد، راه سومی را برای حل مشکل دمکراسی خود برگزیده‌اند و آن مرگ تدریجی بابی سندز است. اما دولت انگلیس به آسانی نمی‌تواند موفق به انجام این جنایت شود. هم اکنون خشم مردم ایرلند شمالی به صورت درگیری‌های شدید خیابانی با نظامیان

می‌رانند، هنگامی که خطر را نزدیک دیدند، ماسک دروغین دمکراسی را کنار زدند. آنها با بن بست دیوانه‌کننده‌ای روبه‌رو شده‌اند. از یک طرف لغو انتخابات و برقراری انتخابات مجدد مسلماً به انتخاب مجدد بابی سندز منجر خواهد شد، از طرف دیگر قبول او به پارلمان سرمایه‌داران این کشور لحظه‌ای هم قابل تحمل نیست. طبق آخرین گزارشات، نمایندگان پارلمان انگلیس در حال تهیه قانونی هستند که از ورود اشخاصی مثل

روزنامه انقلاب اسلامی و «استقلال» بانک مرکزی!

دستاوردهای انقلاب ضد-امپریالیستی را حفظ کرد و گسترش داد.

با این ترتیب روشن است نگرانی "انقلاب اسلامی" از "کسری بودجه"، "کاهش ارزش پول" و ... که به عنوان دلیلی بر ضرورت استقلال بانک مرکزی عنوان می‌شود، در واقعیت امر نگرانی برای انقلاب، نگرانی برای منافع کارگران و زحمتکشان نیست. چرا که اگر واقعاً چنین نگرانی وجود دارد، "انقلاب اسلامی" باید به جای طرح مسائلی که تنها به مذاق اقتصاددانان سرمایه‌داری خوش می‌آید و تنها در جوامع سرمایه‌داری آن هم به شکل صوری تحقق می‌یابد برنامه‌های منطبق با مصالح انقلاب ارائه دهد و به جای طرح مسائلی که به نفع انقلاب نیست (از قبیل پاورقی ضد شوروی که اخیراً شروع کرده و البته مستقیماً به سود امپریالیسم) است باید در جهت تعمیق انقلاب گام بردارد.

افزایش سطح زندگی کارگران و زحمتکشان و حرکت در جهت از میان برداشتن نابرابری‌های طبقاتی تشکیل می‌دهد. برنامه‌ای که متضمن بازسازی اقتصاد بر اساس همکاری اقتصادی گسترده و نزدیک با کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای مدافع استقلال ایران است. طبیعی است که در چارچوب چنین برنامه‌ای کلیه نهادها باید در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر عمل کنند. طبیعی است که در چارچوب چنین برنامه‌ای عملکرد بانک مرکزی در انطباق کامل با سیاست دولت است. تجربه نشان داده که تنها بر اساس چنین برنامه‌ای می‌توان

تورم و ... را به کرات نشان داده‌ایم که آقای رئیس جمهور و یاران و مشاورانش برنامه مشخصی برای حل مسائل اقتصادی ندارند و تنها به ذکر یک رشته کلی‌گویی بسنده می‌کنند. آنها همواره از کاهش تولید، افزایش قیمت‌ها و ... سخن می‌گویند، بدون آنکه جز قصیده معروف "امنیت قضایی" (و تازه آن هم معلوم نیست برای چه کسی) دلیل مشخصی برای این مشکلات بیان کنند و راه حل مشخصی برای رفع آن ارائه دهند. حال آنکه اصل در همین است.

شگردهایی است که اقتصاددانان سرمایه‌داری برای لاپوشانی عملکرد نهادهای سرمایه‌داری به کار می‌گیرند. واقعیت آن است که در جوامع سرمایه‌داری، دولت ارگان ستم طبقاتی، ارگان تسلط طبقه سرمایه‌دار بر طبقه کارگر و زحمتکشان است. در این جوامع کلیه نهادها (اعم از اقتصادی سیاسی اجتماعی فرهنگی و ...) در جهت منافع سرمایه‌داران عمل می‌کنند. بدین ترتیب استقلال بانک مرکزی که همه اقتصاددانان سرمایه‌داری بر آن تاکید می‌ورزند، سرپوشی است بر عملکرد بانک به عنوان مدافع سرمایه در جوامع سرمایه‌داری البته سرمقاله نویسان "انقلاب اسلامی" ضرورت استقلال بانک مرکزی را در قالب عبارات زیبا (و چنانکه بارها در مورد مقالات "انقلاب اسلامی" نشان داده‌ایم)، و بدون محتوی بیان می‌کنند: "تزیین نامتناسب پول به اقتصاد" "نرخ شتابگیر

روزنامه "انقلاب اسلامی" سرمقاله ۶ اردیبهشت خود را به مسئله "استقلال بانک مرکزی از دولت" اختصاص داده است. البته این نخستین بار نیست که "انقلاب اسلامی" مسئله استقلال بانک مرکزی را طرح می‌کند. اما این بار سرمقاله نویسان "انقلاب اسلامی" موضوع را در ارتباط با یکی از لواحی که اخیراً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده مطرح کرده‌اند.

سرمقاله نویسان "انقلاب اسلامی" برای نشان دادن ضرورت "استقلال بانک مرکزی جمله‌ای را که در هر یک از کتاب‌های درسی اقتصاددانان سرمایه‌داری به چشم می‌خورد نقل کرده‌اند: در واقع دولت، مسئول اعمال "سیاست مالی و بانک مرکزی مسئول اعمال "سیاست پولی" است. ساده‌تر گفته شود، دولت مسئولیت تنظیم بودجه ... را داراست، در صورتی که بانک مرکزی علاوه بر نقش صندوقداری دولت، وظیفه خطیر حفظ ارزش پولی را نیز به دوش می‌کشد " (انقلاب اسلامی، ۶ اردیبهشت) جدائی صوری سیاست مالی از سیاست پولی یکی از

حامی دربار پهلوی

دفاع از امیران نظام را بر عهده گرفت

حمیدصادق نوبری، وکیل بانک مرکزی ایران در دعاوی حقوقی و مالی، وکالت امیران نظام جاسوس را بر عهده گرفته است.

حمیدصادق نوبری قبل از انقلاب کتابی درباره اقتصاد گندم آذربایجان شرقی نوشته و آن را چاپلوسانه به مادر زن شاه خائن تقدیم کرده است.

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

تشنج و تفرقه توطئه امپریالیسم امریکا علیه گسترش انقلاب

تجربه تاریخ نشان داده است که امپریالیست‌ها به سرکردگی امپریالیسم امریکا بزرگترین تروریست‌های تاریخ می‌باشند. گرچه سالیان دراز کوشیده‌اند نعل وارونه زنند و زیر شعار فریبنده مبارزه با تروریسم بین‌المللی، به "ترور" کلیه نیروهای انقلابی جهان بپردازند.

کارگران و زحمتکشان میهن ما نیز اکنون دیری است که با آوای ناساز این سناز امپریالیستی آشنايند. تجارب دوساله پس از انقلاب به‌ویژه آنها را در شناخت دسایس رنگارنگ دشمنان خود و درراس همه امپریالیسم امریکا بسی هشيارتر کرده است. امپریالیسم بسرکردگی امریکا که از روی کار آوردن دولت موقت لیبرالها سر خورد، که از تجاوز نظامی طیس آبروباخته‌تر از همیشه خارج شد، که از کودتای نوژه جز فضاخت بین‌المللی طرفی نبست، که با محاصره اقتصادی هیچ غلطی نتوانست بکند و سراب آرزوهایش با شکست نقشه‌های تجاوزکارانه صدام نقش بر آب شد، بار دیگر حربه شناخته شده ایجاد تشنج، درگیری و خرابکاری اقتصادی را می‌آزماید. وقایع یکی دو هفته اخیر اجزاء و ابعاد این توطئه را به روشنی نشان می‌دهد. بمب‌گذاری در ابعاد وسیع، تشدید درگیری در میان نیروهای انقلابی و در صفوف خلق و اخلال در امر تولید و خدمات جامعه حلقه‌ای اساسی از سلسله توطئه‌های امپریالیست‌هاست شبکه‌های ضدانقلابی متشکل از سناواکی‌های فراری سلطنت - طلبان و ایادی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ در این مدت موجی از انفجارات در میهن مابه

راه انداختند. دهها هم - میهن زحمتکش در تهران، کرمانشاه، ارومیه و... نخستین قربانیان این ماجراجویی رذیلانه شدند. از سوی دیگر امپریالیست‌ها و یاران داخلی‌اش کوشیدند و می‌کوشند که اعمال خرابکارانه مزدوران خود را در کارخانجات و روستاها حدت بسی سابقه‌ای بخشند. می‌کوشند که از نابسامانی‌ها بیش از پیش درجهت ایجاد تحصن و اعتصاب بهره - برداری کنند. دهها تن کالاهای مورد نیاز مردم را از بین می‌برند تا کمبود و گرانی کالاها را بیش از پیش دامن بزنند و سرانجام و مهم‌تر از همه، جو تشنج تب‌آلودی را در محیط سیاسی میهن حاکم گردانند. این مهم‌ترین حلقه از سلسله توطئه‌های جدید امپریالیسم امریکا بوده‌است. آنجا که تشدید نفاق در میان جریانات حکومتی جمهوری اسلامی با پیام مدبرانه آیت‌الله خمینی خنثی شد، آنجا که بیانیه ده‌ماده‌ای دادستانی کل کشور بستر مناسبی برای گسترش همکاری همه نیروهای سیاسی اردوی انقلاب فراهم آورد، امپریالیسم و ایادی‌اش انرژی خود را بیش از پیش برای ایجاد تشنج از "پائین" متمرکز کردند. هر جا که جرعه‌ای از اختلاف نظر جهی - امپریالیسم به دستگیری اعضا و هواداران حزب امریکائی

رنجبران و ایادی ساواکی و سلطنت‌طلب خویش با تمام قوا بر آن دمید و در بسیاری موارد موفق شد آتش تشنج درگیری‌های زیانباری را برافروزد. متاسفانه در بسیاری از این موارد تنگ - نظری‌ها و قشریت برخی محافل حاکمیت جمهوری اسلامی در برخورد با سایر جریانات سیاسی، عدم برخورد قاطع دولت با آنان از یک طرف و از طرف دیگر نیروهای از قبیل مجاهدین خلق و برخی گروه‌های افراطی "چپ" نظیر اقلیت و راه کارگر که جای واقعی‌شان در صفوف مردم و در جبهه تلاش برای تحکیم و تثبیت انقلاب است، بستر مساعدی برای گسترش این توطئه‌ها گشته و تیرهای فراوان در کمان امپریالیسم و طبقات آرنجائی متحد آن در ایران نهادند. تا استقرار امنیت و قانونیت انقلابی را آماج ضربات زهرآگین خود قرار دهند. آخرین نمونه این توطئه پردازی امپریالیستی، حملات وقیحانه ضدانقلاب آشکار و مائوئیست‌های امریکائی به اجتماع قانونی سازمان ما به مناسبت اول ماه مه بود که در جریان آن تروریسم وقیحانه امپریالیستی - ضدانقلابی به بارزترین وجه در حمله به زنان و کودکان زحمتکش تجلی یافت. هدف از همه این دسایس در شرایط کنونی،

آن است که افکار را از مسئله اصلی مقابله با امپریالیسم امریکا و جنگ، به سوی مسائل فرعی بچرخانند. بخش‌های مختلف مردم را رو در روی هم قرار دهند و آنها را با نهادها و نیروهای انقلابی درگیر سازند و... در یک کلام شرایط میهن را تا حد یک جنگ داخلی ملتهب گردانند و در تیرگی‌های گرد و غبار آن، دولت میانه‌رو و مطلوب خود را بر سر کار آورند. امپریالیسم امریکا بمثابه ژاندارم سرکوبگر انقلابات، بخوبی می‌داند که انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما مثل هر انقلاب جوان دیگر، بیش از هر چیز به آرامش، امنیت و تثبیت قانونیت انقلابی هم در مرزهای خود و هم در عرصه ملی نیاز دارد تا بتواند تمام انرژی‌های موجود را در راستای تحکیم دستاوردها و بازسازی جامعه بر مبنای استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی متمرکز سازد. از همین‌رو تمام تلاش امپریالیست‌ها آن است تا در این هر دو عرصه فضای رشد سالم را به جو شکست قطعی و یا استحاله انقلاب ما بدل سازند. به این منظور مرزهای میهن ما را هم‌اکنون کمربندی از پایگاه‌های نظامی استراتژیک امپریالیستی، از مصر تا پاکستان حلقه‌وار گرفته است، به قصد آنکه انقلاب را در انزوای بین‌المللی خود

خفه کند. در داخل نیز چماق تشنج و درگیری است زکه هر لحظه بر پیکر انقلاب ضربتی تازه فرود می‌آورد. اما انقلاب ما با گام‌هایی امید برانگیز به سوی تقابل بنیادی با این توطئه‌ها در حرکت است. روند مثبتی که در میان محافل ضد - امپریالیست و ترقیخواه جمهوری اسلامی در جهت استقرار قانونیت انقلابی دیده می‌شود، گام‌های ترقیخواهانه‌ای که در راستای اجرای مواد قانون اساسی برداشته می‌شود، همه و همه خار در چشم طرح‌های آتش - افروزانه و نفاق‌افکنانه دشمنان انقلاب است این همه ضروری است باید همراه با سرکوب قاطع ضدانقلاب، چنین اقداماتی را گسترش داد. باید قانون اساسی را که در مجموع به سود زحمتکشان و به زیان استثمارگران است، اجرا و نقائص آن را برطرف کرد تا کارگران و زحمتکشان فردای روشن خود را در آئینه پیشرفت و تعمیق انقلاب باز یابند، بر امیدواری‌شان بیافزاید و در صفوف میلیونی، متحدشان گردانند. این همه ضروری است تا نیروهای انقلابی، آنها که برستی و در عمل می‌خواهند در خط انقلاب گام بردارند، صرف نظر از عقیده و مسلک، با دفاع فعال و آزادانه از انقلاب نیروی خود را در جبهه‌ای واحد متب - گردانند.

دادگاه امیرانتظام جاسوس باید به محکمه مجازات لیبرالها بدل شود

اسناد منتشره از سوی دانشجویان خطامام که همگی از لانه جاسوسی امریکا در تهران بدست آمده است، درباره امیرانتظام چنین اظهار نظر می‌کند: "نقل از تلگرام سولیوان به وزارت امور خارجه امریکا به تاریخ ۲۶/۱۰/۵۷، صفحه پانزده

۱- امیرانتظام از نهضت آزادی ایران عضو کمیته مرکزی به مسئول سیاسی حدود یک ساعت ونیم بعد از رفتن

هوایمای شاه تلفن زد که سفارت را مطلع کند که آیت‌الله خمینی در آینده نزدیک بر نمی‌گردد (تکرار بر نمی‌گردد). علت این مسائل را مسائل امنیتی ذکر کرد.

۲- مطلب بالا بهترین اطلاعات نهضت آزادی است" از نامه سولیوان به وزارت امور خارجه امریکا به تاریخ ۲/۱۲/۵۷، محرمانه، صفحه سی منبع (انتظام) گفت

نهضت آزادی می‌خواست که در مورد منافع امریکا در ایران گفتگو کند تا از برخوردهای احتمالی آینده جلوگیری شود." از گزارش محرمانه ناس به وزارت امور خارجه امریکا

راجع به دستگیری کارمند محلی آژانس ارتباطات بین - المللی (رضامین)، صفحه ۵۸ امیرانتظام گفت هیچ جریان ضد امریکائی منظور نیست. ۴- کاردار گفت از اینکه می‌شنود چنین جریانی نبوده احساس آسودگی می‌کند اما تشکر می‌شود اگر گزارشات بیشتری در مورد قضیه امینی همچنین دیگران دریافت کند. امیر انتظام گفت هرگاه که بتواند چنین خواهد کرد. بقیه در صفحه ۲۷

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

با انقلاب یا علیه انقلاب

آقای بنی صدر چرا سکوت؟

میتینگ قانونی سازمان ما را ، ضدانقلاب ، روز جمعه گذشته مورد حمله قرار داد . چند کشته و دهها زخمی نتیجه این عمل ضدانقلابی بود . برگزاری این میتینگ بی شک به مثابه نقطه عطفی در تثبیت دموکراسی در میهن ما بود . به همین علت " روشن " رنجبری ها ساواکی ها و ضدانقلابیون دیگر ، چه آشکار و چه پنهان سخت دست به کار شدند تا برزمینه عملکرد محافل راستگرای درون حاکمیت که نیروی ضربتی خود را برای خرابکاری در میتینگ به صحنه آورده بود متحدان این تجربه نوین را ناکام سازند .

نمایندگان سیاسی دیگر اقشار و طبقات هم هر یک به فراخور مصالح اجتماعی شان در برابر این تجربه موضع گرفتند : جریانات ترقیخواه و ضد امپریالیست ، عمدتاً ، صرفنظر از پیچ و خم موضع گیری های شان ، برهم زدن میتینگ ما را مورد اعتراض قرار دادند . لیبرالها بهر حال معمول و برطبق " اخلاق اسلامی ! " خود ، با نخ و سوزن آزادیخواهی لیبرالی بر نقض قانون جامه های از کلمات دوپهلوی و انعکاس مه آلود واقعیت پوشانیدند ! اما چیزی که در این میان برای بعضی سئوال برانگیز است سکوت تمام عیار و خونسردانه آقای بنی صدر بود که بوق " آزادیخواهیشان " !! همواره گوش فلک را کر کرده است . آقای بنی صدر تا این لحظه که چند روز از آن هجوم جنایت آمیز به آزادی می گذرد سکوت کامل اختیار کرده اند !

آقای بنی صدر که در برابر جنایات آشکار و پنهان کسانی که جشن کارگری اول ماه مه را که بسیار هم قانونی بوده است ، به خون کشیدند ، این چنین سکوت می کنند و اصلاً در این مورد خود را حافظ قانون اساسی نمی دانند . معلوم است که چرا با آن همه جاروجنجال فلک پر کن از میتینگ امجدیه چهار نفر سردمدار لیبرال دفاع کرده و اعتراض گروه های بی آزار میتینگ لیبرالها را نقض شرم آور قانون اساسی نامیدند . یکبار دیگر چشم ما به چنین رئیس جمهوری روشن !!

اقلیت با قبول رسمی سیاست پیکار

پیکار را زیر هژمونی خود گرفت !

جمعه گذشته " اقلیت " و پیکار ، به مناسبت اول ماه مه دست در دست هم گذاشتند تا تظاهرات " مشترکی " ! در میدان جمهوری برپا کنند .

اقلیت برنامه " پیکار " پسند خود را از چند روز پیش تهیه دیده و در اختیار متحدین " چپ " اش قرار داده بود . اقلیت بنا به ادعای خودشان این برنامه را چنان تنظیم کرده بود که " بیشترین " را دربر بگیرد ! اما راه کارگر که در چند ماه گذشته تجارب " لازم " را از وحدت عمل با پیکار آموخته است ، حاضر نشد در کنار پیکار مراسم برگزار کند . پیکار هم " جناح " به اصطلاح " چپ " را قبول نکرد . در نتیجه در عمل این " بیشترین " محدود شد به " اقلیت " و " پیکار " ! اقلیت که تا چندی پیش بین خود و پیکار

خط و مرز " سفت و سختی " کشیده بود ، در توجیه این اقدام خود مدعی شد که توانسته از موضع قدرت پیکار را به دنبال برنامه خود بکشد ! و در " شرایط انقلابی " فعلی انجام این تاکتیک مجاز و پیروزی بزرگی برای سیاست اقلیت است !

راستی هم که این پیروزی بزرگی برای اقلیت است . در آستانه سقوط به منجانب " سوسیال امپریالیسم " و در راستای ایجاد " اتحاد چپ " که در اتحاد عمل های نصف روزه میدان جمهوری به نمایش در می آید و نیروهای آن هر روزه جایجا می گردد ، آیا پیروزی بزرگتر از این می تواند متصور باشد که پیکار را با قبول رسمی سیاست پیکار ، زیر هژمونی خود گرفت ؟ !

غیبت چهره های سرشناس لیبرال

حدود ۱۰۰ تن از نمایندگان مجلس طی نامه ای خطاب به امام خمینی ضرورت اجرای فوری بند " ج " اصلاحات ارضی را یادآور شده و خطراتی را که توقف این طرح برای انقلاب به وجود می آورد ، متذکر شده اند . آنچه در این میان روشنگر است ، غیبت نام چهره های سرشناس لیبرال مجلس در پایان نامه فوق است . اینان که تقریباً هر هفته در اعتراض به دولت و یا این یا آن مسئله بیانیه مجزا صادر می کنند و این بیانیه ها را با حروف درشت در صفحه اول نشریه شان " میزان " چاپ می نمایند ، این بار دچار " فراموشی " شده اند . این " فراموشی " که طبعاً با ماهیت طبقاتی این نمایندگان رابطه دارد بیانگر این حقیقت است که توقف بند " ج " طرح اصلاحات ارضی اگر میلیون ها نفر روستایی ایران را نگران و عصبانی کرده باشد ، فراقسیون لیبرالی مجلس را خوشحال و راضی کرده است . این آقایان لازم می بینند در اعتراض به کوچکترین اهانت " به دولت موقت و کابینه آن مجلس را ترک کنند ، بیانیه صادر کنند و داد و هوار راه بیندازند ، اما وقتی پای طرحی چون اصلاحات ارضی به میان می آید ، وقتی قرار می شود تصمیمی به نفع اکثریت زحمتکش ایران گرفته شود ، سکوت را بر داد و هوار و فرار را بر قرار ترجیح می دهند . باز هم بگوئید لیبرالها " حسن نیت " ندارند !!

سوسیالیستی که نباید ادامه یابد

توطئه ها ، بمب گذاری ها و خرابکاری هایی که اخیراً در گوشه و کنار مملکت اتفاق افتاد و همچنین حضور فعال عاملین آنها در میتینگ اول ماه مه سازمان ، دامنه وسیع فعالیت شبکه های ضد انقلاب و به ویژه ساواکی ها را روشن ساخت . سخنان هفته گذشته آقای بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی و سخنگوی دولت نیز تأیید مکرر دیگری بر هشدارهای نیروهای مترقی و سازمان ما در مورد ساواکی ها بود . بهزاد نبوی در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی خود گفت : دستهای مختلفی در این کار شرکت دارند . ساواکی های سابق هستند که در اثر سوء سیاست ما

متاسفانه اینها علیه انقلاب نیز در توطئه شرکت می کنند در صورتی که روزهای اول اینها زمانی که من در کمیته بودم می آمدند و می گفتند که ما را دستگیر کنید چون می ترسیدند که به محل خودشان بروند . ولی کم کم آمدند تا جایی که اینجا برای حقوق خود متحصن شدند . حالا هم در توطئه ها شرکت می کنند . . . فکر می کنم که عمده این بمب گذاری ها کار این جماعت باشد . اگر قرار باشد که اینگونه " سوء سیاست " ها ادامه نیابد ، اگر قرار باشد دست این عناصر خودفروخته و خطرناک که حاضرند دست به هر اقدامی در دشمنی با مردم و مصالح انقلاب بزنند یکبار بطور قطعی کوتاه گردد ، اگر قرار باشد ریشه های توطئه های نظیر بمب گذاری ها خشکانیده شود و امنیت به سود انقلاب و در جهت منافع کارگران و زحمتکشان جایگزین محیط ناامنی و تشنج گردد ، باید دولت آستین ها را بالا بزند ، تصفیه ساواکی ها را پس از شناسایی و معرفی آنها به مردم بطور قاطع ادامه دهد و برای همیشه جامعه را از لوث وجود ساواک و ساواکی ها ، این شمره سلطه امپریالیسم بر کشور ما پاک نماید . لزوم برخورد قاطع به امر شناسایی تصفیه و معرفی ساواکی ها از طرف دیگر لازمه اجرای اصولی اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستان کل کشور نیز هست . چرا که تحقق آزادی مطبوعات و اجتماعات و احزاب رابطه تنگاتنگی با وجود امنیت و آرامش در جامعه دارد و ساواکی ها برغم باورهای ساده لوحانه برخی از مقامات در عمل ثابت کردند که مخل امنیت ، دشمن آسایش و قاتل جان و مال مردم اند . حتی زمانی که ساواک هم برچیده شده و مرکز فرماندهی آنها نیز درهم شکسته باشد .

دیوار حاشا بلند است

روزنامه میزان مورخ یکشنبه ششم اردیبهشت ماه اعلامیه ای از آیت الله قمی و اطلاعیه ای از دفتر آیت الله شیرازی به چاپ رسانیده است که بسیار جالب و عبرت آموز است . در اطلاعیه دفتر آیت الله شیرازی آمده است :

" چگونه است که در سطح کشور روزنامه " امت " به مراجع تقلید دنیای شیعه همانند حضرت آیت الله العظمی شیرازی و حضرات آیات عظام گلپایگانی ، نجفی مرعشی و قمی توهین می نماید ، افترا به ساحت قدس آنان می بیند ، از آنان به عنوان حامیان فتوادلها و دشمنان طبقه مستضعف و محروم و از فتاوی آنان به عنوان فتاوی مرتجعانه یاد می نماید و هیچگونه واکنشی نه از طرف قوه قضائیه و نه از طرف دیگر دست اندر کاران و متصدیان امور مملکت نشان داده نمی شود .

دفتر آیت الله با صدور این اطلاعیه و روزنامه میزان با چاپ آن اولاً میزان دلبستگی خود را به " آزادی مطبوعات " نشان داده اند . ثانیاً ثابت کرده اند که واقعا دیوار حاشا بلند است . معلوم نیست مخالفت صریح با طرح مترقی اصلاحات ارضی به ویژه بند " ج " را به چه چیز جز حمایت از فتوادلها و دشمنی با مستضعفان می توان تعبیر کرد ؟ آیا صدور فتاوی مرتجعانه کفن پوشی در صورت اجرای بند " ج " معنی دیگری جز دشمنی آشکار با محرومان دارد ؟ آیا پخش بیانیه های رنگارنگ و مختلف که خوراک و منبع تغذیه رادیوها و خبرگزاری های ضدانقلابی و امپریالیستی شده است ، جز ضدیت و کینه توزی با خواست های به حق کارگران و دهقانان ایران است ؟ آیا دم خروس کفن پوشی و تهدیدهای توخالی اینچنینی را باید دید یا قسم های این اطلاعیه را ؟ صرفنظر از تعبیر فقهی آقایان آیات

رویدادهای ترکمن صحرا

**مردم ترکمن صحرا
خواستار اجرای
پیام های وحدت
آیت الله خمینی
هستند**

سال گذشته تلخکامی های فراوانی رامتحمّل گردیده است و با انواع و اقسام دسائس فئودال ها و زمین داران بزرگ مواجه بوده، وقت آن نرسیده است که مسئولین منطقه و نهادهای انقلابی صمیمانه در رفع این نابرابری ها و اجحافات بکوشند. جلوی خودسری ها و بی قانونی ها و آزار و اذیت مردم ترکمن صحرا توسط بعضی از عناصر را که در لباس قانون بی قانونی می کنند، بگیرند و در جهت پیوند همه ملیت های منطقه اعم از ترکمن، فارس، ترک، بلوچ و... گام بردارند؟ مردم ترکمن صحرا از مسئولین می خواهند که اقدامات خویش را در جهت تحقق پیام های متعدد آیت الله خمینی اعلام کرده همچنین برنامه های خود را در این باره برای مردم تشریح نمایند.

دیدار با آیت الله خمینی

گنبد - در هفته گذشته هیئتی از انجمن اسلامی معلمان گنبد و حومه به همراه انجمن های اسلامی معلمان مازندران به حضور آیت الله خمینی رسیدند آیت الله در این دیدار ضمن بیاناتی بر این نکته که انقلاب میهن ما منحصر به هیچ حزب و دسته خاصی نیست و متعلق به همه مردم و همه ملیت های ایران است، تاکید نمودند. باید متذکر شد که در دو ماه گذشته هیئت هایی از طرف اقشار مختلف مردم ترکمن صحرا در سفر به تهران و قم، ملاقات هایی با آیت الله خمینی و آیت الله منتظری و مسئولین و دست اندرکاران دولت داشته و مسائل و مشکلات خود را طرح کرده اند. این ملاقات ها که به ابتکار ارگان ها و نهادهای انقلابی منطقه انجام شده، گسترش هرچه بیشتر تفاهم ملی، توجه جدی تر مسئولین به

"آیت الله خمینی" در پیامی که در آستانه سال جدید برای مردم ایران فرستادند، از همه نیروهای پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی دعوت کردند تا ضمن فراموش کردن تلخی ها و کدورت های گذشته، وحدت صفوف مدافعین انقلاب را تحکیم بخشند. "آیت الله خمینی" بارها و بارها بخصوص در پیام هایی که به مناسبت سالگرد انقلاب و روز کارگر فرستادند، بر این نکته تاکید داشتند و سایر مسئولین جمهوری اسلامی نیز به کرات بر این امر و رهنمودهای آیت الله خمینی در سخنان خود انگشت گذاشته اند. این پیام ها نوید آن را می داد که مسئولان جمهوری اسلامی با تصحیح خطاها و اشتباهات، در راه وحدت همه خلق های میهن علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا گام بردارند و جبهه انقلاب را در خنثی ساختن توطئه های امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی نیرومندتر سازند. اکنون تمامی مردم ترکمن صحرا از مقامات دولتی منطقه می پرسند: آیا زمان آن نرسیده است که با توجه به وضعیت کنونی کشور و توطئه های رنگارنگ امپریالیست ها و عناصر و ایادی گوناگون آنها مسئولین منطقه و ارگان های انقلاب اقداماتی همه جانبه در جهت تفاهم ملی و پیوند همه ملیت های ستم کشیده در ترکمن صحرا بنمایند. با توجه به اینکه خلق ترکمن در دو

مشکلات مردم منطقه و تحکیم وحدت صفوف خلق های ایران در جهت پیشبرد و تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق را نوید می دهد.

تشکیل اتحادیه

آق قلا - از چندی پیش هیئت ۷ نفره واگذاری زمین در منطقه آق قلا به منظور ایجاد ارتباط بیشتر بین شوراهای روستاهای مجاور و همکاری و هماهنگی بین آنها اقدام به تشکیل اتحادیه های منطقه ای نموده است. نحوه تشکیل این اتحادیه ها بدین گونه است که از هر شورا دو نفر از فعال ترین اعضا، یکی به عنوان عضو اصلی و دیگری عضو علی البدل اتحادیه با رای شوراها برگزیده می شوند. در این زمینه تاکنون چند اتحادیه من جمله یکی مشتمل بر شوراهای روستائی کرد، شفتالو باغ علیا، شفتالو باغ سفلی، پیراواش سفلی، پیراواش علیا، عاشور پای، شغال تپه، کوزه لی، اوچ تپه، نظرخان سفلی و دیگری مرکب از شوراهای روستائی عطا آباد اونق یلقی، انبار تپه، شیخ تپه، قره تپه، قزلی و چین سولی با حضور هیئت ۷ نفره تشکیل و اعضای آن انتخاب گردیدند. بنا بر پیشنهاد روستائیان، وظایفی که بر عهده این اتحادیه ها قرار گرفت، عبارتند از:

کوشش و پشتیبانی در جهت اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی. بازپس گرفتن ۲۰٪ محصولی که سال گذشته پاسداران از فئودال ها ضبط کرده بودند و قرار دادن آن در اختیار شوراها. حل و فصل اختلافات روستائیان. ایجاد کتابخانه در روستاها. بررسی مسئله گرانی و راه های مبارزه با گرانفروشی بررسی شیوه توزیع مایحتاج عمومی و قرار گرفتن شرکت های تعاونی به علت کم کاری و بی سر و سامانی آن در اختیار اتحادیه ها.

*

به خواست های فوری دهقانان کردستان رسیدگی کنید

اقتصادی و در تنگنا قرار دادن دهقانان برای تامین نیازهای تولیدی شان و بطور کلی عدم توجه به خواست های مردم کردستان بیشترین آب را به آسیاب ضدانقلاب منطقه ریخته و زمینه ساز رشد توطئه ها و مسموم ساختن اذهان عمومی علیه جمهوری اسلامی است. برای اینکه توطئه های ضد - انقلاب با شکست مواجه شود برای اینکه جو عدم اعتماد زحمتکشان منطقه نسبت به جمهوری اسلامی از بین برود برای اینکه کشاورزی کردستان از خطرات جدی رهایی یابد، برای اینکه دهقانان کرد هم همانند دهقانان سراسر ایران با تلاش پیگیر خود قدم در راه خودکفایی اقتصادی بگذارند، باید به خواست ها و نیازهای مبرم آنان که در جهت منافع انقلاب و در جهت نابودی ضدانقلاب است پاسخ جدی و فوری داده شود و اقدامات زیر که خواست دهقانان منطقه است هرچه سریعتر انجام گیرد:

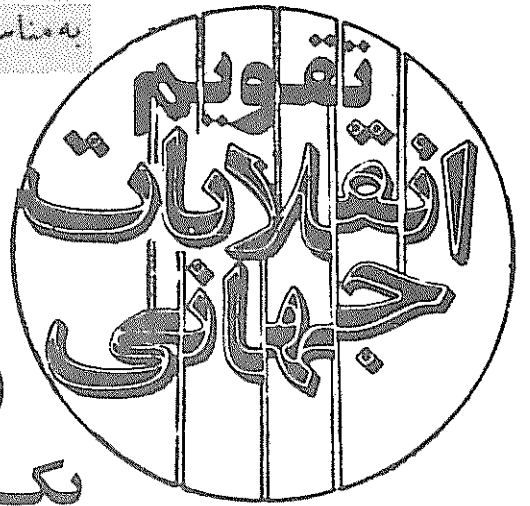
۱ - محاصره اقتصادی کردستان بیدرنگ پایان داده شود.
۲ - جهاد سازندگی با همکاری شوراهایی که از طرف دهقانان انتخاب شده اند میزان سوخت، بذر، کود و ماشین آلات مورد نیاز هر روستا را برآورد کرده و در اسرع وقت در جهت تامین آن اقدام نماید.
۳ - هیات های هفت نفره واگذاری زمین به فعالیت خود ادامه داده و با همکاری سپاه و جهاد و شوراهای بندهای "ج" و "د" اصلاحات ارضی را به اجرا درآورند.
۴ - جهاد سازندگی با همکاری شوراهای روستایی در مناطقی که حاکمیت انقلاب برقرار و ضدانقلاب به عقب رانده شده است با تامین اعتبار لازم در جهت ساختن حمام، مدرسه، درمانگاه و تعمیر جاده ها اقدام کند.

نامنی و گسترش درگیری های نظامی که از سوی ضدانقلاب و بر زمینه بی - توجهی جمهوری اسلامی به حقوق ملی خلق کرد به مردم کردستان تحمیل گشته است، فشار و مشکلات جانفرسائی را بر توده های زحمتکش این سامان بویژه دهقانان وارد آورده است. ارزیابی نادرست دولت از ضدانقلاب نیز در دو سال گذشته ابعاد بس خطرناکی به این فشار و مشکلات داده است بطوری که در پیش گرفتن شیوه هایی نظیر محاصره اقتصادی و در بعضی موارد قطع عبور و مرور مردم کردستان به شهرهای دیگر آنچنان جوی از عدم اعتماد نسبت به مسئولین دولت ایجاد نموده که مردم همه مشکلات خود را از سیاست های آنان می دانند. دهقانان کردستان که در سال های گذشته تولید کننده بخش قابل توجهی از غله کشور بودند در حال حاضر با قطع کامل سوخت، وام بذر و تامین ماشین آلات کشاورزی و... امکان کاشت زمین های خود را از دست داده اند، به همین دلیل کشاورزی این منطقه از میهن ما با رکود چشمگیری مواجه شده که به معنی کاهش تولیدات بخش کشاورزی کشور است.

با آنکه آیت الله خمینی بارها و بارها از کشاورزان زحمتکش حمایت کرده و به مسئولین دولت دستور داده اند تا به "امر کشاورزان و کشاورزی" توجه جدی مبذول دارند، اما هنوز هم مسئولان، این رهنمودها را در مورد کردستان به اجرا در نیاورده اند با ادامه محاصره اقتصادی و قطع هرگونه امکانات لازم و حیاتی برای کاشت و برداشت محصول، لطمه شدیدی به کار کشاورزی و زندگی دهقانان زحمتکش کردستان وارد آورده و می آورند. ادامه محاصره

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

به مناسبت روز جهانی پیروزی بر فاشیسم (۱۹ اردیبهشت)



مبارزه علیه سیاست‌های جنگ افروزانه امپریالیسم و حفظ صلح جهانی یک وظیفه انقلابی است



شما که بعد از جنگ متولد شده‌اید! شما که روزهای دهشتناک جنگ دوم را ندیده‌اید! شما که به همت پیروزی عظیم پدرانمان بر فاشیسم در صلح زیسته‌اید! وظیفه شما و همه مبارزان راه خلقهاست که قاطعانه علیه امپریالیسم و سیاست‌های جنگ‌افروزان آن مبارزه کنید!

از سوی دیگر همه آنها در خصومت افراطی نسبت به اتحاد شوروی نخستین کشورهای سوسیالیستی جهان وجه اشتراک داشتند.

هر دو صف‌بندی درون اردوی امپریالیست‌ها خواهان سلطه بلامنازع بر سراسر گیتی بودند. بلوک فاشیستی به رهبری آلمان هیتلری در تدارک نبودن اتحاد شوروی توسط نیروهای نظامی خویش بود. بلوک امپریالیستی دیگر نیز همین هدف را دنبال می‌کرد لیکن ترجیح می‌داد که این کار توسط بلوک آلمان صورت پذیرد.

محافل انگلستان، فرانسه و آمریکا امیدوار بودند که اتحاد شوروی از یک سو و آلمان نازی و ژاپن میلیتاریست از سوی دیگر در جریان یک جنگ طولانی یکدیگر را فرسوده و نابود سازند تا در نتیجه، سلطه بلامنازع جهان برای این بلوک حفظ شود. برای پی بردن به ماهیت امپریالیست‌ها و اهداف آنها در این جنگ، بهتر است به این بخش از سخنان سناتور "هانری ترومن" که بعداً رئیس جمهور آمریکا شد، توجه نمائیم. وی یک روز پس از حمله نیروهای آلمان نازی به خاک اتحاد شوروی در مصاحبه با نیویورک تایمز گفت:

"اگر ما مشاهده کنیم که آلمان در حال پیروزی شدن است، باید به شوروی کمک کنیم و اگر دیدیم که شوروی در حال پیروزی است، باید به آلمان کمک رسانیم. به این ترتیب آنها هرچه بیشتر یکدیگر را خواهند کشت."

در چنین شرایطی بود که جنگ دوم جهانی و سپس حمله آلمان فاشیستی به اتحاد شوروی آغاز شد. مردم اتحاد شوروی به رهبری رفیق استالین توسط حزب کمونیست بسیج گردیده و قهرمانانه به دفاع از سرزمین سوسیالیستی پرداختند. نظام اقتصادی سوسیالیستی که با برنامه‌ریزی اداره می‌شود امکان داد که ظرفیت‌های تولیدی و مواد خام در خدمت بسیج خلق بر ضد فاشیسم قرار گیرند. نیروهای نظامی و پارتیزانی اتحاد شوروی با دفاع قهرمانانه و حماسه‌هایی همچون نبردهای لنینگراد، استالین گراد توانستند دشمن متجاوز را از پای درآورند. پیروزی‌های ارتش سرخ، وضعیت نظامی و سیاسی را در عرصه بین‌المللی دگرگون ساخت و در تقویت جنبش‌های آزادی‌بخش ضد فاشیست، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. تشدید مبارزات این جنبش‌ها نیز زمینه را برای شکست نهایی آلمان هیتلری مهیا ساخت.

پس از پیروزی مردم شوروی بر اشغالگران نازی، ارتش سرخ رهسپار آزادسازی خلقهای اروپا از اشغال نازی‌ها گردید. شایان توجه است که بیش از یک میلیون نفر از سربازان شوروی در راه آزادی ملل اروپا جان خود را فدا کردند.

با فتح برلن که به نابودی قسمت اعظم نیروهای هیتلری انجامید، جنگ در اروپا نیز به پایان رسید. قرارداد تسلیم بدون قید و شرط آلمان در آخرین ساعات روز ۸ ماه مه در یکی از ستادهای عملیاتی نیروهای آلمان به امضاء رسید و روز ۹ ماه مه (۱۹ اردیبهشت) به عنوان روز پیروزی بر فاشیسم در سراسر جهان جشن‌های باشکوهی برپا شد.

بی‌آمدهای جنگ

جنگ دوم جهانی قربانیان بی‌شماری گرفت اما در عین حال نتایج سیاسی و اجتماعی بسیار مهمی برای بشریت به همراه داشت. این جنگ به جهانیان نشان داد که سوسیالیسم تکیه‌گاه اصلی خلق‌ها در نبرد بر ضد تجاوزات امپریالیستی و فاشیستی بوده و توانایی مقاومت بر ضد تجاوزگران را به بهترین وجه داراست. جنگ دوم نشان داد که کمونیست‌ها پایدارترین نیروهای مبارز در **بقیه در صفحه ۲۸**

تولید محصولات صنعتی برای یک دوره سه ساله رو به کاهش گذاشته و در ۱۹۳۲ به حداقل خود رسیده بود. زندگی زحمتکشان به شدت رو به وخامت گذاشته و تعداد بیکاران، ارقامی سرسام‌آور را نشان می‌داد.

مبارزات مردم کشورهای مستعمره و وابسته برای رهایی از یوغ امپریالیسم و کسب آزادی ملی و اجتماعی شدت یافته بود. قدرت‌های امپریالیستی مبارزه‌ای شدید به‌خاطر حوزه‌های نفوذ و بازار صدور مواد خام را آغاز کرده بودند. آلمان هیتلری به سرعت قدرت نظامی و اقتصادی خود را تقویت کرده و از نظر اقتصادی بر انگلستان و فرانسه فائق آمد. در همان حال امپریالیسم ژاپن نیز از لحاظ رشد اقتصادی بر رقبای غربی خود پیشی گرفته و به رقیب خطرناک آنها در آسیا تبدیل شده بود. تقسیم‌بندی مستعمرات و بازارها و حوزه نفوذ که در نتیجه جنگ اول به دست آمده بود، دیگر با نیازهای صف‌بندی جدید نیروهای درون اردوی امپریالیستی انطباق نداشت. آلمان و ژاپن و ایتالیا نقشه‌هایی برای تقسیم مجدد جهان در سر پرورانده بودند که به‌زبان انگلستان، فرانسه و آمریکا و سایر قدرت‌های استعماری آن زمان می‌شد. به این ترتیب در اردوی امپریالیست‌ها دو صف‌بندی مشخص به وجود آمد. از یک سو آلمان، ژاپن و ایتالیا که برای تقسیم مجدد جهان می‌جنگیدند و از سوی دیگر آمریکا، انگلستان و فرانسه که از تقسیم‌بندی قبلی حوزه‌های نفوذ خود دفاع می‌کردند. بنابراین جنگ دوم جهانی همچون جنگ اول نتیجه منطقی سیاست‌های دو بلوک امپریالیستی برای دست‌یابی به حوزه‌های نفوذ بیشتر و جدیدتر بود. اما این جنگ در شرایطی رخ می‌داد که با پیدایش اتحاد شوروی، جهان به نظام اجتماعی - اقتصادی کاملاً متضاد تقسیم شده بود. بلوک‌های امپریالیستی از یک سو با تضادهای درونی خود دست به‌گریبان بوده و

سی و شش سال از شکست نیروهای آلمان هیتلری در جنگ دوم جهانی سپری گشته اما هنوز هم مردم بسیاری در سراسر گیتی هستند که داغ از دست دادن عزیزان و یاران خود را بر دل دارند. هنوز هم مردم بسیاری هستند که در اثر جنگ ناقص‌العضو گردیده و تلخی جنگ جهانی را با وجودشان احساس می‌کنند.

یادآوری خاطره پیروزی بر فاشیست‌ها نه تنها التیام‌بخش اندوه بخش عظیمی از بشریت است، بلکه همچنین به پاس احترام به انسان‌هایی است که در نبردی سهمگین علیه فاشیسم و میلیتاریسم جان باخته و راه آینده انسان و پاسداری از صلح و تمدن جهانی را هموار ساختند.

شعله‌های جنگ دوم جهانی بیش از ۵۰ میلیون نفر انسان را در کام خود فرو برد و ۶۱ دولت که بیش از ۸۰٪ جمعیت جهان را در بر می‌گرفت، درگیر این جنگ شدند. در آسیا، آفریقا و اروپا مردم بسیاری برای پیروزی بر فاشیسم جنگیدند. و انسان‌های بی‌شماری در بازداشت‌گاه‌های هیتلری و یا در کوره‌های آدم‌سوزی جان باختند. اما حقیقت انکارناپذیر آن است که بار عمده جنگ بر ضد فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن را مردم اتحاد شوروی بر دوش کشیدند. در جریان این جنگ بیش از ۲۰ میلیون نفر از مردم شوروی کشته شده و دهها میلیون نفر زخمی و بی‌خانمان گردیدند. در پس این ارقام، حکایت رنج‌ها و دردهای عمیق بشریت مترقی نهفته است. پیروزی نیروهای شوروی بر آلمان هیتلری و پس از آن بر ژاپن میلیتاریست، طلایه آزادی و استقلال بسیاری از کشورهای اروپا، آسیا و آفریقا گردید. از آن هنگام تاکنون مدت بسیاری گذشته و جهان دستخوش تغییراتی شگرف گردیده است.

شرایط پیدایش جنگ جهانی دوم

در اوائل دهه ۳۰، جهان سرمایه‌داری دستخوش بحرانی عمیق و بی‌سابقه گردیده بود.

با فدراسیون سندیکایی جهانی

(W.F.T.U)

آشنا شویم

"فدراسیون سندیکایی جهانی" که بزرگترین و معتبرترین کانون کارگری بین‌المللی است، به مناسبت عید اول ماه مه پیامی خطاب به زحمتکشان و اتحادیه‌های کارگری سراسر جهان فرستاد که در آن با تأکید بر ضرورت و اهمیت همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان جهان، تحقق آرمان‌ها و اهداف اساسی جامعه بشری را در گرو تحکیم این همبستگی انقلابی ضرور و دوران‌ساز دانسته است. ما ضمن اشاره به مهم‌ترین رغوس این پیام می‌کشیم مبارزان جنبش کارگری ایران را بطور مجمل با تاریخچه و اهداف این فدراسیون جهانی آشنا گردانیم. باشد که در آینده نزدیک بتوانیم آنچنانکه باید به معرفی شایسته این کانون جهانی کارگری (که تبلور مهم‌ترین آموزش‌های نظری، تجارب عملی و دستاوردهای انقلابی جنبش جهانی اتحادیه‌ای است)، بپردازیم.

فدراسیون سندیکایی جهانی ضمن درودهای برادرانه به همه کارگران، زحمتکشان و اتحادیه‌های کارگری جهان، زحمتکشان سراسر گیتی را به تحکیم هرچه استوارتر پیوندهای انترناسیونالیستی و مبارزه یکپارچه در راه تحقق آرمان‌های شریف و والای انسانی فرا می‌خواند و تأکید می‌کند که این مبارزه، امپریالیسم، نواستعمار، فاشیسم، نژادپرستی، جنگ افروزی، فقر، جهل و استثمار انسان از انسان، مبارزه‌ای است برای تأمین حقوق صنفی کار، از طریق تحکیم همکاری و اتحاد همه جانبه بین - المللی میان اتحادیه‌های کارگری سراسر جهان و فراتر از آن مبارزه‌ای است در راه تحقق صلح استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی خلقها.

فدراسیون سندیکایی جهانی تصریح می‌کند که: "ما اکنون بیش از هر زمان دیگری به وحدت و همبستگی نیاز داریم زیرا زحمتکشان جهان می‌توانند در پرتو وحدت، مسائل اساسی بشریت را حل نمایند."

"فدراسیون سندیکایی جهانی" (W.F.T.U) مظهر واقعی وحدت توده‌ای و سندیکایی طبقه کارگر در

مقیاس بین‌المللی است. این فدراسیون در تاریخ ۳ اکتبر ۱۹۴۵ تشکیل شده است. در این زمان با سقوط فاشیسم و پایان جنگ جهانی دوم، از یک سو جنبش کارگری و اتحادیه‌ای در سراسر جهان اعتلای نوینی یافت و از سوی دیگر نیاز به تحکیم وحدت و همبستگی بین‌المللی کارگران در مبارزه علیه فاشیسم، میلیتاریسم و استعمار نو احساس می‌شد. شعار "نه جنگ، نه فاشیسم" شعار عمومی کارگران و زحمتکشان جهان و پایه اصلی وحدت دمکراتیک و توده‌ای طبقه کارگر در مقیاس بین‌المللی بود. بنابراین فدراسیون سندیکایی جهانی می‌بایست بیانگر اراده واحد کارگران و زحمتکشان جهان در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، فاشیسم و استعمار نو بوده و پرچمدار مبارزه سندیکایی کارگران برای بهبود شرایط زندگی و کار باشد.

کنگره موسس فدراسیون سندیکایی جهانی در سوم اکتبر ۱۹۴۵ در پاریس برگزار شد. در این کنگره ۲۷۲ نماینده از طرف ۶۴ میلیون کارگر و زحمتکش ۵۶ کشور شرکت داشتند. برنامه مصوبه این کنگره، وظایف اصلی فدراسیون سندیکایی جهانی را این‌چنین تصریح نموده است:

"تأمین وحدت مساعی سازمان‌های اتحادیه‌های کشورهای مختلف جهان، صرف‌نظر از نژاد، ملیت، مذهب و یا اعتقادات سیاسی آنها کمک به پایه‌ریزی اتحادیه‌های کارگری در کشورهایی که از نظر اجتماعی و اقتصادی توسعه نیافته‌اند، مبارزه علیه فاشیسم در همه جا، مبارزه علیه جنگ و علل آن، دفاع از منافع کارگران در سراسر جهان و در تمام مجامع بین‌المللی، سازماندهی مبارزه مشترک اتحادیه‌های کارگری تمام کشورها علیه تجاوز به حقوق اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان، مبارزه بخاطر تضمین حق کار، بالا بردن

دستمزدها، کوتاه شدن روزانه کار، بهبود وضعیت و شرایط کار و زندگی کارگران و زحمتکشان، مبارزه بخاطر تأمین امنیت اجتماعی کامل کارگران، تضمین بیمه بیکاری، بیماری، تصادفات و سوانح، از کارافتادگی و پیری... سازماندهی کار آموزشی در میان اعضای اتحادیه‌های کارگری در مورد ضرورت وحدت سندیکایی کارگران در مقیاس ملی و جهانی."

فدراسیون سندیکایی جهانی از بدو تشکیل خود، بخش‌اعظم سازمان‌های اتحادیه‌ای کشورهای مختلف جهان را در بر می‌گرفت ولی "فدراسیون امریکایی کار" که زیر نفوذ ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی امریکا قرار داشت، از همان ابتدای فعالیت فدراسیون سندیکایی جهانی، در مقابل آن قرار گرفت.

در سال ۱۹۴۹ رهبران دست‌راستی کنگره "اتحادیه‌های کارگری بریتانیا" و کنگره "سازمان‌های صنعتی امریکا" و سازمان‌های اتحادیه‌ای چند کشور دیگر اعلام داشتند که سازمان‌های تحت نفوذ آنها از فدراسیون سندیکایی جهانی خارج می‌شوند. این سازمان‌ها همراه با فدراسیون امریکایی کار، "کنفدراسیون جهانی سندیکاهای آزاد" را به وجود آوردند. اما فدراسیون سندیکایی جهانی علیرغم این اقدامات انشعابگرانه و وحدت‌شکنانه مبارزه پیگیرانه خود را در جهت بسط دامنه وحدت سندیکایی کارگران در مقیاس بین‌المللی بیش از پیش گسترش بخشید. آنچنانکه اکنون متجاوز از دو سوم کارگران متشکل در اتحادیه‌های کارگری جهان را در خود دارد. فدراسیون سندیکایی جهانی همواره در جهت گسترش جنبش بین - المللی سندیکایی، توسعه نفوذ آن در زندگی اجتماعی و مبارزات سیاسی کشورهای مختلف تلاش نموده است و با تمام قوا در مقابل

دسایس تفرقه‌افکنانه و وحدت شکنانه محافل امپریالیستی مبارزه کرده و از وحدت عمل توده‌ای کارگران در چهارچوب جنبش بین‌المللی سندیکایی دفاع نموده است. فدراسیون سندیکایی جهانی با تأمین و تحکیم وحدت عمل توده‌ای کارگران در مقیاس جهانی، یکی از مظاهر عمده جنبش بین - المللی انقلابی کارگری و از مولفه‌های نیرومند در روند انقلاب جهانی است. این حقیقتی است که از عمق سنن پربار جنبش بین‌المللی سندیکایی ریشه گرفته، در سرشت پیکارجویانه فعالیت‌های عمومی فدراسیون سندیکایی جهانی تبلور یافته و به صراحت در اساسنامه آن، در منشور حقوق سندیکایی مصوب سال ۱۹۴۵ و در اعلامیه حقوق سندیکایی مصوب ۱۹۷۸ نیز انعکاس یافته است:

"فدراسیون سندیکایی جهانی با تمام نیروهای مترقی جهان علی - امپریالیسم، استعمار و نو استعمار بخاطر استقلال ملی، صلح و پیشرفت اجتماعی همکاری می‌کند." (از مقدمه اساسنامه فدراسیون سندیکایی جهانی)

فدراسیون سندیکایی جهانی تاکنون در حرکت‌ها و اقدامات متعدد بین - المللی که به منظور ابراز همبستگی با پرولتاریای کشورهای سرمایه‌داری و خلقهای زیر سلطه انجام گرفته است، فعالانه شرکت نموده و همواره از دستاوردهای ظفرنمون پرولتاریای ممالک سوسیالیستی قاطعانه دفاع نموده است.

فدراسیون سندیکایی جهانی، خود مبتکر فعالیت‌های متنوع بین‌المللی در دفاع از جنبش‌های آزادی بخش ملی نیز بوده است. به ابتکار فدراسیون کمیته‌های بین‌المللی همبستگی با کارگران آفریقای جنوبی در سال ۱۹۶۳، با کارگران و

خلق عدن در سال ۱۹۶۴، و با کارگران و مردم بیتنام جنوبی در همین سال ایجاد شد. فدراسیون سندیکایی جهانی، نقش بسزایی در جنبش اعتراض جهانی علیه مداخلات نظامی امریکا در بیتنام و تجاوز اسرائیل علیه خلقهای عرب داشته است. شورای عمومی فدراسیون سندیکایی جهانی در سی و یکمین اجلاس عمومی خود که به مناسبت سی و پنجمین سالگرد تاسیس فدراسیون، در اکتبر ۱۹۸۰ در مسکو تشکیل گردید، خطوط اساسی مشی عمومی خود را چنین اعلام نموده است:

۱- مبارزه بخاطر صلح و خلع سلاح عمومی و گسترش روند تنش‌زدایی بین‌المللی به‌عنوان شرط اصلی تأمین امنیت اجتماعی.

۲- مبارزه علیه کوشش‌هایی که بار سنگین مسابقه تسلیحاتی را بر دوش زحمتکشان قرار می‌دهد و همچنین مبارزه علیه افزایش تولید سلاح‌های کشتار جمعی و مسابقه تسلیحاتی.

۳- مبارزه علیه انحصارات چند ملیتی امپریالیستی به‌عنوان محوری‌ترین اهرم دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران و زحمتکشان

۴- مبارزه علیه تهاجم سرمایه انحصاری به حقوق و آزادی‌های اتحادیه‌ای.

۵- دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان.

فدراسیون سندیکایی جهانی از بدو تشکیل خود تاکنون ۹ کنگره تشکیل داده و دهمین کنگره فدراسیون در نیمه اول سال ۱۹۸۲ در هاوانا برگزار خواهد شد.

به امید آنکه کانون‌ها و تشکل‌های کارگری میهن ما در چشم‌انداز نوینی که برای تحکیم، بالندگی و وحدت سراسری خویش دارند، به همت پیشروان آگاه خود، با پاسخ شایسته به ضرورت مبرم وحدت و انسجام صفوف خویش، در یک اتحادیه کارگری سراسری و پیوند با "فدراسیون" و جنبش بین - المللی اتحادیه‌ای، مکان در خور و شایسته خویش را در خانواده جهانی جنبش کارگری - سندیکایی باز یابند و رشته‌های پیوند انترناسیونالیستی خویش را بیش از هر زمان دیگر تحکیم نمایند.

مروری بر تاریخچه جنبش سندیکائی در ایران

((قسمت چهارم))

در سال ۱۳۲۳ دولت مجبور شد لایحه قانون کار را تنظیم کرده و برای تصویب مجلس چهارم ارائه دهد. در این لایحه موارد زیر قید شده بود: کار ۸ ساعت در روز.

دو هفته مرخصی سالیانه با استفاده از حقوق ۶ هفته مرخصی برای زنان کارگر باردار. منع استفاده از کار کودکان تا سن ۱۲ سالگی تا مین بیمه‌های اجتماعی برای کارگران و کارمندان هرچند نمایندگان مرتجع مجلس که اکثریت را تشکیل می‌دادند مانع مذاکره پیرامون این لایحه شدند، لیکن ارائه چنین قانونی از طرف دولت، بیانگر توان مبارزاتی بالفعل اتحادیه‌ها، میزان رشد جنبش کارگری - سندیکائی و درجه آگاهی کارگران نسبت به حقوق خویش بود.

گسترش سراسری تشکلهای کارگری و ارتقای کیفی سطح مبارزات اتحادیه‌های در ایران در سال ۱۳۳۳ و همچنین شکست‌های کمرشکن فاشیزم و بطور کلی مساعدتر شدن شرایط و امکانات مبارزه کارگری و دموکراتیک، جنبش کارگری ایران را در عرصه مبارزات انقلابی و صنفی - طبقاتی خویش بیش از پیش فعال کرد.

کارگران به منظور کسب حقوق صنفی - سیاسی خود به مبارزه‌ای همه جانبه و پیگیرانه دست زدند تحت رهبری " شورای متحده مرکزی " نمایشات اعتراض‌آمیز وسیعی انجام گرفت مهمترین نمونه‌های مبارزات کارگری سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۲۵ از این قرارند:

اعتصاب اتحادیه کارگران ساختمانی تهران
اعتصاب رفتگران تهران
اعتصاب کارگران نساجی تهران
نساجی و چرمسازی آذربایجان و نساجی مازندران

اعتصاب ۲۰ هزار نفر از کارگران نساجی اصفهان، اعتصاب کارگران نفت .
درباره نقش " شورای متحده مرکزی " در سازماندهی مبارزات صنعت نفت باید گفت:

که " شورای متحده مرکزی " در بنگاه‌های شرکت نفت جنوب (که بردن نام اتحادیه جرم به حساب می‌آمد) موفق شد سازمانهای مخفی تشکیل دهد و بتدریج کارگران را برای تشکیل اتحادیه وسیع‌تر (علنی) آماده سازد . تا اینکه در سال ۱۳۳۴ دامنه اتحادیه کارگران شرکت نفت به همه بنگاه‌های صنعت نفت کشیده شد و حق علنی بودن را بدست آورد .

در این سال‌ها کارگران نفت، مبارزه سختی را آغاز نموده و ضربه سنگینی بر پیکر امپریالیسم انگلیس وارد آورد . مهمترین اعتصابات نفت عبارت بود از:

اعتصاب متوالی کارگران نفت کرمانشاه در سال ۱۳۳۴ .

آغاچاری در اردیبهشت ۱۳۲۵ .
اعتصاب کارگران نفت جنوب در تیرماه ۱۳۲۵ که بزرگترین اعتصاب کارگری ایران (تا آن زمان) بود . خواست‌های عمده کارگران عبارت بود از:

۸ ساعت کار در روز .
عدم تبعیض بین کارگران همپایه ایرانی و خارجی .

یک روز مرخصی در هفته .
۱۵ روز مرخصی سالیانه .
پرداخت حقوق ایام مرخصی .
به رسمیت شناختن اتحادیه‌های کارگری .

آزادی قلم، بیان و اجتماعات ؛
تصویب قانون کار و اجرای آن .
عدم دخالت شرکت نفت ایران و انگلیس در امور سیاسی و ...

ولی " شرکت نفت انگلیس و ایران " فعالیت اتحادیه‌های کارگران را قدغن اعلام کرد . نیروهای نظامی آغاچاری را محاصره کردند . توزیع آب آشامیدنی قطع شد رهبران کارگران توقیف و زندانی شدند . به دنبال این واقعه ، به دعوت " شورای متحده " کارگران تبریز ، همدان ، زنجان ، شاهی و قزوین میتینگ‌های بزرگی برپا کردند . کارگران نفت سایر مناطق نفت‌خیز ضمن اعلام همبستگی با دیگر کارگران اعتصابی ، اعلام داشتند در صورت نپذیرفتن تقاضای کارگران آغاچاری ، دست به اعتصاب عمومی خواهند زد . پس از ۱۱ روز مبارزه ، سرانجام دولت مجبور شد ، در خرداد همان سال قانون کار را تصویب کرده و دستور اجرای آن را صادر نماید . این قانون کار شامل مواد زیر نیز بود :

۸ ساعت کار روزانه
۳۵ درصد اضافه حقوق
حداقل دستمزد به میزان ۴۰ ریال (روزانه)
برای مناطق نفت‌خیز خوزستان ، ۳۰ الی ۳۵ ریال برای بقیه مناطق

تشکیل صندوق تعاونی با پرداخت ۳ درصد از حقوق (۱ درصد به حساب کارگران و ۲ درصد به حساب کارفرمایان)
یک روز مرخصی سالیانه و قبول تعطیل رسمی کارگران در روز اول ماه مه و پرداخت دستمزد آن روز .

شرکت نفت از اجرای قانون کار سرباز زد و عده‌ای از کارگران نفت را اخراج نمود ، به دنبال چنین عکس‌العملی ، کارگران نفت تهران نیز دست به اعتصاب زدند . شرکت نفت انگلیس و ایران به منظور سرکوب جنبش کارگری ، ناوگان جنگی خویش را به سوی آبادان روانه کرد و " اتحادیه قبایل خوزستان " را که از عشایری تشکیل می‌شد که عمدتاً در رابطه با سرکوب جنبش‌های کارگری نفت توسط انگلیسی‌ها سازمان داده شده بود ، با سلاح‌های جدید تجهیز کرد ولی کارگران از پا ننشستند . در ۱۱ تیر ۱۳۲۵ کارگران نفت آبادان اعتصاب کردند . در ۲۲ تیر ماه ۱۳۲۵ اتحادیه کارگران نفت ضمن اعلامیه‌ای خواست‌های خویش را به شرح زیر اعلام کرد :

انفصال مصباح فاطمی (استاندار خوزستان و نوکر انگلیس از مقام استانداری .
خلع سلاح " اتحادیه عشایری خوزستان " منع شرکت نفت از مداخله در امور داخلی ایران .

تبدیل شرکت نفت به یک شرکت خالص تجاری .
الغاء شعبه سیاسی شرکت نفت و اخراج سران آن از ایران .
اجرای کامل قانون کار .

کمیته اعتصاب که از طرف شورای ایالتی اتحادیه‌های کارگران خوزستان انتخاب شده بود در ساعت ۵ صبح روز ۲۳ تیر ماه ۱۴۲۵ ، به شرکت انگلیسی نفت اطلاع دادند که از صبح همان روز اعتصاب خواهند کرد . در این اعتصاب عمومی بیش از صد هزار کارگر شرکت داشت . دولت بلافاصله در آبادان اعلام

حکومت نظامی کرد . نظامیان ، پالایشگاه آبادان را اشغال کردند . زدو خورد میان کارگران و نیروهای مسلح اتحادیه عشایری و سربازان دولتی شروع شد و کارگران قهرمانانه ایستادگی کردند . طی این مبارزات ۴۷ تن از کارگران به شهادت رسیدند و متجاوز از ۱۷۰ نفر زخمی شدند . نیروهای مسلح باشگاه‌های اتحادیه‌های کارگری را اشغال نمودند . کارگران سراسر کشور در مقابل این تجاوز به حقوق کارگران و زحمتکشان ساکت ننشسته ، میتینگ‌ها و تظاهرات وسیعی در اعلام همبستگی با کارگران قهرمان نفت در سراسر کشور برپا کردند . به دنبال این سرکوب وحشیانه و خونین هیئت مرکب از معاون نخست‌وزیر ، وزیر بازرگانی و نمایندگان شورای متحده مرکزی (رضا رادمنش و جودت) به خوزستان اعزام شدند تا به وضع رسیدگی کنند . این هیئت توانست با طرح وعده رسیدگی به مسائل و مشکلات کارگران ، بحران اعتصاب را تخفیف دهد . بی‌آنکه این وعده‌های واهی تضمینی را به دنبال داشته باشد . دولت قوام و شرکت نفت انگلیس به جای تعهد به وعده‌های این " هیئت " ، به دستگیری و اخراج چند تن از رهبران و اعضای اتحادیه کارگری نفت پرداخت و بدین ترتیب با فروکش کردن این موج سرکش مبارزاتی در واقع بزرگترین حرکت اعتصابی کارگری (در تاریخ جنبش کارگری ایران ، بجز اعتصابات عمومی ۵۷) درهم شکسته شد و پایه‌های متزلزل دولت قوام ، تعادلی نسبی یافت . اعتصاب عظیم و خونین ۱۳۲۵ نفتگران ، جای مهمی در تاریخ مبارزات کارگری ایران دارد . مطالبات این اعتصاب تنها به حوائج صنفی - طبقاتی کارگران محدود نمی‌شد بلکه علاوه بر آن و بطور بارزی دارای ابعاد ضداستعماری (علیه سلطه امپریالیسم انگلیس بر ایران) و ضد استبدادی (علیه دولت ارتجاعی قوام) بود .

بررسی همه جانبه و دقیق این حرکت مبارزاتی علاوه بر آنکه روشن کننده مقطع مهمی از تاریخچه جنبش کارگری - سندیکائی ایران است ، علاوه بر آن که روشنگر برخی از جوانب تاریک جنبش ضداستعماری و ضد ارتجاعی خلق ایران است ، در عین حال حاوی درسها و تجارب ارزنده و ذیقیمتی است از علل ضعف و قوت جنبش کارگری ایران و ظرفیت و توان مبارزاتی آن در مبارزه طبقاتی و رهاثیخشی ملی . متأسفانه تا به امروز این حرکت مبارزاتی غنی و شکوهمند آنچنانکه باید مورد ارزیابی نقادانه و علمی قرار نگرفته است . روشن کردن هرچه بیشتر کم و کیف جنبش کارگری ایران در مقطع (۳۲ - ۱۳۲۰) و بویژه تحلیل علمی اعتصاب عظیم نفت (۱۳۲۵) ، با توجه به عنایتی که تجارب متنوع این دوره از مبارزات کارگری دربر دارد ، می‌تواند سبب شاراز آموزش‌ها و تجارب عملی ارزنده ، در مبارزه کارگری - سندیکائی بوده و در تعمیق درک چگونگی رابطه اصولی میان مقوله حزب و مقوله اتحادیه گام موثری باشد . آنچه که تاکنون در این رابطه نوشته شده است ، یا یکسره ملامت از تحریف و تخطئه است و یا به اقتضای مصلحت‌طلبی‌های گروه‌گرایانه همچنان در محاق ابهام باقی مانده است .

ادامه دارد .

پیام

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به طبقه کارگر و زحمتکشان ایران
بمناسبت اول ماه مه

کارگران و زحمتکشان ایران!

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را به شما گردان ظفرآفرین انقلاب صمیمانه تبریک می‌گوئیم. جشن همبستگی و کار، به همه انسان‌هایی که به پشتوانه نیروی خلاق کار و اندیشه دوران ساز آن، جهان را برای بهتر زیستن و برای آنکه شایسته آدمی باشد، دگرگون می‌کنند، مبارک باد.

کارگران و زحمتکشان ایران سومین بار است که پس از انقلاب بهمن، عید خجسته کارگری را چنین جشن می‌گیرند. به خاطر می‌آوریم که قبل از انقلاب، همیشه دور از چشم دژخیمان امپریالیسم و مزدوران ساواک در پستوی انبار کارخانه‌ها، در خانه‌های دربسته و در باغ‌های متروک جشن بزرگ کارگران جهان را پنهان برگزار می‌کردیم. این خود اذیت‌ناوردی‌های شکوه‌مند انقلاب ماست که قبل از هر چیز ثمره مبارزات قهرمانانه و پیگیر شما کارگران و زحمتکشان ایران است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) طبقه کارگر، دهقانان و همه زحمتکشان و روشنفکران مبارز و انقلابی ایران و تمام کسانی را که در راه استقلال و آزادی میهن می‌رزمند، در این عید بزرگ که یادگار فرخنده و گرانقدر جنبش جهانی کارگری است به تلاش پیگیر در راه "وحدت" دعوت می‌کند.

دعوت می‌کند که وحدت طبقه کارگر ایران را به مثابه شالوده اتحاد همه نیروهای خلق تحکیم بخشیم.

دعوت می‌کند که پیوندهای انترناسیونالیستی کارگران ایران و جهان را مستحکم‌تر و استوارتر کنیم.

دعوت می‌کند که اتحاد ضد امپریالیستی همه اقشار خلق را تحکیم نمائیم.

آری. ما طبقه کارگر، دهقانان و همه زحمتکشان و روشنفکران مبارز و انقلابی و همه وطن‌خواهان را به افراشته‌تر ساختن پرچم پیروزی آفرینی که این شعارها بر روی آن نوشته شده است دعوت می‌کنیم.

*

سرنگونی رژیم شاهنشاهی پهلوی و پیروزی انقلاب بهمن بیش از همه مرهون اراده خلل‌ناپذیر طبقه کارگر ایران در مبارزه علیه دیکتاتوری شاه، غارت و ستم امپریالیسم و استثمار سرمایه‌داری است. نظام منفور و امریکائی شاهنشاهی را قبل از هر چیز مشت‌های پولادین طبقه کارگر ایران به گورستان تاریخ سپرد و چشم‌اندازهای پرشکوه و امیدبخش استقلال، دمکراسی و ترقی اجتماعی را برای مردم میهنمان به ارمغان آورد.

انقلاب بهمن که تجلی شورانگیزترین جلوه‌های

وحدت و همبستگی توده‌های مردم بود، با درهم شکستن استبداد فاشیستی شاه بزرگترین مانع سازمان‌یابی کارگران ایران را برپایه منافع طبقاتی‌شان از سر راه برداشت. جنبش کارگری ایران توانست تشکل مستقل خود را که پی افکنده بود، با عزم استوارتری بنیاد نهد. طبقه کارگر، دهقانان و دیگر زحمتکشان در مبارزه علیه توطئه‌ها و تجاوزات امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم امریکا، رژیم‌های ارتجاعی منطقه، رژیم جنایتکار صدام و به‌ویژه در پیگزار دوران ساز، با سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، تاجران عمده و سرمایه‌داران لیبرال تجربه‌های پرباری اندوختند. این تجارب بیش از پیش ضرورت اتحاد و تشکل را به آنان آموخت.

تشکل‌های شورائی، صنفی و نیز تشکل‌های مستقل طبقه کارگر به یک مطالبه عینی و ضرور بدل شد. طبقه کارگر ایران، هم با غریزه طبقاتی خود و هم با تلاش خستگی‌ناپذیر و پیگیر پیشروانش در راه شناخت این ضرورت عینی گام نهاد. نخستین نشانه‌های عینی استحکام پیوندهای طبقاتی در جنبش کارگری ایران پدیدار گشت. کارگران در می‌یابند که در برابر ستم و بهره‌کشی امپریالیسم و استثمار سرمایه‌داری در شرایط واحدی به‌سر می‌برند و از این رو باید بازو در بازوی هم زیر پرچم واحدی گرد آیند. این روند عینی، نشانه آغاز دوره‌ای است که طی آن تشکل‌های صنفی - طبقاتی کارگران تحکیم می‌یابد و مهم‌تر از آن نشانه پیدایش مبانی عینی تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است که پیشروترین انقلابیون کمونیست ایران راه‌های عملی تشکیل آن را به مثابه یک ضرورت تاریخی مبرم در دستور مبارزات خود قرار داده‌اند. حزبی که رهبری آن باید جنبش خلق را به فرجام نهائی برساند و به ضرورت ناگزیر دوران ما پاسخ بگوید.

سازمان ما، پیگیر و بی‌تزلزل در راه تحقق این ضرورت تاریخی پیکار می‌کند و با وفاداری خدشه‌ناپذیر به جهان‌بینی پرولتاریا و تجهیز عمیق‌تر بدان هر روز دستاورد درخشان تازه‌ای از پیوند استوار خود با طبقه کارگر به جنبش کارگری و کمونیستی ایران عرضه می‌دارد. سازمان ما افتخار دارد که معرف گسترده‌ترین، موثرترین و پیکارجویانه‌ترین پیوندهای موجود میان جنبش کمونیستی و کارگری ایران است و اکنون با بیشترین پشتوانه ایمان و اعتقاد به مارکسیسم - لنینیسم خلاق و با ایقان و وجدان علمی می‌کوشد پرچمدار راستین وحدت جنبش کمونیستی - کارگری ایران باشد.

تاریخ انقلاب‌های دوران ما می‌آموزد که توان هر انقلاب نهایتاً با درجه تشکل و آگاهی و وحدت و انسجام درونی طبقه کارگر و پیشروان آن مشروط می‌گردد. فرجام نهائی انقلاب ایران نیز

قبل از هر چیز در گروی تحکیم وحدت عمل و اراده طبقه کارگر میهن ما و پیشروان آن است. طبقه کارگر ایران و همه هواداران راستین سوسیالیسم علمی باید توان انقلابی خود را قبل از هر چیز در راه تشکیل و تحکیم تشکل‌های صنفی - طبقاتی کارگران (سندیکاها و اتحادیه‌های واقعی) و همچنین حضور متشکل کارگران در شوراها به کار انداخته و مهم‌تر از همه با صداقت و با ایمان خدشه‌ناپذیر به پیروزی گریزناپذیر پرولتاریا و با تکیه بر خرد جمعی و مساعی مشترک در جهت تشکیل ستاد رزمنده پرولتاریا یعنی تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران به مثابه وظیفه‌ای مبرم همت گمارند.

*

طبقه کارگر میهن ما همچنانکه در پیروزی مرحله نخست انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک ایران نقش تعیین کننده و اساسی داشت، در راه تعمیق انقلاب نیز علی‌رغم مصائب و آزمون‌های دشوار، مصمم و استوار پیکار می‌کند و بیش از پیش شایستگی خویش را در پاسخ به ضرورت‌های مبرم انقلاب نشان می‌دهد. حضور فعالانه کارگران ایران در صفوف مقدم جنگ مقاومت میهنی و علیه تجاوزات صدامی - امریکائی، ابتکار تشکیل خلاقانه کمیته‌های دفاع از انقلاب در کارخانه‌ها، ابراز نیروی خلاقه اندیشه و کار در بازسازی و راه‌اندازی مجدد کارخانجات آسیب‌دیده، درک ضرورت تداوم تولید و افزایش بازدهی کار به مثابه یکی از روندهای اصلی مبارزه بی‌امانش با دشمن که تحریم و محاصره اقتصادی، تخریب کارخانجات و تاسیسات اقتصادی را علیه انقلاب به‌کار می‌گیرد افشای پیگیرانه دسایس سرمایه‌داران و مدیران ضدانقلابی و لیبرال، مبارزه بی‌تزلزل برای تحکیم شوراها و مبارزه سرسخت برای تحقق شعار صادره و ملی‌کردن سرمایه‌های وابسته و بزرگ، تلاش در راه ایجاد و تقویت تعاونی‌ها به منظور خلع ید از واسطه‌ها و احتکار کنندگان، همه و همه بیانگر نقش تعیین‌کننده و اساسی طبقه کارگر ایران در دفاع از دستاوردهای انقلاب و تعمیق و تحکیم انقلاب است.

امروز بیش از هر زمانی باید درک کرد که لازمه تحکیم هرچه بیشتر صفوف طبقه کارگر ایران که در راه انقلاب و حفظ دستاوردهای آن عظیم‌ترین فداکاری‌ها را می‌کند، مبارزه برای تحقق شعارهای طبقاتی کارگران در چهارچوب مصالح انقلاب است. کارگران ایران که نقش تاریخی بزرگی در پیروزی انقلاب بهمن و دفاع از دستاوردهای خونبار آن ایفا کرده و می‌کنند، خواهان بهبود شرایط زندگی و کار خود در پرتو دستاوردهای انقلاب و اصول مصرحه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستند.

بقیه در صفحه ۱۲

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱۱

پیام...

برخورد اصولی و ضرور با خواست‌های صنفی - سیاسی زحمتکشان، ضرورت انقلاب و ضامن تعمیق و گسترش انقلاب خونبار ماست. با وجود آنکه اکنون دو سال است انقلاب ایران رژیم متکی بر قوانین سیاه شاهنشاهی را سرنگون کرده است، هنوز قانون کار ارتجاعی رژیم گذشته از درجه اعتبار ساقط نشده است و به عنوان مبنای حقوقی مناسبات میان کارگر و کارفرما مورد استناد قرار می‌گیرد. هنوز حتی ماده ۳۳ قانون کار لغو نشده و به اعتبار آن کارگران مبارز و انقلابی توسط کارفرمایان و مدیران از جمله هواداران خط آمریکا اخراج می‌شوند. در حال حاضر تدوین یک قانون کار و تامین اجتماعی ترقیخواهانه با نظارت تشکلهای کارگری و شرکت نمایندگان کارگران، اساسی‌ترین و مبرم‌ترین خواست صنفی - سیاسی کارگران ایران است. همچنین تدوین یک نظام مترقی جهت ارزشیابی مشاغل که بتواند مبنای تعیین مزد در واحدهای تولیدی و خدماتی میهن ما باشد، از خواست‌های جدی و مبرم کارگران است.

بهبود شرایط کار زنان و پرداخت مزد مساوی، در ازای کار مساوی به آنان، جلوگیری از کار خردسالان همراه با تامین حداقل هزینه زندگی آنها، تامین بهداشت و ایمنی محیط کار، تامین حق مسکن و تاسیس تعاونی‌های مسکن، تامین حقوق بازنشستگی، از کارافتادگی، حق خوار و بار، حق سرویس و حق اولاد از دیگر مطالبات مبرم کارگران ایران است. پاسخ فوری و اصولی جمهوری اسلامی ایران به این مطالبات، صفوف طبقه کارگر را هرچه بیشتر در دفاع از دستاوردهای انقلاب و مبارزه بخاطر تحکیم و گسترش آن تجهیز می‌کند، به تحکیم صفوف ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران یاری می‌رساند و راه را بر توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، ضدانقلاب داخلی و لیبرالها در واحدهای تولیدی و خدماتی کشور می‌بندد.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب، تامین شرایط مساعد برای تجهیز طبقه کارگر به سازمان‌های صنفی - طبقاتی او است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۲۶ خود بر حق تشکل مستقل کارگران تاکید و تصریح کرده است. طبقه کارگر ایران نیز به اتکای تجارب روزمره و مشخص خویش هرچه بیشتر در می‌یابد که برای دفاع از حقوق و منافع صنفی - طبقاتی خود باید به سازمان‌های اصیل صنفی - سیاسی (سندیکائی) مجهز شود. با وجود تصریح قانون اساسی و ضرورت مبرم تشکل آزادانه کارگران در سازمان‌های صنفی، درجهت حفظ و تثبیت دستاوردهای انقلاب هنوز هم بر سر راه ایجاد تشکلهای صنفی - طبقاتی کارگران مشکلات و موانع جدی وجود دارد. رعایت کامل اصل ۲۶ قانون اساسی و تثبیت قانونی حقوق سندیکائی کارگران و تصریح آن در قانون کار جدید ضرورت مبرم انقلاب و خواست فوری همه کارگران است.

یکی دیگر از دستاوردهای مهم انقلاب برای طبقه کارگر ایران، گشودن راه مشارکت انقلابی و دمکراتیک کارگران در اداره امور واحدهای تولیدی و خدماتی از طریق شرکت در شوراهای مدیریت واحدها است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۱۰۴ خود بر تشکیل

شوراهای کارکنان به منظور نظارت بر مدیریت واحدهای تولیدی و خدماتی مرکب از نمایندگان کارگران، کارمندان و مدیران تصریح دارد. کارگران نیز از پیروزی انقلاب به این سو، پیگیرانه از حق خود مبنی بر شرکت در اداره امور واحدها و نظارت بر مدیریت آنها دفاع کرده و می‌کنند. تشکیل و تحکیم شورا در واحدهای یاد شده، عامل اساسی تحکیم وحدت صفوف خلق، ضامن ادامه کاری واحدهای تولیدی و مبارزه با اخلال سرمایه‌داران و مدیران لیبرال و عناصر ضد انقلابی است. در این مورد هم هنوز بهرغم تصریح قانون اساسی و ضرورت مبرم مشارکت و نظارت متشکل و آزادانه کارگران در مدیریت واحدها، به علت تعلل مسئولین دولتی و تمکین و مماشات در مقابل سنگ اندازی‌ها و مانع‌تراشی‌های صاحب‌منصبان لیبرال، اجرای این قانون مسکوت مانده است. اجرای کامل اصل ۱۰۴ قانون اساسی و تضمین قانونی حقوق شورائی کارگران و زحمتکشان، خواست همه کارگران بوده و ضرورت درنگ‌ناپذیر انقلاب است.

تشکلهای سندیکائی و شورائی کارگران و زحمتکشان در واقع سازمان‌های پایه‌ای جبهه واحد نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی و ضرورت انقلاب ما است. با تامین شرایط لازم جهت تشکیل و تثبیت تشکلهای صنفی و شورائی، وحدت صفوف خلق تحکیم می‌یابد و خلق ما در مبارزه ضد امپریالیستی خود به پیروزی‌های جدیدی دست می‌یابد، پیروزی‌هایی که لازمه ادامه و تعمیق انقلاب است.

مبارزه طبقه کارگر بخاطر بهبود شرایط کار و زندگی و کسب حقوق صنفی و سیاسی، مبارزه کارگران و زحمتکشان در راه تثبیت حقوق سندیکائی و شورائی از اساسی‌ترین محرکه‌های تداوم و پیشرفت انقلاب است.

طبقه کارگر ایران در شرایط حساس امروز میهن مبارزه بخاطر مطالبات صنفی - سیاسی مبرم خود را ضمن تلاش شبانه‌روزی درجهت افزایش باروری تولید، بهبود کیفیت کار، تحکیم استقلال سیاسی و پایه‌ریزی استقلال اقتصادی به پیش می‌برد. برای کارگران و زحمتکشان ایران سنگرهای مقدم مبارزه در شرایط کنونی، سنگر نبرد با تجاوزگران و سنگر تولید در کارخانه‌ها است. آنان وظیفه مقدم خود را حضور موثر و فعال در جبهه مبارزه ضد امپریالیستی و شرکت گسترده در جبهه نوسازی جامعه در راستای استقلال ملی، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی می‌دانند.

طبقه کارگر ایران برپایه مبارزه متیمن و پرصلابت خود، علیرغم فرقه‌گرایی و انقلابی - نمائی ماجراجویان چپ و آنارشویست و بهرغم تلاش‌های مخرب مائویست‌های عریاں و شرمگین که به منظور انحلال جنبش کمونیستی و پراکنده ساختن صفوف کارگران و زحمتکشان و تسلیم‌شان به بورژوازی صورت می‌گیرد، وظایف تاریخی خود را با فداکاری‌های عظیم به انجام می‌رساند و آنان را بیش از پیش به انزوا و مرگی که در خور آنند، محکوم می‌کند.

کارگران، زحمتکشان، هم‌میهنان مبارز!

انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما اکنون در معرض توطئه‌های گسترده جبهه ارتجاع جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است. از یک سو امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا در اتحاد با ضدانقلاب داخلی می‌کوشد با زمینه - چینی‌های لازم، سرمایه‌داران لیبرال را در قالب یک دولت "میانه رو و معقول" که در واقع جادف صافکن یک رژیم دیکتاتوری وابسته و مزدور

امپریالیسم است، بر سر کار آورند و از سوی دیگر با وجود شکست تجاوز صدام که هدف آن صدور ضدانقلاب و درهم شکستن جمهوری اسلامی ایران بود، امپریالیسم بسرکردگی آمریکا و رژیم‌های مرتجع منطقه توسل به یک مداخله و تهاجم نظامی به ایران را به هیچ‌وجه منتفی ندانسته و تدارک آن را نیز در دستور محاسبات جنگ‌طلبانه و تجاوزکارانه خود قرار داده‌اند. در این رابطه لیبرالها و حامیان آنان بر دامنه مقاومت‌های مذبحخانه خود در برابر پیشرفت انقلاب افزوده و با تمام قوا از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ پشتیبانی می‌کنند. آنها با تمام توان خود تلاش دارند ایران را از دوستان جهانی انقلاب دور کرده و به دشمنان انقلاب نزدیک سازند. تئوری ارتجاعی "ابرقدرت‌ها" در خدمت این هدف شوم است. این تئوری تلاش می‌کند امپریالیسم را تطهیر کند، بر او لباس عافیت بپوشاند، دشمن را از زیر ضرب خارج کند، مبارزه مردم ما را در راه استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی به انحراف کشاند و انقلاب را با شکست روبرو سازد. در چنین شرایطی است که جنگ تجاوزگرانه رژیم عراق به مثابه یکی از حلقه‌های زنجیر توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع جهانی با همه عواقب ناگوار و زیانبار اقتصادی، اجتماعی همچنان ادامه دارد. برای دفع کامل تجاوز رژیم صدام، برای درهم شکستن توطئه‌های امپریالیسم، ضدانقلاب داخلی و سرمایه‌داران لیبرال و برای تجهیز در مقابل خطر تهاجم نظامی امپریالیستی، برای حفظ دستاوردهای انقلاب و تعمیق آن، وحدت صفوف خلق و تشکیل جبهه واحد ضد امپریالیستی نیروهای خلق، یک وظیفه اساسی، مبرم و میهن پرستانه است.

هم‌اکنون انقلاب ما در مسیر تداوم و تعمیق خود، با توطئه‌ها و اقدامات خرابکارانه - زمینداران، سرمایه‌داران و تجار بزرگ و وابسته روبرو است. طبقه کارگر خواهان آن است که حدود مالکیت به سود محرومان هرچه سریع‌تر تعیین گردد. ملی‌کردن صنایع وابسته و بزرگ تداوم یافته و تعمیق یابد، اصلاحات ارضی و مشخصاً بند "ج" و "د" آن پیگیرانه اجرا شود. تجارت خارجی ملی گردد و شبکه‌های دولتی و تعاونی توزیع استقرار یافته و گسترش یابد تا ضمن عمیق‌گذاشتن توطئه‌های طبقات ارتجاعی دست‌های غارتگرشان از حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه کوتاه شود و پایه‌های اجتماعی انقلاب بیش از پیش تحکیم یابد.

انقلاب باید با ریشه کن کردن غارتگری‌های زمینداران و سرمایه‌داران و تجار بزرگ و وابسته امر نوسازی اجتماعی و اقتصادی جامعه را به سود توده‌های میلیونی زحمتکشان و محرومان تدارک ببیند.

بار "گرانی" و "بیکاری" را کارگران و زحمتکشان میهن با فداکاری و احساس عمیق‌ترین مسئولیت‌ها و تعهدات، نسبت به انقلاب تحمل می‌نمایند. انجام فوری اقدامات اقتصادی یاد شده ضرورت انقلاب است. جمهوری اسلامی ایران باید به این ضرورت پاسخ دهد.

طبقه کارگر، از حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی همه اقشار خلق که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است، قاطعانه دفاع می‌کند و خواهان آن است که این قانون با تلاش در راه رفع نارسائی‌های آن بدون هرگونه تزلزل و مماشاتی اجرا گردد.

پشتیبانی پیگیرانه از خواست‌های طبقه کارگر ایران و تحقق بی‌کم و کاست آن پایه‌های وحدت صفوف خلق را عمیقاً تقویت کرده و بدان استحکام می‌بخشد.



(اکثریت)

اعلامیه

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره اصلاح نام سازمان

کارگران، زحمتکشان، هم‌میهنان مبارز!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پی بررسی‌هایی که از تحولات ایدئولوژیک - سیاسی سازمان به عمل آورده و با در نظر گرفتن مسائلی که در زیر بدان‌ها اشاره می‌شود، به اتفاق آراء تصمیم گرفت که از تاریخ اول ماه مه، مطابق با یازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" به عنوان نام رسمی سازمان اعلام شود.

سازمان ما در دوران سلطه رژیم دیکتاتوری شاه سازمانی سیاسی - نظامی بود که بطور مسلحانه با رژیم دست‌نشانده شاه مبارزه می‌کرد. اکنون سازمان ما یک سازمان سیاسی پر نفوذ است که برای آگاهی و سازماندهی کارگران و زحمتکشان و برای هدایت نیروهای خلق در راه اتحاد و پیکار علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی متحد آن برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه می‌نماید. پس از سرنگونی رژیم دست‌نشانده شاهنشاهی حکومتی ملی و ضد امپریالیست جایگزین آن شد. امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی متحد آن هم از آغاز روی کار آمدن این حکومت ضد امپریالیست، با بکارگیری انواع شیوه‌ها و کاربست انواع توطئه‌ها، از جمله با توسل به اقدام مسلحانه، ترور و تجاوز نظامی به میهن ما در صدد سرنگونی آن برآمدند. آشکار است که در چنین شرایطی اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران، اقدامی ضد انقلابی و در خدمت امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می‌باشد. سازمان ما این مسائل را چه از طریق ارگان رسمی سازمان و چه از طریق دیگر بطور مشروح توضیح داده است.

سازمان ما در آگاه ساختن توده‌های مردم نسبت به ماهیت و نتایج این توطئه‌ها و اقدامات امپریالیسم جهانی، ضد انقلاب داخلی و فریب‌خوردگان آنها سهمی بسزا داشته است. در مقابل این کوشش‌های سازمان، ضد انقلاب و عناصر ارتجاعی که همواره در پی ایجاد شکاف در صفوف خلق هستند به اشکال مختلف و از طرق گوناگون تلاش کرده و می‌کنند که اذهان توده‌های مردم را نسبت به خط مشی و سیاست سازمان ما مخدوش سازند و برخی از نیروهای ضد امپریالیست را علیه سازمان ما و سایر نیروهای کمونیست به خصومت برانگیزند. از سوی دیگر اقدامات غیر اصولی و نادرست گروه‌هایی چون "اقلیت" که سیاست‌ها و شعارهایی مغایر خط مشی سازمان ما را با نام سازمان تبلیغ می‌کنند و اشاعه می‌دهند، خود سبب اغتشاش در اذهان مردم نسبت به مواضع سازمان ما می‌گردد.

کمیته مرکزی "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" با توجه به مجموع مسائل فوق و با توجه به اینکه چگونگی نام سازمان و عدم تطابق آن با بینش و خط مشی کنونی ما سبب اغتشاش‌هایی در اذهان مردم شده و زمینه‌ای برای اغتشاش‌آفرینی برخی گروه‌ها فراهم می‌آورد تصمیم به اصلاح نام سازمان و تبدیل آن به

"سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" گرفته است.

اکنون همراه با اصلاح نام سازمان و اعلام آن در این خجسته روز اول ماه مه بجاست که بار دیگر اهداف و آرمان‌های انقلابی "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" و اساس سیاست‌ها و روش‌های آن را در این مرحله از تکامل انقلاب به اختصار مرور کنیم:

- آرمان اجتماعی "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" از میان بردن ستم طبقاتی پایان دادن به بهره‌کشی فرد از فرد، برقراری عدالت اجتماعی و استقرار جامعه سوسیالیستی، جامعه‌ای مبرا از هرگونه بهره‌کشی، نابرابری و تبعیض است.

- جهان‌بینی و راهنمای عمل "فدائیان خلق ایران (اکثریت)"، مارکسیسم - لنینیسم است که جهان‌بینی و راهنمای عمل همه مبارزان راه‌رهایی طبقه کارگر و دیگر محرومان جهان می‌باشد.

برای دستیابی به سوسیالیسم ضروری است که رهبری جامعه در دست توانای طبقه کارگر قرار گیرد و در پرتو اتحاد سایر زحمتکشان با طبقه کارگر همه مظاهر ستم امپریالیستی و نظم منفرود سرمایه‌داری نابود شود و نظم نوین اجتماعی مبتنی بر تعالیم شناخته شده سوسیالیسم علمی که هم اکنون در دهها کشور بکار بسته شده است برقرار گردد. تجربه تمام انقلاب‌هایی که در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است، نشان می‌دهد تنها انقلاب‌هایی که هدایت جامعه را به دست طبقه کارگر سپرده و حمایت وسیع توده‌های محروم جامعه را به سوی خود جلب کرده‌اند قادر شدند نابرابری‌های اجتماعی، تبعیض، فقر و محرومیت، بیکاری و گرانی، فحشاء و اعتیاد، بیسوادی، بی‌خانمانی، آوارگی و دیگر دردهای اجتماعی را ریشه‌کن سازند. این کشورها امروز جامعه نیرومند و پیشرفته کشورهای سوسیالیستی را تشکیل می‌دهند. کشورهای که وضع زندگی زحمتکشان در تمامی جهات روز به روز در حال ترقی و تعالی و شکوفایی است.

- امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا دشمن تمام بشریت و خصم آشتی‌ناپذیر همه مبارزان راه صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم است. امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی تمام خلق‌های جهان و بزرگترین غارتگر بین‌المللی و بزرگترین جنایتکار تاریخ است. امپریالیسم آمریکا سرکرده همه نیروهای جنگ‌طلب و تجاوزگر است. عامل اصلی همه محرومیت‌ها و رنج‌هایی که بر خلق زحمتکش ما تحمیل می‌شود، امپریالیسم جهانی و در راس همه امپریالیسم آمریکا است. امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا مدافع اصلی همه مرتجعین و ضد انقلابیون است که شیره جان خلق‌ها را می‌مکند و ثروت ملی خلق‌ها را غارت می‌کنند.

- در برابر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدین آنها، کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری و

جنبش‌های آزادیبخش ملی که در راه صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه می‌کنند، جبهه جهانی انقلاب را تشکیل می‌دهند. جبهه جهانی انقلاب - کشورهای سوسیالیستی، همه رژیم‌های ملی و دمکراتیک همه احزاب کمونیست و کارگری و جنبش‌های رهاثیبخش ملی - یاران و مدافعان خلق ما و انقلاب ما هستند. تحکیم همبستگی و همکاری با این نیروها پیروزی مبارزه خلق ما را در راه استقلال ملی، پیشرفت اجتماعی و دفاع از دستاوردهای انقلاب تضمین می‌نماید. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) صمیمانه و بطور پیگیر در راه گسترش و تحکیم این همبستگی مبارزه می‌نماید.

- در جبهه داخلی، سرمایه‌داران بزرگ و زمینداران بزرگ دشمن خلق و دشمن انقلابند. دست اینان باید از اقتصاد ما کوتاه، املاک و سرمایه‌شان به سود خلق مصادره و توطئه‌ها و تحریکاتشان درهم کوبیده شود. اینها مطمئن‌ترین پایگاه امپریالیسم در میهن ما هستند سرمایه‌داران لیبرال می‌کوشند جلوی رشد و تعمیق انقلاب را بگیرند. آنها از اینکه می‌بینند انقلاب منافعشان را به خطر انداخته است به وحشت افتاده‌اند. لیبرال‌ها خط سازش با امپریالیسم را دنبال می‌کنند. لیبرالها دوست خلق ما نیستند. آنها مورد حمایت امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند و در شرایط کنونی، سیاست آنها در اساس تفاوتی با سیاست امپریالیسم و سرمایه‌داران بزرگ ندارد. افشاء، انزوا و طرد احزاب و محافل لیبرالی وظیفه مبرم همه نیروهای انقلابی است.

- طبقه کارگر نیروی اصلی انقلاب ما است. دهقانان، پیشه‌وران، کسبه، کارمندان، نظامیان میهن‌پرست و روشنفکران انقلابی همگی متحد طبقه کارگر و جزء جبهه انقلاب هستند. همه نیروها، سازمان‌ها، احزاب، شخصیت‌ها نهادها و ارگان‌هایی که در مبارزه ضد امپریالیستی شرکت دارند، ضرورتاً باید مورد پشتیبانی یکدیگر قرار گیرند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پیکار ضد امپریالیستی - دمکراتیک از همه آنها پشتیبانی می‌کند و در راه اتحاد همه این نیروها در یک جبهه واحد ضد امپریالیستی مبارزه می‌نماید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه حفظ و تحکیم استقلال کامل ملی، تمامیت ارضی میهن و پاسداری از حق حاکمیت مردم ایران بر سرنوشت و برسرزمین خویش مبارزه می‌کنند. وظیفه همه نیروهای انقلابی است که علیه هر نوع تجاوز به استقلال ملی میهن پیکار کنند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر نوع تلاش تجزیه‌طلبانه و جدا کردن بخشی از کشور را محکوم می‌کند. سازمان ما تأمین حقوق حقه و ملی تمام خلق‌های میهن را ضامن تحکیم وحدت صفوف خلق و حفظ تمامیت ارضی میهنمان ایران می‌شناسد و در راه تأمین این حقوق مبارزه می‌کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بقیه از صفحه ۱۲

پیام...

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کارگران و زحمتکشان ایران را به تحکیم همبستگی بین‌المللی شان با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان دعوت می‌کند.

کارگران و زحمتکشان ایران در نبرد علیه بنیادهای ستم و استثمار امپریالیستی تنها نیستند. برادران طبقاتی آنها در چهارگوشه گیتی در مبارزه‌های مشترک علیه دشمن واحد فعالانه شرکت دارند. طبقه کارگر جهانی و در پیشاپیش همه، اردوی سوسیالیستی، پرولتاریای رزمنده مالک سرمایه‌داری و جنبش‌های رهائی بخش ملی در این مبارزه جهانی علیه امپریالیسم نظام نوآستعماری، استثمار، فاشیسم، تبعیض نژادی، فقر، جهل، بیکاری، گرانی، جنگ و... مبارزه‌های واحد را به پیش می‌برند. در ورای حلقه‌های زنجیر توطئه جبهه ارتجاع جهانی که گرداگرد انقلاب ما را محصور کرده است، پیوندهای همبستگی رزمجویانه و رشته‌های مودت و دوستی، انقلاب ما را به اردوی انقلاب جهانی متصل می‌سازد. جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری انقلابی در جوامع سرمایه‌داری صنعتی و جنبش‌های رهائی بخش ملی در مقیاس جهانی در نبردی امان علیه امپریالیسم بسرکردگی آمریکا با خلقهای انقلابی میهن ما ابراز همبستگی می‌کنند و قاطعانه از انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهن ما پشتیبانی می‌نمایند. آنها همچنین ضمن محکوم نمودن تجاوز و وحشیانه رژیم صدام، برای استقرار صلحی عادلانه تلاش و مبارزه می‌کنند. دفاع از سیستم جهانی سوسیالیستی و پشتیبانی قاطع از مبارزات پرولتاریای کشورهای صنعتی و جنبش‌های رهائی بخش ملی خلقهای تحت ستم وظیفه انترناسیونالیستی طبقه کارگر ایران است. ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که انقلاب ایران باید در پیوند با همه دوستان جهانی انقلاب که مدافع استقلال و آزادی میهن ما هستند، قرار گیرد. چنین پیوند متقابلی میان انقلاب ما و دولت‌ها و جنبش‌های انقلابی جهان ضامن پیروزی‌های هر چه بیشتر انقلاب ما است.

کارگران، زحمتکشان، هم‌میهنان مبارز!

امپریالیسم بسرکردگی آمریکا، رژیم‌های ارتجاعی منطقه و ضدانقلاب داخلی مذبوحانه تلاش می‌کنند که انقلاب را درهم شکنند. طبقه کارگر با دیگر اقشار خلق با استواری خدشه‌ناپذیری مصمم است که از دستاوردهای انقلاب پاسداری کند و آن را به فرجام رساند.

تاریخ، طنین ناقوس مرگ ستمکاران را اوج تازه‌ای بخشیده است. امپریالیسم هر روز بیشتر از قبل فرو می‌پاشد، هر زمان در گوشه‌ای از جهان حکومت ستمکاران و کاخ نشینان فرو می‌ریزد، چشم‌انداز پیروزی‌های هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان سراسر جهان، چشم‌انداز صلح، استقلال، آزادی و سوسیالیسم نزدیک‌تر از همیشه روبروی ما است. دوران، دوران حاکمیت کارگران و زحمتکشان است. طنین ناقوس پیروزی اوج می‌گیرد، ما پیروز می‌شویم.

استوار باد پیوند سازمان فدائیان خلق (اکثریت) با طبقه کارگر ایران

برقرار باد وحدت جنبش کمونیستی - کارگری ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
جمعه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰

بقیه از صفحه ۱۳

اعلامیه...

جمهوری اسلامی ایران را که رهبری آن در دست نیروهای ضد امپریالیست است، یک رژیم ملی و ضد امپریالیست می‌شناسد. سازمان ما از جمهوری اسلامی ایران در مقابل امپریالیسم آمریکا و متحدین آن حمایت می‌کند. سازمان ما با تمام نیرو برای درهم شکستن توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی که در صدد سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران و روی کار آوردن یک رژیم دست‌نشانده هستند مبارزه می‌کند. در این شرایط خطیر که همه مرتجعین جهان تمام عزم خود را جزم کرده‌اند که این جمهوری را سرنگون کنند مقاومت هر چه قاطعتر در برابر این تلاش‌های مذبوحانه وظیفه همه نیروهای ملی و مترقی انقلابی است. سازمان ما در برخورد با حاکمیت کنونی از سیاست اتحاد و مبارزه پیروی می‌کند. ما برای طرد کامل سازشکاران لیبرال از حکومت مبارزه می‌کنیم. ما در راه طرد عناصر قشری که زیربوش مذهب علیه همه نیروهای انقلابی و به سود امپریالیسم تلاش می‌کنند، مبارزه می‌کنیم. سازمان ما در راه تعمیق سیاست‌ها و اقدامات ضد امپریالیستی و تامین حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی همه اقشار خلق مبارزه می‌کند. سازمان ما با سیاست‌های وحدت‌شکنانه، تنگ‌نظرانه و ضد کمونیستی برخی جناح‌های حکومت که متأسفانه چندان هم ضعیف نیستند و با عملکرد متناقض خود در عمل به انقلاب و آرمان‌های مردم آسیب‌های جدی می‌رسانند، مبارزه می‌کند. این گرایش‌ها عموماً از ماهیت طبقاتی این نیروها که وابسته به اقشار بینابینی هستند ناشی می‌شود، تصحیح این تناقضات در خدمت تعمیق انقلاب و تحکیم پایه‌های اتحاد همه نیروهای انقلابی است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) معتقد است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علیرغم همه نارسائی‌ها، کمبودها و تناقضات آن قانونی است که سمت اصلی آن علیه سلطه امپریالیسم و در دفاع از استقلال ملی است. جهت عمومی این قانون به سود طبقات محروم جامعه و علیه منافع سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ است. بدین لحاظ اجرای قانون اساسی در خدمت مبارزه با سلطه امپریالیسم، سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ است. فعالیت سازمان‌ها و نهادهای انقلابی علیه امپریالیسم و متحدین داخلی و خارجی آن و در راه دفاع از حقوق حقه مردم در قانون اساسی تضمین شده است. قانون اساسی پشتیبان فعالیت علنی و قانونی این سازمان‌ها و نهادها است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز به دلیل همین ویژگی‌ها، فعالیت در چهارچوب قانون اساسی را می‌پذیرد و سایر نیروهای انقلابی را به چنین کاری فرا می‌خواند. سازمان ما در راه تامین فعالیت علنی و قانونی تمام سازمانهای سیاسی ضد امپریالیست و دمکراتیک مبارزه می‌کند. ما نقض حقوق فعالیت علنی و قانونی این سازمان‌ها و غیرقانونی اعلام کردن آنها را محکوم و خلاف نص صریح قانون اساسی می‌شناسیم. ما معتقدیم که پایبندی حکومت به قانون اساسی، شرط اصلی پایبندی نیروهای انقلابی به قانون اساسی است. برعهده نیروهای ترقیخواه و انقلابی است که برای تصحیح و تکمیل و رفع تناقضات موجود در قانون اساسی مبارزه کنند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فعالیت

مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کند. سازمان ما دامن زدن به فضای تشنج، قهر و نفاق میان نیروهای ضد امپریالیست و دمکراتیک را محکوم می‌کند و آن را مستقیم و غیر مستقیم در خدمت تضعیف جبهه انقلاب و در جهت نقشه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب می‌شناسد. سازمان ما وظیفه خود و وظیفه همه نیروهای انقلابی می‌شناسد که جدا از اختلافات عقیدتی و مسلکی علیه این تحریکات و توطئه‌ها و در راه بهبود مناسبات میان سازمانها و نهادهای سیاسی ضد امپریالیستی و دمکراتیک و تحکیم مبانی وحدت میان آنان از هیچ کوششی فروگذار نکنند.

وظیفه همه نیروهای انقلابی است که در جهت جلب مردم به نهادهای مسلح مردمی که ضامن دفاع از دستاوردهای انقلاب و دفع تجاوز امپریالیسم و متحدین آن است با تمام نیرو مبارزه کنند. تجربه همه انقلابات به ما آموخته است که این تنها، خلق متحد و متشکل و قدرت مسلح آن است که می‌تواند تهاجم ددمن‌شانه امپریالیست‌های جنایتکار و متحدین داخلی و خارجی آنها را درهم شکند و از انقلاب دفاع کند. تصفیه دائمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از وابستگان به رژیم گذشته و تسلیح موثرتر و تقویت بیشتر نیروهای بسیج توده‌ای، ضامن حفظ دستاوردهای انقلاب از گزند دشمنان آن است. سازمان فدائیان، حق شرکت در دفاع از میهن انقلابی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب و مبارزه در راه گسترش آن را حق و وظیفه میلیونها مردمی می‌داند که انقلاب کرده‌اند.

مخالفت انحصارطلبانه با شرکت همه نیروها در این مبارزه برحق و قانونی به زیان انقلاب است و بنیة آن را در برابر دشمنان ما تضعیف می‌کند. سازمان ما علیرغم تمام اشکال تراشی‌ها و تنگ‌نظری‌ها در مبارزه علیه تجاوزکاران و امپریالیست‌های حامی آنان با تمام توان خود شرکت دارد. هیچ نیرویی قادر نیست فدائیان را از جانفشانی در راه استقلال و آزادی میهن در جبهه‌های جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه خلقهای ایران و عراق محروم سازد.

" مرگ بر امپریالیسم جهانی

به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

گسترده‌باد همکاری و همگامی همه نیروهای که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰

برنامه شرکت ایران ناسیونال

به زیان زحمتکشان است

مدیران شرکت ایران ناسیونال برنامه تولید سال ۱۳۶۰ این کارخانه را به صورت زیر ارائه کرده‌اند:

پیکان سواری	۹۰ هزار	واحد
وانت	۱۷ هزار	واحد
مینی بوس	۴ هزار	واحد
اتوبوس	۱۵۰۰	واحد

تولید اتومبیل سواری که فقط عده معدودی می‌توانند از آن استفاده کنند، نه تنها به نفع زحمتکشان نیست، بلکه مشکلی بر مشکلات جامعه می‌افزاید.

دولت باید بجای افزایش تعداد اتومبیل‌های شخصی، بر تولید وسائل نقلیه عمومی بیاورید.

در راه انقلاب باید فداکار یها کنیم

مصاحبه با رفیق اکبر دوستدار صنایع عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مرتبه ما را زمین گذاشتند و خودشان هم می‌خواستند تا اینکه ما را به یک ماشین منتقل کردند. البته در فاصله‌های هم که می‌خواستیم به بیمارستان برسیم، مشکلات زیادی پیش آمد بالاخره ما را به بیمارستان رساندند.

س: فکر می‌کنید عاملین این حادثه چه کسانی هستند و هدف آنها چیست؟
ج: عاملین این حادثه همان کسانی هستند که از بدو انقلاب تاکنون علیه انقلاب و نیروهای که در صف انقلاب قرار دارند، متشکل شده‌اند عواملی که روز به روز حرکات ضدانقلابی خودشان را دامنه‌دارتر می‌کنند و این جدا از حرکات و کوشش‌های همه‌جانبه امپریالیسم امریکا برای به نابودی کشاندن انقلاب ایران و جلوگیری از گسترش و تعمیق آن نیست عواملی را که ما از آغاز انقلاب تاکنون شناخته‌ایم، عبارتند از: ساواکی‌ها، عوامل حزب امریکائی رنجبران، محافل و دارودسته وابسته به سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و عناصر قشری که به خاطر تعصب کورشان در عمل با ضدانقلاب متحد شده‌اند. این گروه اخیر که متأسفانه بخش‌هایی از آنان در نهادهای انقلابی نفوذ کرده‌اند، صدمات فراوانی را به انقلاب ما وارد ساخته‌اند. اینها از جمله عواملی هستند که نیروهای زیادی را نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی بدبین کرده‌اند.

اما هدفی که کلاً تمام این دار و دسته ضدانقلابی دنبال می‌کنند، درهم شکستن اتحاد بین صفوف انقلابی است. به همین دلیل در این شرایط که دامنه‌های توطئه امپریالیسم و همدستانش در داخل و خارج از میهنمان گسترش می‌یابد فعالیت و خرابکاری از جانب آنان تشدید می‌شود.

س: شما که ناظر وقایع بودید، برخورد هواداران سازمان را در برابر این یورش‌های وحشیانه چگونه دیدید؟

ج: هواداران سازمان طبق دستور سازمانی حفظ انتظامات درون میتینگ را بر عهده داشتند و خارج از آن به عهده ماموران انتظامی بود. به همین دلیل رفقای انتظامات و هواداران برای بقیه در صفحه ۱۹

بودند، به ضلع شرقی محل تجمع کشیده می‌شدند و از آنجا می‌خواستند خارج شوند. من از ابتدای میتینگ در ضلع شرقی بودم عده‌ای از رفقا می‌خواستند از این قسمت خارج شوند. من هم سعی می‌کردم با آنها خارج شوم. درعین حال سعی

پلاکاردها و نوشته‌ها را پاره می‌کنند و با سنگ و چوب به جمع حمله نمایند تا آنجائی که من شاهد بودم، جمع با ایستادگی در برابر حمله کنندگان فقط سنگ و چوب را دفع می‌کرد و مقابله‌ای نمی‌کرد تا میتینگ را حفظ کنند.

به پایش اشاره می‌کند و می‌خندد. دستمان را گرم و رفیقانه می‌فشارد. در کنارش می‌نشینیم و مصاحبه را آغاز می‌کنیم.

س: رفیق اکبر، اگر امکان دارد، مختصری از شرح واقعه



می‌کردم تا آنجا که ممکن است برای آنهاست که زیر دست و پا مانده‌اند، به‌ویژه بچه‌ها کاری انجام بدهم و بعد خودم خارج شوم. در آخرین لحظاتی که می‌خواستم وارد خیابان شوم، صدای انفجار مهیبی را زیر پایم احساس کردم و اولین چیزی را که در کنارم دیدم، چند نفری بودند که به شدت متلاشی شده بودند و پای خودم نیز متلاشی شده بود. در اینجا با توجه به تجاربی که از جبهه‌های جنگ جنوب داشتم فوراً به وسیله لباس پایم را بستم تا جلوی خونریزی را بگیرد. در این فاصله چند تن از رفقا و دو تن از برادران پاسدار آمدند تا مرا از صحنه خارج کنند. در همین فاصله خارج شدن از صحنه مرتباً مهاجمین با سنگ و چوب حمله می‌کردند و حتی توجیهی به وضعیت مجروحینی مانند من نداشتند بطوریکه آنهایی که مارا حمل می‌کردند چند

آن جمع تظاهرکننده از تیپ‌های مختلف بودند و از قیافه‌هایشان می‌شد شناسائی کرد و از شعارهایی که می‌دادند. عوامل قشری و متعصبین مذهبی که با اعمال کور خود علیه انقلاب اقدام می‌کنند، عوامل ساواک تیپ‌های رنجبری و مائوئیست عواملی که وابسته هستند به سرمایه‌داران و لیبرالها... اینها به میدان می‌آمدند و به طرف ما یورش می‌آوردند. رفقای ما طبق دستوری که سازمان داده بود که نبایستی میتینگ به درگیری متقابل کشیده شود، عمل می‌کردند. ما در تمام طول میتینگ همین برخوردی را که گفتم داشتیم.

حدود ساعت ۶/۵ بعد از ظهر بود که ناگهان صدای انفجاری از طرف تریبون بلند شد. این درواقع اوج حملات و یورش‌هایی بود که با سنگ و چوب و چاقو آغاز شده بود. با صدای انفجار، جمعیتی که در طرف تریبون

از آنچه که ناظر بودید، بگوئید:

ج: من از ساعت ۳/۵ قبل از آغاز مراسم شاهد بودم که دسته کوچکی با شعار "حزب فقط حزب‌الله" در اطراف میتینگ مشغول تظاهرات بودند. با آغاز میتینگ این دسته حرکتش گسترده‌تر شد و در اطراف میتینگ تظاهرات می‌کرد. انتظامات بیرونی را وزارت کشور و پاسداران بر عهده داشتند و به طریقی حائل دسته تظاهرکننده و جمع میتینگ بودند. عده‌ای از پاسداران می‌کوشیدند این گروه مهاجم را عقب برانند اما مهاجمین به حملات خود ادامه می‌دادند و متأسفانه اقدامات قاطع و شدیدی علیه آنها صورت نمی‌گرفت.

با آغاز میتینگ این دسته سعی می‌کرد با شعارهایی که علیه ما می‌داد، اجتماع را به هم بریزد و دائماً هم در اطراف میدان شلوغ می‌کردند اول بار از ضلع غربی میتینگ یورش آوردند و سعی می‌کردند

رفیق اکبر دوستدار صنایع عضو کمیته مرکزی سازمان در مسئول شاخه خوزستان در جریان حوادث میتینگ اول ماه مه در میدان آزادی در اثر انفجار بمب به شدت مجروح شد و پزشکان معالج علیرغم تلاش همه‌جانبه‌ای که به‌کار بردند، مجبور به قطع پای چپ رفیق شدند. رفیق که چند روز قبل برای شرکت در جلسه کمیته مرکزی سازمان از جبهه‌های جنگ مقاومت به تهران عزیمت کرده بود، بدین‌سان هدف توطئه‌هایی که از جانب نیروهای ضد انقلابی، ساواکی‌ها و محافل وابسته به سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و عناصر قشری و تنگ‌نظر تدارک دیده شده بود، قرار گرفت.

رفیق اکبر از سال ۴۶ مبارزات سیاسی خود را آغاز کرد. پس از ورود به دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۴۷ این مبارزات بطور پیگیر در عرصه صنفی سیاسی ادامه یافت. در سال ۵۰ رفیق به سازمان پیوست و در سال ۵۱ دستگیر و مدت ۶ سال یعنی تا اواخر سال ۵۶ در زندان به‌سر برد. پس از آزادی از زندان رفیق بلافاصله به سازمان پیوست و به‌همراه سازمان فعالانه در قیام شرکت جست. بعد از قیام رفیق برای سازماندهی تشکیلات سازمان به خوزستان اعزام شد. در سال ۵۸ در حمله‌ای که به ستاد سازمان در آبادان انجام یافت، رفیق نیز دستگیر و مدت چند ماه در زندان به‌سر برد. پس از آزادی، رفیق مجدداً از طرف سازمان به خوزستان اعزام گردید. از آن پس بطور خستگی‌ناپذیر در سازماندهی تشکیلات سازمان و جنبش‌گرایی جنوب شرکت داشت.

رفیق که نقشی ارزنده در سازماندهی تشکیلات و جنبش‌گرایی ایفا نمود در سال ۵۹ به مرکزیت سازمان وارد گردید. پس از آغاز تهاجم عراق به ایران رفیق اکبر عهده‌دار وظیفه خطیر سازماندهی و شرکت نیروهای سازمان در جنگ گشت. وظیفه‌ای که به‌گونه‌ای شایسته از عهده آن برآمد.

به دیدار رفیق که می‌رویم با لبخند پذیرایمان می‌شود. مثل همیشه با روحیه و پشاش است. می‌گوید از میان باران توپ و موشک نیروهای متجاوز عراق آمدیم و این‌جا که جبهه‌های دیگر است، در دفاع از انقلاب...

اجتماع اول ماه مه، بزرگترین میتینگ تاریخ سازمان و نشانه رشد آگاهی توده‌های مردم

قهرمانانه صدها فدائی در جبهه‌های مقاومت میهن و شمره مبارزه پیگیر و خستگی‌ناپذیر نیروی انقلابی فداکار و عظیمی است که در کارخانه‌ها، در پشت جبهه‌ها، در شهر و روستا و در همه‌جای میهن علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن می‌جنگد، پرده از چهره سازشکاران می‌درد، عناصر قشری و سیاست‌های انحصارطلبانه را زیر ضرب می‌گیرد، از هر نیروی ضدامپریالیست و هر سیاست ترقیخواهانه، پیگیرانه حمایت می‌کند و در دفاع از حقوق دمکراتیک توده‌های مردم پیگیر است.

این استقبال بی‌نظیر نشانه تعمیق انقلاب، نشانه پیشرفت مبارزه مردم علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن و نشانه حضور انقلابی توده‌های مردم در بطن انقلاب است.

آری، میتینگ میدان آزادی نشانه تحکیم پیوند فدائی با خلق، نشانه رشد جنبش کمونیستی میهن و نشانه آن بود که سازمان ما بمشابه پیشاهنگ رزمنده طبقه کارگر ایران و فداکارترین گردان رزمنده جنبش خلق، امروز از آنجان پایگاه وسیع توده‌های برخوردار است که یالطبع باید مورد کینه‌توزانه‌ترین دشمنی‌های امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا و متحدان آن و همه‌کسانی باشد که مستقیم و غیر مستقیم آب به آسیاب امپریالیسم می‌ریزند.

بنابراین آنچه در روز اول ماه مه، میتینگ عظیم سازمان را به خون کشید، دست‌های جنایتکاری که به ردیلانه‌ترین و جنایت‌بارترین اقدام ضد انسانی دست زد و سهراهی و نارنجک به میان مردان و زنان و کودکان انداخت، دست‌های هر کسی که باشد، چه باندهای سیاه متشکل از ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و جاسوسان امپریالیسم که در اجتماعات اسلامی و اماکن عمومی بمب می‌گذارند و چه دستجات منکی بر محافل قشری و انحصار طلب که زیر نام اسلام تیشه به ریشه جمهوری اسلامی می‌زنند، مجری بخشی از توطئه‌ها و جنایات امپریالیسم علیه سازمان ما و خلق ما به حساب می‌آید. ما دشمن اصلی خود و خلق خود را امپریالیسم آمریکا می‌دانیم، ما با امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن که جبهه ضدانقلاب را تشکیل می‌دهند، در جنگیم و اعتقاد داریم که جبهه ضد انقلاب نیز از هر طریق ممکن و به هر وسیله‌ای که بتواند به هر جنایت و هر دسیسه‌ای علیه سازمان ما و دیگر نیروهای ترقیخواه خلق دست خواهد زد همچنان که در گذشته نیز چنین بوده و تا امپریالیسم وجود دارد، چنین خواهد بود.

بقیه در صفحه ۱۷

انقلابی و ضدامپریالیست آسیب رساند، پایگاه توده‌های جمهوری اسلامی را تضعیف کرد و بیش از همه مورد بهره‌برداری لیبرالها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری و در واقع امر به سود آنها تمام شد و سرانجام به علت پیشرفت انقلاب و مبارزه نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست ایران و به علت زمینه‌های تحولی که در نیروهای جمهوری اسلامی وجود داشت، دولت جمهوری اسلامی ایران عملاً در جهت رسمیت دادن به آزادی فعالیت‌های سیاسی مردم ایران گام برداشت.

اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب به عنوان نخستین نشانه عملی تغییر سیاست جمهوری اسلامی در قبال آزادی‌های سیاسی مورد استقبال بسیاری از نیروهای انقلابی و ترقیخواه، از جمله سازمان ما قرار گرفت. این تحول که بدون تردید ضرورت حیاتی انقلاب ما بوده و هست، در واقع نشانه پیروزی نیروهای طرفدار آزادی و سیاست واقع‌بینانه جمهوری اسلامی ایران بود.

میتینگ سازمان ما در میدان آزادی نخستین اجتماع رسمی سازمان پس از اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان انقلاب بود. استقبال مردم از این میتینگ اگر بخواهیم در یک جمله بگوئیم، شگفت‌انگیز بود. در ساعت چهار بعد از ظهر بیش از یک صد هزار تن در ضلع شمالی میدان آزادی گرد آمده بودند و این در حالی بود که سیل جمعیت همچنان به سوی میتینگ روان بود.

ترکیب جمعیت نیز نشانه‌هایی روشن و امید بخش از اعتماد کارگران و زحمتکشان به سازمان و نشانه‌های چشم‌گیری از رشد آگاهی‌های طبقاتی مردم را به تماشا گذاشت.

این میتینگ به تصدیق همه گزارشگران ما و با تکیه بر ارزیابی‌های متعدد، بیش از آخرین میتینگ سازمان ما که در آن زمان بزرگترین اجتماع تاریخ سازمان ارزیابی شده بود، مورد استقبال مردم قرار گرفت. استقبال بی‌نظیر و شگوهمند مردم از میتینگ سازمان نشانه آن است که سازمان ما بر اساس ضرورت‌های عینی پیشرفت انقلاب ایران گام برمی‌دارد. این استقبال نشانه رشد سازمان در ابعاد توده‌ای، نشانه رشد آگاهی طبقاتی توده‌ها و نشانه یک سال تلاش پیگیر، قهرمانانه، جانپازانه و افتخارآفرین فرد فرد اعضا و هواداران پرخروش سازمان ما است.

استقبال بی‌نظیر مردم که نشانه رشد آگاهی توده‌ها بود، نشان داد که تبلیغات گروه‌های چپ‌رو و چپ‌نما و نیز محافل ارتجاعی و ضد کمونیست علیه سازمان ما و به‌ویژه علیه رهبری سازمان به نحو فضاخت‌باری شکست خورده است. این استقبال بی‌نظیر و امیدبخش، شمره دفاع

میدان آزادی، آکنده از طراوت بهار با شکوه حیره‌کست‌های ترشین یافته است. انبوه جمعیت در حالیکه فروغ روشن آرمان بشریت ترقیخواه جبهه‌هایشان را سفته و شادمان ساخته است، به شکوه میدان آزادی سرفراز و استوار می‌نگرند. در پرتو پیوند افتخارآفرین فدائیان خلق با کارگران و زحمتکشان، میدان آزادی شکوه غریبی یافته است. اول ماه مه، جشن بزرگ کارگران جهان است، کارگران و زحمتکشان، روشنفکران انقلابی و وطن‌خواهان ترقیخواه، مادران، پسران، نوجوانان و جوانان، کودکان، نوباوگان در آغوش مادران یا بر سر شانه‌های پدران، پسران و خردسالان همه گرد آمده‌اند تا این روز را با آرساں طبقه کارگر با پرفروغ‌ترین امیدهای پیروزی، بزرگ دارند. انقلاب جلوه‌ای از شکوه‌مندی خود را به نمایش می‌گذارد و تلالوی زیبایی آن، استواری در راه پاسداری از دستاوردهای انقلاب را که این جلوه‌ای از آن است، صدچندان می‌سازد. همه بی‌خاسته‌اند، مشت‌ها به نشانه ایمان بی‌تزلزل به پیروزی و فرجام سہائی انقلاب در فضای میدان آزادی به هنراز در می‌آید، رزمنده‌ترین گردان انقلاب سرود انترناسیونال را با طنین دیگر می‌خواند، فضای "آزادی" سرشار از سرود انترناسیونال به لرزه در می‌آید:

برخیز ای داغ لعنت خورده

دنای فقر و بندگی

شوریده خاطر ما را برده

به جنگ مرگ و زندگی

باید از ریشه براندازیم

کهنه جهان جور و بند

وانگه نوین جهانی سازیم

هیچ بودگان هرچیز گردند

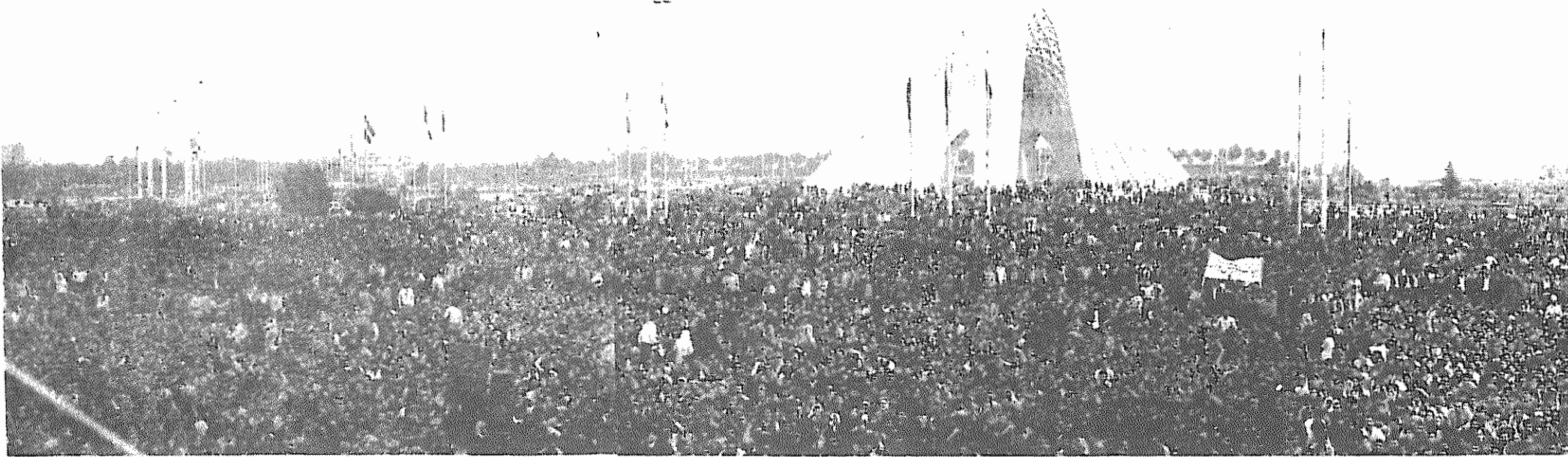
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما

انترناسیونال است نجات انسان‌ها

روز قطعی جدال است آخرین رزم ما

انترناسیونال است نجات انسان‌ها

میتینگ اول ماه مه سازمان ما پس از یک سال بعد از آخرین تجمع سازمان که آن هم در میدان آزادی بود، برگزار شد. در یک سال گذشته جمهوری اسلامی عملاً به آزادی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعات که از دستاوردهای گرامی انقلاب است و در قانون اساسی جمهوری نیز بر آن تاکید شده است، بی‌اعتنا بود. این سیاست جمهوری اسلامی همان‌گونه که ما و بسیاری از دیگر نیروها و عناصر انقلابی و میهن‌پرست بارها اعلام داشته‌ایم و همان‌گونه که برخی محافل ضد امپریالیست جمهوری اسلامی بر آن ادعان دارند به وحدت توده‌های مردم و اتحاد عمل‌نیروهای



از زمانی که مراسم آغاز شد، دستجات مهاجم به انبوه جمعیت حاضر در میدان با سنگ و چوب و چاقو و قداره حمله بردند و کوشیدند نظم مراسم را برهم زنند. انبوه جمعیت علی‌رغم این حملات وحشیانه، همچنان استوار بود و نشان داد نظم انقلابی را رعایت می‌کند و در مقابل این جنایتکاری، روشی را که دشمنان انقلاب می‌خواهند تحمیل کنند، نخواهد پذیرفت.

استقامت و آرامش جمعیت، دشمنان مردم را هارتر کرد. حملات که تا ساعت ۶ و ۲۰ دقیقه منحصر به سنگ و چوب بود، با پرتاب گاز اشک‌آور و سپس با پرتاب سهراهی و بارنجک به سوی جمعیت، اجتماع را به خون کشید.

میترا صانعی (۹ساله) و سیروس صابری‌زاده به شهادت رسیدند و رفیق‌اکبر دوستدار صنایع عضو کمیته مرکزی سازمان یک پایش را از دست داد و گروه‌ی بزرگی به شدت مجروح شدند.

با حمله مسلحانه این دیوسیرتان، اجتماع مردم برهم خورد و با یورش مهاجمان، تریبون، پلاکاردها و سایر ملزومات گردهمایی به آتش کشیده شد و صدمات فراوانی به جمعیت شرکت کننده در میتینگ وارد آمد.

مهم‌ترین مسئله مشخصی که با به خون کشیده شدن میتینگ اول ماه مه بار دیگر مطرح می‌شود، آن است که ضدانقلاب از چه راه‌هایی و بر چه بستری این قبیل اقدامات جنایتکارانه را که هدف آن ایجاد تشنج، پراکنده ساختن صفوف خلق، سلب آزادی‌های سیاسی و نتیجتاً جلوگیری از رشد آگاهی‌های سیاسی و تشکل زحمتکشان است، به پیش می‌برد.

تا آنجا که به مسئله آزادی فعالیت‌های سیاسی آزادی اجتماعات و نشر عقاید مربوط می‌شود، سیاست‌های ضدانقلابی و اقداماتی که امپریالیسم و متحدان داخلی آن از آن سود می‌برند، تاکنون به مقدار وسیعی بر بستر قشری‌گری، انحصار - طلبی سیاسی و تنگ‌نظری محافلی به پیش رفته است که خود را در خط نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی می‌دانند، در ارگان‌های حکومتی صاحب نفوذاند و همان‌گونه که بارها تاکید کرده‌ایم، با اقدامات مخرب خود تاکنون ضربات سنگینی به انقلاب و به وحدت توده‌های مردم زده‌اند. این کاملاً طبیعی است که مزدوران ساواک، شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم، ایادی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، سلطنت‌طلبان و همه تشکل‌های ضدانقلاب از جمله جاسوسان سدهائی تحت نام گروه رنجبران و غیره گرایش‌های قشری و تنگ - نظری‌ها را بستر مناسبی برای رشد خود بیابند و اینجا و آنجا به لباس قشربون و تنگ‌نظران درآیند و همراه با آنان و در موارد متعدد در

مقام رهبری آنها به سازماندهی عناصر ناآگاه، قشری، آلت‌دست، مزدور، ولگرد، چاقوکش، جاسوس و غیره بپردازند.

گروه‌های کم‌عده و مهاجمی که در گوشه و کنار کشور با استفاده از شعارهایی از قبیل " حزب فقط حزب‌الله " به اجتماعات مردم حمله می‌کنند و تا به امروز جنایات بی‌شماری مرتکب شده و ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر انقلاب و بر اعتبار و حیثیت جمهوری اسلامی وارد ساخته‌اند، به همین سان که گفتیم، پدید آمده‌اند. در این گروه‌ها عناصر قشری و تنگ‌نظر همراه با ساواکی‌ها ایادی امپریالیسم، رنجبری‌ها و ولگردان و قاچاقچیان مواد مخدر و اوباشان و باج‌گیران، مزدوران اجیر شده و سازمان یافته توسط زمینداران و سرمایه‌داران بزرگ به حرکت در می‌آیند و با ارتکاب اقدامات و جنایاتی که طبعاً در خدمت پیسبرد اهداف امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا است، بر پیکر انقلاب و بر وحدت توده‌های مردم ضربه وارد می‌سازند. امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا همچنان چون گذشته برای نابودی آزادی‌های سیاسی که ضامن رشد سریع آگاهی و تشکل توده‌ها است و برای جلوگیری از وحدت توده‌های خلق در موارد متعدد به همین تشکل‌های ضدانقلابی و به محافل و عناصر قشری و تنگ‌نظری که دشمن آزادی‌های سیاسی هستند امید بسته است.

بنا بر این هیچ تردیدی نیست که همه نیروهای انقلابی، از جمله نیروهای ترقیخواه جمهوری اسلامی ایران که خواهان استقرار آزادی‌های سیاسی، بُمثابه یکی از عوامل رشد انقلاب و وحدت توده‌های مردم هستند، باید قاطعانه علیه محافل قشری و تنگ‌نظر، علیه نفوذ عناصر مشکوک و جاسوسان امپریالیسم در نهادها و ارگان‌های حکومتی و علیه هر اقدام ضد دمکراتیکی که دودش تنها در چشم مردم ما فرو می‌رود، مبارزه کنند. عناصر مشکوک را شناسایی کنند. با محافل قشری و تنگ‌نظر خط و مرز روشن ترسیم کنند و آنان را از خود برانند و بدین وسیله یکی از راه‌هایی که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و همه متحدان ریز و درشت داخلی از طریق آن به جنگ انقلاب می‌آیند، از میان بردارند. ما به‌ویژه در ماه‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم که نیروهای مسئول جمهوری اسلامی که خصوصاً در جریان تحولات یکساله گذشته ایران و تعمیق مبارزات مردم میهنمان، درک روشن‌تری از مسائل و مشکلات انقلاب پیدا کرده‌اند، تلاش‌های معین و مسئولانه‌ای را برای استقرار حکومت قانون و استقرار آزادی‌های

سیاسی که نقش سهمی در تخفیف محیط تشنج و درگیری‌های داخلی دارد، آغاز کرده‌اند. ما موافقی را که بر سر راه پیشبرد سیاست‌های آنان است درک می‌کنیم و صمیمانه تلاش این نیروها را ارج می‌نهیم و قاطعانه از آن حمایت می‌کنیم. با این همه ما معتقدیم که نیروهای مترقی - جمهوری اسلامی تاکنون در مبارزه علیه قشری‌گری و انحصارطلبی سیاسی که بیشترین ضربات را بر حیثیت خود آنها وارد ساخته است، ناپیگیر بوده و در این کار مسامحه کرده‌اند. آشکار است که اگر نیروهای ترقیخواه جمهوری اسلامی قاطعانه با این گرایش‌ها مبارزه می‌کردند، امروز تلاش آنها برای استقرار حکومت قانون با مشکلات و مصائبی نظیر آنچه که در میتینگ ما اتفاق افتاد، مواجه نمی‌شد. ما اعتقاد داریم که مسامحه و اغماض در برابر چنین محافلی هرچقدر هم که این محافل صاحب نفوذ و اقتدار باشند، قابل توجیه نیست و مشخصاً به سود ضدانقلاب تمام می‌شود.

ما اعتقاد داریم که امروز انقلاب ما به جایی رسیده است که برای تعمیق هرچه بیشتر انقلاب، افشاء و انزوی لیبرالها و مقابله همه‌جانبه با امپریالیسم جهانی و ضدانقلاب داخلی، باید همه نیروهای خلق و همه مردم زحمتکش و مبارز ایران در تفاهم و وحدت بسر برند و همچنین اعتقاد داریم که یکی از عوامل اساسی فراهم شدن چنین وحدتی، برقراری آزادی‌های سیاسی است که خود یکی از مهم‌ترین عوامل پایان یافتن تشنج و درگیری میان توده‌های مردم و میان نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست است و این میسر نمی‌شود مگر با مبارزه پیگیر، علیه گرایش‌های قشری و انحصارطلبی‌های سیاسی و محافل و عناصر حامل این گرایش‌ها و سیاست‌ها. این گرایش‌ها و این عناصر، سد راه وحدت عمل نیروهای انقلابی‌اند، موجب تفرقه و تشتت مردم می‌شوند و مبارزه علیه امپریالیسم را با دشواری‌های جدی روبرو می‌سازند. از این روست که ما اعتقاد داریم که همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه از جمله نیروهای ترقیخواه و واقع بین جمهوری اسلامی و خط امام باید مرز خود را با این محافل و عناصر مشخص کنند، آنها را از خود برانند و علیه آنها مبارزه کنند و بر آنان بطور کامل فایق آیند.

با چنین اعتقادی است که ما مسئله مشخص اجتماع میدان آزادی و به خون کشیده شدن آن را از جوانب زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

- ۱- هرچند که با اعلام اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان انقلاب، دعوت جمهوری اسلامی، به

دیداری با رفقای مجروح میتینگ اول ماه مه

مهاجمین با سنگ، چاقو، قمه، زنجیر و ساطور و سرانجام با انفجار نارنجک و سه راهی بیش از صدها تن را مجروح و چندتن را به شهادت رساندند



میترا صانعی نوگل سرخ فدایی به دست عوامل امپریالیسم و قشرون تنگ نظر پرپر شد.



مزدک محسنی : ۱۴ ساله (پسر قدسی قاضی نور و نسیم خاکسار) ترکش نارنجک به چشم و مغز وی اصابت کرده در حال اغما و حالش وخیم است در بیمارستان آزاد بستری است.



... و این همه خونی است به راه استقلال و آزادی مردم زحمتکش میهن . چهره شان گلگون تر و قلبشان پر خون تر باد .

دیدار از رفقای مجروح

ترکش های نارنجک در بدنش به وضوح دیده می شود . یک پایش شکسته است و از درد به خود می پیچد . وقتی حالش را می پرسیم با چشمان اشکبار به اطراف خیره می شود و از ما سراغ دختر ۹ ساله اش را می گیرد می گوید :

" شما میترا را ندیدید وقتی نارنجک منفجر شد او در کنار من بود ... من دیدم که یک پایش قطع شد او را بغل کردم و دیگر چیزی نفهمیدم ... مادر کمی آرام می گیرد و لحظه ای بعد با قیافه بهت زده می گوید :

" به من گفته اند " میترا " در بیمارستان شریعتی است نمی دانم چرا مرا پیش او نمی برند ... " اشک از پهنای صورتش سرازیر است . دیگر نمی تواند حرف بزند با انبوهی از درد از اتاق خارج می شویم و فوراً به بیمارستان شریعتی می رویم از مسئول بیمارستان درخواست ملاقات می کنیم از پاسخ سرد او ، عمق فاجعه را درمی یابیم . " میترا صانعی رفیق ۹ ساله مان شهید شده چهره معصوم او رادر میاز دهها هزار چهره پر شور که در میدان آزادی شعار " مرگ بر آمریکا " می دادند ، به چشم می بینم . راستی اکنون خبر شهادت این نوگل فدایی را چگونه به مادرش که با بدن مجروح در بیمارستان بستری است برسانیم ...

بعداً باخبر می شویم که به جز میترا یک کودک و چند رفیق دیگر نیز به شهادت رسیده اند و یا حالشان به شدت وخیم است . در

بقیه در صفحه ۱۹

در نخستین ساعات صبح شنبه دوازدهم اردیبهشت برای دیدار از مجروحین میتینگ اول ماه مه ، راهی بیمارستان امام خمینی شدیم در این بیمارستان بیش از ۱۰۰ مجروح وقایع دیروز تحت درمان قرار گرفته اند . از این تعداد ۱۰ نفر که حالشان وخیم بوده عمل جراحی شده اند . پزشکان و کادر درمانی بیمارستان ، بدون لحظه ای درنگ از رفقای مجروح مراقبت می کنند چند تن از پزشکان که از نخستین ساعات درگیری به مداوای مجروحان مشغول بوده اند ، شب را در اتاق عمل جراحی به صبح رسانده اند . یکی از پزشکان می گفت :

" بیشتر کسانی که مورد عمل جراحی قرار گرفته اند ، به خاطر اصابت ترکش نارنجک و سه راهی و از ناحیه شکم و دست و پا آسیب دیده اند . تعدادی نیز به وسیله سنگ " قمه " زنجیر و ساطور مجروح شده اند " در میان مجروحان ، زن و مرد و پیر و جوان دیده می شود . حملاتی که از سوی مهاجمین شده واقعا وحشیانه و در نوع خود بی سابقه است . در بدن بعضی از مجروحین دهها قطعه ریز و درشت ترکش نارنجک وجود دارد . دردناک ترین صحنه وقتی است که به دیدن " فاطمه زینعلی " می رویم . این رفیق که ۳۵ ساله به نظر می رسد ، از ناحیه شکم و پا به شدت آسیب دیده است

به آتش کشاندن و سرقت تجهیزات برقی و صوتی

در جریان حمله مهاجمین مزدور به مراسم پرشکوه میتینگ اول ماه مه بالغ بر ۳۰۰ هزار تومان از وسائل برقی و صوتی و تجهیزاتی که جهت برگزاری مراسم به میدان آورده شده بود ، به سرقت برده شد و یا از میان رفت در میان این وسائل دو دستگاه زنراتور برق و چند دستگاه مجهز ضبط صوت میکروفن و بلندگو وجود داشت مطابق مشاهدات عینی ، مقداری از این وسائل به وسیله دو اتوموبیل بنز و پیکان به سرقت رفته است .

دیداری بارفقای...



بیمارستان شریعتی با یک زن زحمتکش میان سال که با سنگ و چاقو مجروح شده گفتگو می‌کنیم چند رفیق دیگر نیز بستری هستند. مجموعاً ۵۰

بقیه از صفحه ۱۸

نفر به این بیمارستان مراجعه کرده‌اند که بیشتر آنها پس از معالجه سرپائی مرخص شده‌اند.

به بیمارستان امام خمینی بازمی‌گردیم و دوباره به سراغ رفقای مجروح می‌رویم. رفیق جهانگیر که برای شرکت در میتینگ از قائم‌شهر به تهران آمده در اتاق جراحی است. ترکش نارنجک به قسمتی از شکم و پایش آسیب رسانده. رفقای همراه او در بیرون اتاق منتظر نتیجه عمل هستند. رفیق رویا به چهار قسمت از روده‌اش آسیب رسیده. رفیق "شکراله" به علت پارگی شکمش در اتاق جراحی است و حالش وخیم است. رفیق هادی "۶" ترکش نارنجک به سینه، شکم و پایش اصابت کرده و رفیق "محمد" که ترکش به سینه و

دستش خورده، منتظر است تا به اتاق عمل برود. رفیق "داوود" رفیق "حسن" و... به وسیله سنگ و چاقو مجروح شده‌اند. چهره‌های مصمم و منجوب رفقا یک به یک از نظرها می‌گذرد. با آنها گفتگو می‌کنیم و پیمان می‌بندیم که تا نابودی امپریالیسم و ایادی‌اش از پا ننشینیم.

در بیمارستان آراد به دیدار رفیق "مزدک محسنی" می‌رویم. این رفیق نوجوان که حدود ۱۴ سال دارد و ترکش نارنجک به چشم و مغزش اصابت کرده در حال اغما است. خطر هنوز رفع نشده. در بیمارستان، رفقا "قدسی قاضی‌نور و نسیم خاکسار" (مادر و پدر مزدک) به همراه عده‌ای دیگر از رفقا در میان بیم و امید به انتظار نشسته‌اند. مجال صحبت زیاد نیست. همینقدر در می‌یابیم که "مزدک"

نزدیک به جایگاه بوده و به شدت آسیب دیده. ترکش نارنجک در قسمت‌های مختلف بدن این رفیق فرو نشسته. یک قطعه از ترکش چشم چپش را از بین برده و قطعه دیگری در مغزش قرار گرفته. پزشکان تمام سعی خود را جهت نجات "مزدک" به کار برده‌اند ولی هنوز هیچ کس نمی‌داند عاقبت کار چه خواهد شد...

پس از بازدید از بیمارستان‌ها و گرفتن آمار در می‌یابیم که نزدیک به یک هزار نفر از رفقا مجروح شده‌اند. مجروحین و مصدومین را به بیمارستان‌های شماره ۲ جاده کرج، میمنت شهریار و آزادی و به بیمارستان‌های ایرانمهر و انقلاب و فیروزگر و... (که فاصله زیادی از میدان آزادی دارند) برده‌اند. به هر کدام از بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها که سر می‌زنیم

می‌گویند از ۱۰۰ تا ۵۰ نفر مجروح داشته‌اند که عموماً پس از پانسمان و معالجه موقت مرخص شده‌اند. بسیاری از رفقا نیز که هنگام برگزاری میتینگ به وسیله سنگ‌های مهاجمین مصدوم شده بودند از طرف رفقای کمیته امداد (مستقر در محل) پانسمان شدند. هنگامی که با رفقای مجروح و مصدوم گفتگو می‌کردیم همه بر یک نکته تاکید داشتند و می‌خواستند تا از قولشان بنویسیم که:

"میتینگ اول ماه مه علی‌رغم شهدا و مجروحین بسیاری که داشت یک چیز را ثابت کرد و آن رشد تحول یافته سازمان ما و جنبش کمونیستی ایران بود" رفقا با چهره گشاده و قلبی سرشار از امید، پیام آور بودند که: در این ره اگر جان سپارم، رواست."

در راه انقلاب...

خودداری از درگیری متقابل تنها کاری که می‌کردند، دفع حملات مزدوران از طریق زنجیر بستن و گرفتن سنگ‌هایی بود که به سمت جمعیت و جایگاه پرتاب می‌شد. ما اگر می‌دانستیم که ماموران انتظامی نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند حافظ نظم باشند، خودمان جلوی مهاجمین را می‌گرفتیم و آنها را تحویل مقامات انتظامی می‌دادیم. جمعیت با بیش از صد هزار نفر به راحتی قادر بود ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر مهاجم را به عقب براند.

س: رفیق اکبر، فکر می‌کنید دولت می‌توانست از بروز چنین حوادثی جلوگیری کند؟

ج: به اعتقاد من بله. دولت می‌توانست جلوی بروز این حادثه را بگیرد. دولت می‌بایست این مسئله را درک می‌کرد که نیروهای ضدانقلاب کوشش خواهند نمود با اقدامات ضدانقلابی‌شان نشان دهند که دولت قادر به اجرای قانون نیست. دولت باید درک کند که ضدانقلاب می‌کوشد در برابر نیروهای انقلابی که می‌خواهند در

بقیه از صفحه ۱۵

چهارچوب قانون اساسی فعالیت کنند، موضع بگیرد و دست به اعمال جنایتکارانه بزند. اگر دولت و مسئولین جمهوری اسلامی این هشجاری را به خرج می‌دادند می‌توانستند این حرکت ضد انقلابی سازمان یافته را نقش بر آب کنند.

از همان آغاز برنامه که من شاهد تشنج آفرینی مهاجمین بودم، یک برخورد جدی از طرف مقامات انتظامی می‌توانست از گسترش و ادامه حملات ضد انقلابیون جلوگیری کند. تنها کافی بود که مسئولین انتظامی مهاجمین را که در آغاز بیش از ۱۰۰ نفر نبودند دستگیر کنند. چنین کاری به راحتی ممکن بود. ولی متأسفانه چنین عملی دیده نشد. چطور شد که دولت در واقعه همین صبح روز جمعه که گروه‌های چپ رو اقلیت و پیکاری می‌خواستند راهپیمایی کنند، اقدام به دستگیری صدها نفر از افراد این گروه‌ها نمود ولی این قاطعیت عمل را در مورد دسته‌های اوپاش و جنایتکار انجام نداد؟

س: رفیق، فکر می‌کنید

برای جلوگیری از تکرار اینگونه جنایات چه باید کرد؟

ج: دولت باید برای پیشگیری اینگونه حوادث و مقابله با توطئه‌های این دسته از ضد انقلابیون یا قاطعیت برخورد کند و دست از مسامحه و اعمال ضد و نقیض بردارد. تعلل و کوتاهی دولت در این چندسال پس از انقلاب موجب شده که باندهای ضد انقلاب هرچه بیشتر متشکل شوند. بطوریکه ما شاهد بودیم که حزب آمریکایی رنجبران مدت زیادی از زادانه به فعالیتش در سطح جامعه ادامه داد. ما شاهد این هستیم که عناصر ساواکی بدون تعقیب و پیگرد از طرف دولت، بطور آزادانه فعالیت دارند. ما شاهد این هستیم که عوامل وابسته به سرمایه‌داران بزرگ و زمینداران به طرق مختلف چه در پست‌های حکومتی و چه در باندهای سیاه مشغول خرابکاری و اعمال ضد انقلابی هستند. ما شاهد آن بوده‌ایم که عناصر قشری در گروه‌ها و دسته‌های بی‌نام و یا با نامی مثل گروه "شیت" وسیعاً به فعالیت مشغولند. این گروه‌ها و بخصوص رهبری آنان که چنین جنایاتی را می‌آفرینند، باید متلاشی شوند تا انقلاب برای حفظ

حیات خود تنفس کند.

چنانچه مسئولین دولتی و انتظامی همین سیاست را در روز جمعه اعمال می‌کردند عملاً این مسئله ثابت می‌شد بطوری که ما قادر بودیم همه مهاجمین را دستگیر و تحویل دهیم و یا آنان را شناسایی کنیم (البته تعدادی از عناصر مزدور بموسسه هواداران ما شناسایی شدند) که اسامی آنها را در اختیار مسئولین قرار می‌دهیم ولی متأسفانه این همکاری از جانب دولت انجام نگرفت به هر حال من به رفقای سازمان پیشنهاد می‌کنم همان تعدادی را که توسط هواداران ما شناسایی شده‌اند اسامی و مشخصات آنان را در اختیار مسئولین دولتی قرار دهند و این دیگر به عهده دولت است که با پیگرد و مجازات آنان حسن نیت خود را نشان دهد.

س: رفیق، چه پیامی برای رفقا و هم‌میهنان مبارز دارید؟

ج: پیام من به تمام رفقا و هواداران سازمان که در جنبه انقلاب علیه ضد انقلاب می‌رزمنند، بخصوص پیام من به رفقا و هوادارانی که در جنبه‌های جنوب به جانفشانی مشغولند، این است که با حفظ هشجاری

مواظب توطئه‌های دشمنان باشند. رفقا، ما باید شور انقلابی را با آگاهی انقلابی به نحو احسن تلفیق دهیم و در راه آرمان سترگ خود سوسیالیسم و تحقق امر صلح نمکراسی و استقلال ملی استوار و بدون تزلزل پیش رویم. برای این کار خط اصولی و انقلابی ما پیشبرد امر وحدت در صفوف جنبش کمونیستی ایران و اتحاد با تمامی نیروهای خلقی است. تنها جنبه واحد ضد امپریالیستی است که قادر خواهد بود ما و تمامی نیروهای راستین انقلاب را به سمت تحقق آرمان‌های شکوهمندان سوق دهد. ما باید بیشترین سهم را در تحقق اتحاد نیروها ایفاء کنیم. ما باید در راه انقلاب فداکاری‌ها کنیم. در پایان این نکته را هم اضافه کنم که در همین اطاق که من بستری هستم یکی از برادران پاسدار هم که در حادثه میتینگ به شدت مجروح شده است و تحت عمل جراحی دشواری قرار گرفته، بستری است. این خود بخوبی نشان می‌دهد که ما دشمنان مشترک داریم و باید برای تحقق هدف‌های مشترک در کنار هم باشیم. پیروز باشید.

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خودادامه خواهند داد

جشن اول ماه مه در جهان

در جهان سوسیالیسم

طبقه کارگر و خلقهای پیروزمند سوسیالیستی جشن اول ماه مه امسال را نیز همچون سالهای گذشته در میهن سوسیالیستی، آنجا که طبقه کارگر، سرمایه‌داری معاصر را از قدرت به زیرکشیده و نابود ساخته و قاطعانه و مصمم به ساختمان سوسیالیسم و پیشروی به سوی کمونیسم ادامه می‌دهد یا شکوه فراوان جشن گرفتند.

در اتحاد شوروی میلیونها نفر در مراسم گرامیداشت روز جهانی همبستگی کارگران و زحمتکشان شرکت کردند و یکبار دیگر بر پیمان اتحاد اتفاق و اشتراک منافع خود با کارگران و زحمتکشان تاکید نمودند. در میتینگ باشکوهی که در میدان سرخ مسکو برگزار گردید، رفیق لئونید برژنف و دیگر رهبران بلندپایه حزب و دولت شوروی به همراه مردم این شهر و با شرکت نمایندگان از سراسر جهان عید کار را گرامی داشتند.

در هاوانا - کوبا بیش از یک میلیون نفر دست در دست یکدیگر متحد و یکپارچه در تظاهرات شکوهمندی کین و نفرت خود را از امپریالیسم اعلام داشتند.

در ویتنام جشن اول ماه مه مصادف با سالروز پیروزی انقلاب در جنوب و فتح سایگون با شور و شرف فراوان برگزار گردید.

در لهستان به دعوت حزب متحده کارگری این کشور مردم در تظاهرات پر عظمتی که با شرکت رهبران حزب ترتیب یافته بود شرکت کردند.

مردم قهرمان کامپوچیا نوین به همراه گرامیداشت اول ماه مه به پای صندوق‌های رای رفتند و نمایندگان خود را برای اولین دور انتخابات مجلس ملی کامپوچیا انتخاب کردند.

در دیگر کشورهای سوسیالیستی از برلین گرفته تا پراگ و صوفیه و ... عید کار با شکوه خاصی جشن گرفته شد.

در کشورهای

ضد امپریالیست و ترقی خواه

جشن اول ماه مه در کشورهایی که پس از سرنگونی رژیم‌های مرتجع و وابسته دولت ضد امپریالیستی استقرار یافته و در راه پیشرفت اجتماعی گام بر می‌دارد با شکوه برگزار گردید در افغانستان زحمتکشان این

کشور گردهم‌آئی‌هایی در مراکز کارگری ترتیب دادند و ایمان کامل خود را برای مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع به جهانیان اعلام کردند. در سوریه بیش از یکصد هزار تن در مراسم اول ماه مه در دمشق شرکت نمودند. این جشن در سایر کشورها نیز با شکوه برگزار شد.

جشن اول ماه مه در جهان سرمایه‌داری

کارگران و زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری، امسال در شرایطی جشن اول ماه مه را برگزار کردند که در اثر رشد بیکاری، گرانی، تورم و بحران گسترش یابنده اقتصادی جنبش‌های اعتراضی بیش از هر زمان دیگری در آنها اوج یافته است.

در ایتالیا میلیونها نفر در رژه عمومی اول ماه مه شرکت جستند. در استکهلم تظاهراتی برگزار گردید و تظاهرکنندگان خواهان قطع مداخله آمریکا در امور داخلی کشورهای دیگر، بخصوص افغانستان شدند.

در آلمان غربی راهپیمایی عظیمی صورت پذیرفت که

تظاهرکنندگان در آن خواهان عدم استقرار موشک‌های هسته‌ای در خاک اروپا شدند.

در آمریکا: در حالی که رژیم سرمایه‌داران در سرزمین پیدایش اول ماه مه این روز را برای پاک کردن دست خون‌آلود سرمایه‌داران آمریکایی به خون کارگران شیکاگو رسماً "روز قانون" اعلام کرده و روز دیگری را روز به اصطلاح "کارگر" قرار داده، در مقابل کاخ سفید تظاهراتی به مناسبت این روز ترتیب داده شد. تظاهرکنندگان خواهان قطع مسابقه تسلیحاتی شده و مداخله امپریالیسم آمریکا در کشورهای دیگر بخصوص السالوادور را شدیداً محکوم ساختند. در همین روز در ایالت ویرجینیای آمریکا ۲۳ معدنچی قهرمان آمریکایی به جرم گرامیداشت اول ماه مه دستگیر شدند. اعتصاب معدنچیان آمریکایی همچنان در انگلستان راهپیمایی همگانی با شعار تامین حق کار و تامین صلح و خلع سلاح انجام شد.

در ایرلند در حالی که بابتی‌ساندز همچنان اعتصاب خود را ادامه می‌دهد مردم ایرلند جشن اول ماه مه را در درگیری‌های خیابانی جشن گرفتند.

در روز اول ماه مه راهپیمایی و تظاهرات متعدد دیگری در اغلب شهرهای کشورهای سرمایه‌داری به

در کشورهای تحت سلطه

جشن اول ماه مه در کشورهای وابسته و تحت سلطه امپریالیسم علیرغم اختناق و سرکوب با شکوه برگزار شد. زحمتکشان این کشورها زیر برق سرنیزه عید خود را جشن گرفتند. در شیلی در تظاهراتی که برگزار شد بیش از ۱۴۰ تن توسط عوامل رژیم دیکتاتوری پینوشه دستگیر شدند.

در السالوادور مردم با لاندیشه پیروزی بر حکومت نظامی این کشور اول ماه مه را جشن گرفتند. نیروهای انقلابی برق پایتخت را در این روز به نشانه اعتراض از کار انداختند.

در گواتمالا رژیم نظامی از پیروزی‌هایی که انقلابیون این کشور بدست آوردند بر خود لرزید.

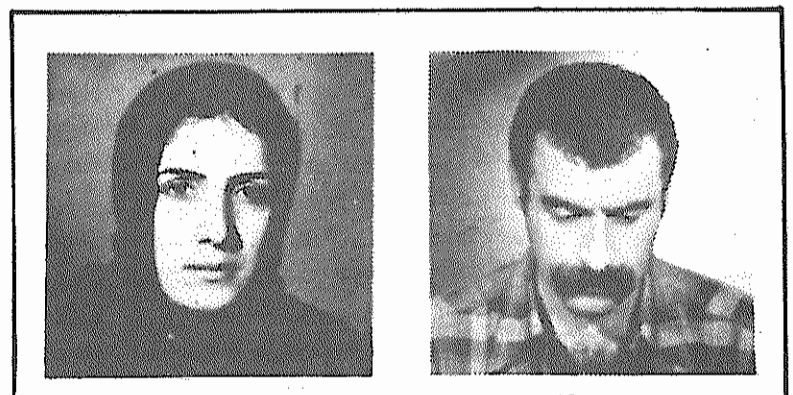
ترکیه زیر چکمه نظامیان اول ماه مه را شاهد بود، ۴۰۰ نفر به خاطر گرامیداشت اول ماه مه در این کشور دستگیر شدند.

جشن اول ماه مه در سراسر جهان در شرایط گوناگون اما به نشانه اتحاد و منافع و اراده مشترک کارگران سراسر جهان جشن گرفته شد.

مبارک باد جشن اول ماه مه بر کارگران و زحمتکشان سراسر جهان

گرامی باد یاد رفقای فدائی

حسین جعفری منصور و سوسن تجارتی



دشمنان مردم را در مکتب زندگی آموخته بود.

رفیق در سال ۴۴ با مسائل سیاسی آشنا گردید و همراه با فدائی خلق رفیق شهید هوشنگ نیری با مزدوران امپریالیسم آمریکا به مبارزه پرداخت. در سال ۴۹ همزمان با حماسه سیاهکل، با

فدائی خلق رفیق حسین جعفری منصور در سال ۱۳۲۵ در یکی از محلات فقیرنشین لاهیجان متولد شد. او فرزند پدر و مادری زحمتکش بود و با درد و رنج توده‌های محروم تحت ستم آشنائی داشت. او عشق بی‌سهم زحمتکشان و نفرت از

فراوانی از خود نشان می‌دادند. در دوره پرتحول سازمان نیز با استواری و ثبات کم‌نظیری در کنار سازمان به مبارزه با مشکلات پرداخته و از سازمان رهبری آن در مقابل شایعات، هوجب‌گری‌ها و تبلیغات عوام فریبانه مصممانه دفاع نمودند.

رفقا در روز جمعه ۱۱ اردیبهشت ماه با وجود فعالیت شبانه‌روزی و بی‌خوابی و خستگی ناشی از آن، برای شنیدن پیام کمیته مرکزی سازمان و شرکت در میتینگ جشن اول ماه مه، عازم تهران شدند اما در شریف آباد قزوین در اثر تصادف اتومبیل قلب‌های گرم و سرخشان از حرکت باز ایستاد.

راه سرخشان را میلیون‌ها رزمنده کمونیست دنبال می‌کنند.

یادشان گرامی و نامشان جاودان باد

اهداف مشترک به‌گونه‌ای هنرمندانه تلفیقی از زندگی خانوادگی و زندگی انقلابی را که یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال برجسته‌ترین خصوصیت انسان انقلابی است، تحقق بخشیدند و روابط صمیمانه‌ای را بین یکدیگر و نیز با فرزندان خردسالشان: فروغ و فائقه برقرار نمودند.

فدائیان خلق رفقا سوسن و حسین پس از قیام به تشکیلات لاهیجان پیوستند و به مبارزه خود در ارتباط تنگاتنگ با سازمان ادامه دادند. تحرک و پویایی به همراه عشق سرشارشان به مردم و کینه و نفرت بیکرانشان نسبت به دشمنان مردم، از آنان مبلغینی توانا ساخته بود که از هر امکان و موقعیتی برای پیشبرد اهداف و تبلیغ مواضع سازمان خود بهره می‌جستند و در این راه ابتکارات و خلاقیت‌های

تشکیلات سازمان در ارتباط قرار گرفت اما پس از ضربات سال ۵۰ ارتباط وی قطع گردید. از آن پس رفیق به اشکال مختلف به مبارزه ادامه داد.

رفیق حسین در سال ۵۲ با فدائی خلق رفیق سوسن تجارتی ازدواج کرد.

رفیق سوسن در سال ۱۳۳۴ در یک خانواده زحمتکش چشم به جهان گشود. وی به خاطر محدودیت‌هایی که در جامعه ما برای دختران و زنان فراهم بود، پس از ازدواج با رفیق حسین با مسائل سیاسی آشنا شد. از آن پس رفقا حسین و سوسن دوشادوش هم در سنگر زحمتکشان به فعالیت انقلابی پرداختند. آنها برای استقلال و آزادی و علیه اختناق، دیکتاتوری و سلطه غارتگرانه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا مبارزه می‌کردند و بر پایه این

جشن اول ماه مه در سراسر کشور

با شکوه هرچه تمام تر برگزار شد

مه عید جهانی کارگران را برگزار کردند.

در این مراسم ابتدا تاریخچه‌ای از روز جهانی کارگر و شرایط برگزاری آن در ایران و جهان توسط یکی از کارگران قرائت شد. سپس از کارگران درخواست شد تا راهپیمایی جمعه ۱۱ اردیبهشت را هرچه با شکوه‌تر برگزار کنند.

پس از آن ضمن تجلیل از مقام کارگر، به کارگران پیر سابقه و مبارز هدیای تقدیم شد. این مراسم با شعارهای ضدامپریالیستی و حمایت از انقلاب پایان یافت.



مراسم روز کارگر در دانشگاه تهران

همچنین روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت به دعوت شورای اسلامی کارگران برق منطقه خراسان، کارگران برق و توانیر، گروهی از کارگران مخابرات اداره راه، شهرداری، راه‌آهن و سازمان آب مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار کردند.

در این مراسم ضمن شادباش به کارگران ایران و جهان در حضور فرزند یکی از کارگران شهید در جبهه‌های جنگ، از دلآوری‌ها و جانبازی‌های وی تقدیر به عمل آمد. سپس آقای هاشمی‌نژاد سخنانی در رابطه با روز جهانی کارگر ایراد کرد و پس از آن قطعنامه ۱۰ ماده‌ای مراسم توسط یکی از کارگران قرائت شد.

در این قطعنامه ضمن شادباش به کارگران ایران و جهان، تجاوز صدام محکوم شده و کارگران آمادگی خود را برای درهم شکستن این تجاوزات اعلام کرده‌اند. همچنین کارگران ضمن حمایت از نهادهای انقلابی نظیر سپاه، جهاد و دولت خواستار اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی، ملی کردن تجارت خارجی شدند.

در این قطعنامه کارگران خواستار تدوین قانون کار و تامین اجتماعی با شرکت تشکل‌های صنفی کارگری و به رسمیت شناخته شدن تشکل‌های صنفی کارگری، اجرای طرح ارزشیابی مشاغل و ملی کردن کارخانجات بزرگ شدند.

صف منظم و با شعار: آمریکا، آمریکا مرگ به نیرنگ تو خون شهیدان ما می‌چکد از چنگ تو وارد میدان شدند و انبوه کارگرانی که در میدان گرد آمده بودند، با کارگران مونتاز برق هم‌صدا شده و با طنین پرتوان شعارهای ضد امپریالیستی و کارگری، میدان جنبش دوب‌آهن را به لرزه درآوردند.

دور تا دور میدان را پلاکاردهائی با شعارهای زیر پوشانده بود: روز اول ماه مه، روز عید کارگران و عزای سرمایه‌داران گرامی باد. لغو ماده ۳۳ قانون کار خواست همه کارگران است. اجرای بند "ج" خواست همه کارگران است. اجرای ماده ۴۴ قانون اساسی (ملی کردن تجارت خارجی) خواست همه زحمتکشان است.

روز اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان گرامی باد. در این گردهم‌آئی پرشکوه برخی از نمایندگان کارگران و آقای رضائی نماینده مجلس شورای اسلامی سخنانی ایراد کردند.

برگزاری جشن اول ماه مه در دو واحد صنعتی مشهد

کارگران شرکت ساختمانی بوسار بعد از ظهر پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت به دعوت شورای کارگاه، جشن اول ماه

مراسم روز کارگر برگزار شد. در این کارخانه‌ها کارگران پرچم آمریکا را روی زمین پهن کرده و با لگدکوب کردن آن نشان دادند که دشمن اصلی خود و سایر زحمتکشان را به خوبی می‌شناسند و تا پیروزی نهائی به مبارزه خود علیه امپریالیسم جهانی سرگردگی امپریالیسم آمریکا ادامه خواهند داد.

مراسم اول ماه مه در شیراز

شاخه فارس سازمان به منظور بزرگداشت روز اول ماه مه روز جهانی کارگر در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر میتینگی در استادیوم تختی برگزار کرد. در این مراسم هزاران نفر شرکت کرده و با شعار "مرگ بر آمریکا دشمن اصلی ما" روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

جشن اول ماه مه در اصفهان

هزاران کارگر ذوب آهن اول ماه مه را به عنوان "روز عید کارگران و عزای سرمایه‌داران" گرامی داشتند. روز چهارشنبه ۹ اردیبهشت ماه به دعوت شورای اسلامی کارکنان ذوب آهن اصفهان متجاوز از ۱۵ هزار تن از کارگران و کارمندان ذوب آهن در "میدان جنبش" کارخانه اجتماع کردند تا عید اول ماه مه را با شکوه هرچه بیشتری برگزار نمایند ابتدا در حدود ۱۰۰۰ نفر از کارگران مونتاز برق در یک

در این مراسم ابتدا نمایشی ضدامپریالیستی اجرا شد که با شعار "مرگ بر آمریکا" مورد استقبال قرار گرفت. سپس یکی از مسئولین "انجمن همبستگی" سخنرانی نمود و ضمن محکوم کردن دسایس امپریالیسم آمریکا و رژیم متجاوز صدام و اهمیت نقش کارگران و زحمتکشان در دفاع از انقلاب، از مقامات جمهوری اسلامی ایران خواست تا به تشکل‌های صنفی و سندیکائی، مطابق اصول قانون اساسی رسمیت بخشند. آنگاه یکی از کارگران زن به نقشی که زنان کارگر در دفاع از دستاوردهای انقلاب و استقلال میهن دارند، اشاره کرد. این مراسم با به آتش کشیدن پرچم آمریکا به پایان رسید.

جشن اول ماه مه در تبریز

کارگران و زحمتکشان تبریز در سومین بهار آزادی، اول ماه مه روز همبستگی بین - المللی کارگران و زحمتکشان جهان را با شکوه تمام برگزار کردند.

در ساعت ۹/۵ صبح جمعه ۱۱ اردیبهشت هزاران تن از کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی در صفوفی منظم، از باغ گلستان به حرکت درآمدند. شرکت کنندگان در راهپیمائی پلاکاردهای متعددی در دست داشتند که شعارهای در دفاع از دستاوردهای انقلاب و تحکیم و گسترش آن و نیز در تأیید ملی شدن بازرگانی خارجی و اجرای بند "ج" و همچنین شعارهای در رابطه با روز کارگر بر آنها نوشته شده بود. در پیشاپیش راهپیمایان، گروهی از کارگران کارخانجات تراکتور-ساز، ماشین‌سازی و کواکولا که مسلح بودند، حرکت می‌کردند و بدین وسیله آمادگی خود را برای دفاع تا پای جان از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران اعلام می‌کردند.

همچنین در کارخانه‌های لیف تتراک، ماشین‌سازی، تراکتور سازی و کواکولا و چند کارخانه دیگر در تبریز

امسال جشن اول ماه مه در سراسر کشور با شکوه و عظمت خاصی برگزار شد. برگزاری شکوهمند اول ماه مه، جشن بزرگ کارگران و عید همبستگی نیروی کار جهان که طی آن از جانب آیت‌الله‌خمينی و همه مقامات رسمی و بلندپایه جمهوری اسلامی از نقش طبقه کارگر ایران به عنوان "ستون فقرات انقلاب" تجلیل به عمل آمد، نشانه‌ای از تعمیق انقلاب خونبار مردم مابود.

تهران

صبح روز جمعه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ تهران شاهد امواج خروشان کارگران و زحمتکشانی بود که با فریاد "خمينی رهبر ماست، آمریکا دشمن ماست، مرگ بر آمریکا" و در صفوف فشرده و منظم به سوی دانشگاه تهران می‌رفتند این مراسم که به دعوت "شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی" برگزار می‌شد، ابتدا با راهپیمائی کارگران و زحمتکشان از مسیرهای ده‌گانه آغاز شده و با قرائت قطعنامه در دانشگاه تهران به پایان رسید.

در راهپیمائی اول ماه مه پلاکاردهائی دیده می‌شد که روی آنها نوشته شده بود: "ما پشتیبانی قاطع خود را در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و بخصوص ملی شدن تجارت خارجی اعلام می‌داریم." ما از کارگران دنیا می‌خواهیم که ما را در مقابل امپریالیسم آمریکا حمایت کنند.

جمعیت حاضر در دانشگاه بعد از خواندن قطعنامه که نکات مورد توجه آن حمایت از مردم آزادخواه ایرلند در جهت کسب استقلال خویش و تاکید بر اجرای "پیام ده ماده‌ای" آیت‌الله خمينی و محکوم کردن "هر نوع مذاکره سازشکارانه و صلح تحمیلی" و "اجرای قوانین انقلابی و برقراری حاکمیت قانون" بود پایان مراسم را اعلام کردند.

در ورزشگاه نصیری

روز جمعه ۱۱ اردیبهشت ماه به مناسبت اول ماه مه به دعوت "انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران تهران" مراسمی در محل ورزشگاه نصیری برگزار شد.

مصاحبه با نماینده (F-D-R)

جبهه آزادیبخش فارابوندومارتی

در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۶۰ با نماینده جبهه آزادیبخش فارابوندومارتی (F-D-R) در جنوب انگلستان مصاحبه‌ای انجام گرفت. در این مصاحبه نماینده جبهه ضمن طرح برخی مسائل کنونی انقلاب السالوادور خواستار همبستگی هرچه بیشتر مبارزات ضدامپریالیستی خلقهای ایران و السالوادور گردید. ما ضمن ارج نهادن به کوشش رفقای هوادار سازمان در جهت تحکیم پیوند انقلاب ایران و نیروهای انقلابی سراسر جهان و برای آشناکردن خوانندگان کار با برخی جنبه‌های انقلاب السالوادور اقدام به درج این مصاحبه می‌نمائیم.

سؤال - نظر خود را در رابطه با شرایط فعلی السالوادور و تغییر جدید توازن نیرو در سطح منطقه و جهان بیان کنید.

جواب - پس از اولین حمله گسترده مبارزین السالوادور بر علیه ارتش و حکومت نظامی این کشور، نیروهای ارتش به پایگاه ارتش در مناطق غربی کشور در مرز هندوراس اعزام شدند. دلیل حرکت نیروهای دولتی سرکوب هرچه بیشتر مبارزین در مناطق غربی بود. زیرا که یکی از بزرگترین مناطق مورد نفوذ نیروهای انقلابی است در شرایط فعلی جو اختناق و سرکوب در السالوادور اوج تازه‌ای به خود گرفته است. نیروهای انقلابی برای گسترش و متشکل کردن هرچه بیشتر توده‌ها با مشکلات جدیدی مواجه شده‌اند. حتی کلیساها نیز که تا چندی پیش پناهگاهی برای آوارگان جنگی به شمار می‌آمدند اکنون به وحشیانه‌ترین نحوی به وسیله نیروهای سرکوبگر دولتی مورد یورش قرار گرفته‌اند. در حال حاضر نیروهای مسلح توده‌ای بالغ بر ۱۰۰۰۰۰ نفر عضو دارد این نیروها بیشترین ارتباط را با مردم قهرمان السالوادور دارند ما عمیقاً اعتقاد داریم که حمله‌های وحشیانه نیروهای دولتی در آینده نزدیک باعث ارتقا آگاهی و جذب توده‌ها، حتی در عقب‌مانده‌ترین نواحی میهن خواهد شد.

امروز بیش از هر زمان دیگر خطر جدی تهاجم نظامی آمریکا به السالوادور احساس می‌شود. زیرا اکنون کاملاً روشن است که نیروهای دولتی دیگر قادر به کنترل مبارزات مردم السالوادور نیستند و اقیانوس زیر نشان دهنده جدی بودن این خطر در شرایط کنونی می‌باشد:

- ۱- اعزام جدید نیروهای جدید از کارشناسان و مستشاران نظامی آمریکا به السالوادور.
- ۲- تبلیغات گسترده امپریالیسم آمریکا علیه اتحاد شوروی، کوبا و نیکاراگوئه مبنی بر ارسال کمک‌های نظامی برای انقلابیون السالوادور جهت ایجاد اغتشاش فکری در افکار عمومی جهان.
- ۳- ارسال مقادیر متنابهی سلاح‌های نظامی از جمله هلی‌کوپترهای جنگنده از جانب امپریالیسم آمریکا به دولت نظامی و دست‌نشانده السالوادور در عرض چند هفته اخیر.
- ۴- اعزام یک کمیسیون پارلمانی سیار از جانب آمریکا به کشورهای اروپای غربی به منظور ارائه اسناد و مدارک، دال بر دخالت کشورهای سوسیالیستی از جمله اتحاد شوروی، کوبا و نیکاراگوئه و غیره در السالوادور.
- ۵- گسترش فشار آمریکا بر کشورهای اروپای غربی به منظور قطع کمک‌های غذایی و دارویی به آوارگان السالوادور.

سؤال - به نظر شما دخالت نظامی آمریکا در السالوادور از چه راهی انجام خواهد گرفت؟

جواب - ارتش‌های هندوراس، گواتمالا هم اکنون بیشترین ضربات را بر انقلابیون و مردم مبارز السالوادور وارد کرده‌اند و بدون شک از این به بعد نیز به فعالیت چنایتکارانه خود ادامه خواهند داد. با وجود این، به دلیل

نارسائی‌های داخلی در ارتش این کشور امکان گسترش این حملات وجود ندارد. همینطور ارتش گواتمالا به دلیل بحران وخیم اقتصادی - سیاسی که گریبانگیر این کشور است امکان گسترش حملات و اعزام نیروی کافی برای سرکوب مبارزات عادلانه و ضد امپریالیستی مردم السالوادور را ندارند. بنا بر این تهاجم آمریکا به دو صورت می‌تواند صورت گیرد:

- ۱- حمله مستقیم نظامی آمریکا از طریق سواحل جنوب غربی السالوادور در اقیانوس آرام
- ۲- اعزام یک ارتش به اصطلاح "حافظ صلح" از طریق "سازمان کشورهای آمریکایی".

سؤال - در مورد انتخاب رونالد ریگان و سیاست‌های جدید (استراتژیک و تاکتیک جدید) آمریکا که توسط کابینه وی اجرا می‌شود چه نظری دارید؟

جواب - ما فکر می‌کنیم که سیاست خارجی آمریکا پس از انتخاب ریگان سیاستی به مراتب ارتجاعی‌تر و جنگ‌افروزانه‌تر از پیش گشته است. این سیاست مخالفت تمام نیروهای ترقیخواه و صلحدوست را در سراسر جهان برانگیخته است. سیاست‌های سرکوبگرانه دولت آمریکا در نطق‌های اخیر ریگان مبنی بر اینکه:

ما تمام جنبش‌های آزادیبخش را سرکوب می‌کنیم نشان‌دهنده سیاست به غایت ارتجاعی این نماینده دست راستی‌ترین و ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیسم آمریکا است. صحبت‌های ریگان در زمینه قطع روابط اقتصادی با نیکاراگوئه در صورت ادامه کمک‌های اقتصادی نیکاراگوئه به السالوادور نیز نشان دهنده وحشت عظیم امپریالیسم آمریکا از همبستگی خلقهای مبارز آمریکای لاتین و همه نیروهای انقلابی جهان است. و از همین روجهت به انزوا کشاندن مبارزات خلقهای السالوادور و آماده کردن افکار عمومی جهان برای تهاجم نظامی مستقیم تلاش می‌کند.

سؤال - بنا به اطلاعات موجود ونزوئلا یکی از کشورهای بود که در زمان دیکتاتوری سوموزا به مبارزین این کشور از جمله "ساندینیست‌ها" کمک‌های زیادی کرده بود ممکن است چگونگی حمایت این کشور را از حکومت دست‌نشانده و نظامی السالوادور توضیح دهید؟

جواب - نکته جالبی را مطرح کرده‌اید که احتیاج به کمی توضیح دارد. ونزوئلا با کشورهای آمریکای لاتین و آمریکای مرکزی یک قرارداد اقتصادی بسته بود. ونزوئلا تعهد نموده بود که به کشورهای آمریکای مرکزی نفت صادراتی خود را به قیمت نازل (قیمت قبل از سال ۱۹۷۰) بفروشد. بر مبنای همین قرارداد در قبال مابقی پرداختی قیمت نفت، این کشورها می‌بایست مازاد محصولات کشاورزی خود را در اختیار ونزوئلا می‌گذاشتند در دهه ۷۰ زمانی که قیمت قهوه که یکی از محصولات عمده این کشور می‌باشد بالا رفت. سوموزا دیکتاتور نیکاراگوئه تصمیم گرفت که اضافه تولید قهوه خود را مستقیماً به بازار آزاد بین‌المللی عرضه کند. این اقدام ضربه جدی به اقتصاد ونزوئلا وارد می‌کرد. بنا بر این حزب سوسیال دمکرات ونزوئلا که در قدرت بود به خاطر این اختلاف با سوموزا به مخالفین سوموزا کمک می‌کرد. ولی در سال ۱۹۷۸ سوسیال دمکرات‌ها در انتخابات شکست خوردند

و جای خود را به حزب دمکرات مسیحی دادند. حزب دمکرات مسیحی به حمایت جدی از سیاست‌های امپریالیسم آمریکا پرداخت و هم اکنون نیز از حکومت دست‌نشانده آمریکا در السالوادور حمایت می‌کند. حمایت ونزوئلا از "ساندینیست‌ها" در آن مقطع را باید در رابطه با سیاست خارجی آمریکا که مبنی بر سعی در عدم گسترش و جلوگیری از تعمیق انقلاب در جهان بود نیز در نظر گرفت. بنا بر این حمایت ونزوئلا از مبارزین نیکاراگوئه در آن مقطع به دو دلیل بود اول: مخالفت با سوموزا به خاطر اختلافات اقتصادی که در بالا ذکر شد و دوم اینکه سیاست امپریالیسم آمریکا در آن مقطع مبنی بر جلوگیری از رادیکالیزه شدن جنبشهای آزادیبخش که با سیاست کنونی امپریالیسم آمریکا که سرکوب وحشیانه مبارزات خلقهای استثمار شونده و تحت سلطه است تفاوت قابل توجهی دارد.

سؤال - در شرایط کنونی چه کشورهایی در جهان و بویژه در آمریکای لاتین از انقلابیون و مبارزات مردم السالوادور پشتیبانی و حمایت می‌کنند؟

جواب - بطور کلی کشورهای سوسیالیستی و مترقی با موضع‌گیری بر علیه حکومت نظامی السالوادور، محکوم کردن دخالت‌های امپریالیسم آمریکا و متحدین ارتجاعی آمریکا و دفاع از مبارزات حق طلبانه مردم السالوادور همبستگی عمیق خود را با مردم ما اعلام داشته‌اند. کمک کشورهای همجوار و سایر کشورها به بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ آوارگان جنگی که هم در داخل السالوادور و هم در خارج بسر می‌برند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بسیج افکار عمومی مترقی جهان به دفاع از مبارزات مردم ما و محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه حکومت نظامی السالوادور و ارباب جنایتکارش آمریکا و افشاکاری‌های زیاد نیروهای ترقیخواه در سراسر جهان از امپریالیسم آمریکا برای مردم ما از اهمیت خاصی برخوردار است در ماه‌ها و هفته‌های اخیر تظاهرات، میتینگ، جلسات از پشتیبانی مردم ما برگزار می‌شود و هر روز گسترش می‌یابد. از جمله تظاهراتی که چندی پیش از جانب سیاهپوستان آمریکا در واشنگتن به خاطر دفاع از مبارزات مردم ما که با شرکت بیش از ۳۰۰۰۰ نفر برگزار شد می‌توان نام برد.

هر روز مردم سراسر جهان بیشتر به حقائق پی می‌برند و حمایت خود را به اشکال مختلف از مردم السالوادور ابراز می‌دارند. مردم السالوادور در مبارزه خویش علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکابه حمایت افکار عمومی خلقهای رزمنده جهان و تمام نیروهای انقلابی و مترقی‌نیزامند است. در شرایط کنونی مردم ما خواستار پیوند هرچه عمیق‌تر با مردم سراسر جهان هستند.

در پایان ما همبستگی خود را با مبارزات دلاورانه مردم ایران بر علیه دشمن مشترکمان یعنی امپریالیسم یانکی دشمن اصلی خلقهای جهان اعلام می‌داریم و خواستار گسترش هرچه بیشتر پیوند مابین خلقهای انقلابی دو کشور ایران و السالوادور هستیم.

چگونه می توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟

(قسمت دهم)

سیاست بر مبنای تر ((دوا بر قدرت))

قادر به حل هیچ یک از مسائل وابستگی نیست

(ه) این قانون دارای بندی دیگر است. بنا بر بند (ج) این قانون، کارخانه‌هایی که "وام‌های قابل توجه" از بانک‌ها دریافت کرده‌اند و اکنون بدهی آنها از کل دارایی خالص آنها کمتر است، تحت مدیریت دولت قرار می‌گیرند. این کارخانه‌ها خود بخش وسیعی از صنایع وابسته ایران را شامل می‌شود. متأسفانه حتی همین معیار نیز تاکنون مورد اجرای عمومی قرار نگرفته است. حاصل کلام این که تمامی واحدهای صنعتی، تجاری و خدماتی وابسته باید به تملک دولت درآیند و سهام سرمایه‌داران وابسته آنها مصادره شود. سهام تمامی سرمایه‌داران خارجی در واحدهای اقتصادی میهن باید ملی اعلام گردد و همچنین سرمایه‌گذاری انحصارات خارجی برای همیشه منع شود.

۲- تمامی پیوندهای اسارتبار صنایع کشور با انحصارات امپریالیستی قطع گردد. همانطور که در بررسی صنعت اتومبیل نشان دادیم، ملی کردن صنایع وابسته به خودی خود به معنای قطع وابستگی صنعتی کشور نیست. ملی کردن صنایع وابسته از آن جهت حائز اهمیت است که به معنای خلع ید از سرمایه‌داران وابسته، این همدستان غارتگری‌های امپریالیسم است. اما خلع ید از سرمایه‌داران وابسته و نیز سهامداران خارجی تنها در صورتی می‌تواند به منزله گامی مهم در جهت مقابله با وابستگی صنعتی کشور باشد که دولت، که در مقام کنترل‌کننده صنایع ملی شده در می‌آید، گام‌هایی اساسی در جهت قطع پیوندهای وابستگی این صنایع به انحصارات امپریالیستی بردارد. همانگونه که در بررسی صنعت اتومبیل‌سازی نشان دادیم، انحصارات امپریالیستی در روزگار ما دارای چنان شبکه جهان‌گسترده‌ای هستند، و در پیوندهای وابستگی صنایع اقتصادی وابسته به این شبکه جهانی به حدی گسترده و عمیق است که این انحصارات تنها از راه در دست داشتن سهام بر این صنایع اعمال کنترل نمی‌کنند و سودهای آنها از صنایع وابسته تنها به سود سهام محدود نمی‌شود. همانطور که در مورد کارخانه ایران ناسیونال نشان دادیم، در این واحد تولیدی پیش از ملی شدن نیز انحصار امپریالیستی هیلمن - کرایسلر دارای سهمی نبود. آنچه هیلمن - کرایسلر از تولید وابسته ایران ناسیونال به غارت برده است نتیجه پیوندهای اسارتباری است که ایران ناسیونال را در تقسیم کار جهانی تحمیلی امپریالیسم قرار داده است و از طریق همین پیوندها بوده که این صنعت در وابستگی باقی مانده است. قراردادهای اسارتبار کرایه تکنولوژی اجازه ساخت (لیسانس)، خرید قطعات، مواد اولیه و تجهیزات با این انحصارات باید لغو شود.

بازسازی صنایع وابسته ایران در جهت قطع وابستگی مستلزم ایجاد روابط متقابل گسترده با کشورهای دوست انقلاب ایران، به ویژه کشورهای سوسیالیستی است که می‌توانند پیشرفته‌ترین

دستاوردهای علمی، فنی و تکنولوژیک جهان را در خدمت مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهن ما قرار دهند. آنان که با علم کردن تر ارتجاعی "دوا بر قدرت" با ایجاد روابط متقابل اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی عناد می‌ورزند، همانطور که در این مقالات نشان دادیم، دانسته یا ندانسته راه تحکیم وابستگی اقتصادی به امپریالیسم را هموار می‌کنند. از این رو است که لیبرال‌ها این چنین سرسختانه و "پیگیرانه" با سیاست گسترش روابط متقابل اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی مخالفت می‌ورزند چرا که اینان چون دیو سفید می‌دانند که بقای شیشه‌عمرشان در همین پیوندهای وابستگی به انحصارات امپریالیستی است و هم از این رو است که لیبرال‌ها اکنون می‌کوشند امپریالیسم اروپا و ژاپن را، امپریالیسم فرانسه، آلمان، ایتالیا و... را هم پیمانان "صادق"، "همراه" و "همدل" مردم مبارز میهن ما جلوه‌گر سازند.

۳- ترکیب صنایع کشور باید دگرگون شود. در ابتدای سخن، در بحث درباره مفهوم وابستگی گفتیم رشد سرمایه‌داری وابسته در اقتصادهای زیر سلطه با گسیختگی بسیار شدید همراه است. در بررسی صنعت اتومبیل‌سازی نیز دیدیم که این صنعت بدون پیوندی ارگانیک با بخش‌های دیگر اقتصادی، تحت تابعیت انحصارات امپریالیستی اتومبیل‌سازی جهان و در جهت تامین منافع هرچه بیشتر آنها فعالیت داشته است. همچنین در بررسی صنعت اتومبیل‌سازی دیدیم که انحصارات امپریالیستی به هیچ روی حاضر به پذیرش سیاستی در جهت ایجاد شبکه‌ای از صنایع به هم مرتبط، به دور از وابستگی و منطبق با نیازهای اقتصادی جامعه ما نیستند، چرا که این انحصارات در پی حفظ منافع خود هستند که با وابستگی اقتصادی جامعه ما و قرار داشتن این صنایع در تابعیت آنها و در تقسیم کار جهانی تحمیلی امپریالیسم تحقق می‌یابد. از این رو است آنان که می‌کوشند این نظر را القاء کنند که برخی از این انحصارات خواه فرانسوی یا ژاپنی، انگلیسی یا آلمانی... ممکن است بر سر "عقل" آیند، یا بر سر "عقل" آمده‌اند، در واقع چه بدانند و چه ندانند، عملاً کوشیده‌اند گرگ درنده امپریالیسم را به لباس میش درآورند اما در بررسی صنعت اتومبیل‌سازی دیدیم - و این نمونه‌ها بسیار است - که علیرغم ریاکاری لیبرال‌ها پنجه این گرگ، نمایان است.

صنایع وابسته ایران که مجموعه‌ای هم‌گسیخته‌ای را تشکیل می‌دهد، هر یک، حلقه‌ای از زنجیر روابط استثمارگرانه امپریالیسم است نه در جهت تامین نیازهای توده‌های محروم و زحمتکش میهن بلکه در جهت تامین منافع انحصارات امپریالیستی بوده است. رکن اساسی سیاست مقابله با وابستگی اقتصادی در زمینه صنعت، مستلزم برنامه‌ای همه - جانبه است که ترکیب صنایع کشور را در جهت برپایی صنعتی مستقل دگرگون سازد. این مستلزم ایجاد پیوندهای ارگانیک میان صنایع مختلف و میان صنعت و دیگر بخش‌های اقتصادی جامعه ما است. تا صنعت کشور ما وابسته است، امکانات رشد کشاورزی محدود و مقابله با فقر اقتصادی میلیون‌ها نفر جمعیت روستائی میهن ما بی‌فرجام خواهد بود (درباره مسائل کشاورزی صحبت خواهیم کرد).

در مورد صنعت اتومبیل‌سازی دیدیم، در سایر رشته‌های صنعتی نیز وضع کم و بیش به همین صورت است که رشد صنعت وابسته نگذاشته است و نخواهد گذاشت که صنایع خرد رشد و شکوفایی یابد. سیاست‌های موضعی، دادن وام در اینجا یا آنجا به این یا آن دسته از صنایع خرد، دواي درد صنایع کوچک اقتصاد میهن ما نیست. صنایع کوچک، خود باید با صنایع بزرگ پیوند یابند و این در صورتی میسر خواهد بود که این صنایع از حلقه اسارتبار روابط امپریالیستی و تابعیت از انحصارات امپریالیستی رهائی یابند.

یکی از مهم‌ترین و دقیق‌تر بگوئیم مهم‌ترین بخش اقتصادی جامعه ما، بخش نفت است. انحصارات امپریالیستی در طی سالهای گذشته این بخش عظیم اقتصادی میهن را تحت تابعیت خود درآورده‌اند به‌ترتیبی که اقتصاد میهن ما یکی از مهم‌ترین تامین‌کنندگان نفت خام صنایع و انحصارات امپریالیستی جهان شده است.

ایجاد پیوندی ارگانیک میان این بخش بسیار مهم اقتصادی و دیگر بخش‌ها و مهم‌تر از همه بخش صنعت یکی از مرم‌ترین و نیز از ارکان سیاست مقابله با وابستگی اقتصادی جامعه ما است. حلقه اتصال این بخش اقتصادی با صنایع کشور، صنعت پتروشیمی است. هرچند هم‌اکنون چند واحد تولیدی پتروشیمی در حال فعالیت است و پروژه‌های عظیم در بندر امام خمینی در دست ساختمان است، اما زمانی که این صنعت در وابستگی به انحصارات امپریالیستی قرار دارد، نمی‌توان انتظار آن را داشت که این حلقه اتصال آنچنان که ضرورت‌های جامعه ما ایجاب می‌کند، به‌وجود آید. مشارکت با انحصارات امپریالیستی ژاپنی برای ایجاد واحد عظیمی چون واحد پتروشیمی بندر امام خمینی بیش از آن که تامین‌کننده نیازهای صنعتی کشور باشد، برآورنده نیازها و تامین‌کننده سود انحصارات امپریالیستی ژاپنی است. صنعت پتروشیمی که یکی از پیشرفته‌ترین صنایع و از رشته‌های تولیدی است که می‌تواند در سالهای آینده نقشی بسیار حیاتی در اقتصاد میهن ما برعهده داشته باشد، باید هرچه زودتر از دسترس انحصارات امپریالیستی خارج گردد. مذاکرات اخیر برخی مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران با نمایندگان دولت ژاپن و عدم تمایل دولت به عقد قرارداد با کشورهای سوسیالیستی در این زمینه می‌تواند سیاستی پرمخاطره باشد که به اجراء آمدن آن انحرافی برجسته در سیاست مقابله با وابستگی اقتصادی است که باعث خشنودی امپریالیسم در جهان و لیبرال‌ها در داخل کشور خواهد شد.

تکیه هرچه بیشتر در رشد بخشیدن به صنایعی مستقل در رشته تولیدات اساسی باشد. صنایع آهن و فولاد، ماشین‌سازی، پتروشیمی، شیمیائی و نظیر آنها باید از اولییتی بسیار بالا برخوردار باشند تا اقتصاد میهن را بتوان در جهت مقابله با وابستگی اقتصادی پیش برد و پایه‌های اقتصادی مستقل را که بتواند زندگی توده‌های مردم ما را در سطحی که شایسته مقام انسانی و رفاهی متناسب با امکانات اقتصادی جامعه است تامین کرد.

صنایع مصرفی کشور باید با توجه به نیازهای مرم کارگران و زحمتکشان سامان داده شود. انحصارات امپریالیستی تکیه خود را بیش از همه بر صنایعی داشته‌اند که تامین‌کننده خواست‌های قشرهای مرفه اجتماعی بوده است. این صنایع باید در جهت عرضه تولیدات انبوه، با کیفیتی مطلوب برای تامین نیازهای رفاهی کارگران و زحمتکشان شهری و روستائی میهن ما تحول داده شوند.

روز معلم

و سالگرد شهادت خانعلی گرامی باد

اخراج معلمان متعهد و

انقلابی

آسیب‌های جدی به

انقلاب وارد ساخته است

بدون تردید هرانقلاب در تداوم خود نیاز مبرم به تغییر اساسی و بازسازی در تمام عرصه‌ها از جمله در فرهنگ و آموزش و پرورش دارد بنا بر این آموزش و پرورش که با صدها هزار معلم و میلیونها دانش‌آموز سر و کار دارد باید چنان در جهت انقلاب تغییر کند که دستیابی به هدف استقلال و آزادی را تسهیل نماید چهل و بیسواد را براندازد و میلیونها کودک و نوجوان و مردم محروم از حداقل آموزش را در جهت خودکفایی و استقلال کامل از امپریالیسم بپروراند.

هدف بازسازی باید تعمیق انقلاب و در جهت منافع اکثریت مردم در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سر بردگی امپریالیسم آمریکا باشد و هر آنچه که مانعی در راه دستیابی به این هدف باشد باید از میان برداشته شود. ضدانقلاب باید بازسازی شود و همه نیروهای انقلابی باید در خدمت پیشبرد این هدف بسیج شوند.

پاکسازی چگونه انجام شد

اوایل سال ۵۹ پاکسازی با اخراج تعدادی از ساواکی‌های شناخته شده آغاز شد. این عمل مثبت هنوز در ابتدای کار خود بود که با اخراج انقلابیون البته نه بطور گسترده بلکه در حد امکان! قرین گشت. در میان این دسته از اخراجی‌ها معلمان زندانی رژیم شاه که به دست توانای مردم آزاد گشته و به مدرسه‌ها بازگردانده شده بودند نیز - ای داشتند. اواخر سال تحصیلی ۵۹-۵۸ دوران صحبت‌های درگوشی در میان کارکنان مدارس درباره

پاکسازی بود. بخصوص معلمان ساواکی، شاه‌دوست و از این قبیل، دلوایس، عکس‌العمل‌های مختلفی از خود نشان می‌دادند. عده‌ای که شامه تیزتری از دیگران داشتند خطر را زودتر احساس کرده، در قالب مذهبی دوآتشه ظاهر شدند. برخی دیگر که نمی‌توانستند ناخرسندی درونی خود را از انقلاب پنهان کنند به غرولند و شایعه‌پراکنی علیه انقلاب پرداختند. دسته دیگر ظاهراً سکوت پیشه کرده و در انتظار باقی ماندند اما در واقع همه اینها در محیط‌های مطمئن و دور از چشم ناظرین مکتبی به تمسخر و لجن‌پراکنی درباره انقلاب می‌پرداختند. معلمان کمونیست و ترقیخواه نیز در میان دانش‌آموزان به پیشبرد امر تدریس و بالابردن آگاهی دانش‌آموزان به اشکال مختلف اشتغال داشتند. سر انجام با نزدیک شدن سال تحصیلی ۶۰-۵۹، موج اخراج‌های دسته جمعی فرا رسید و این بار تا آنجا که تیغ مسئولین پاکسازی می‌برید معلم انقلابی کمونیست و مترقی را از صف خارج کرده و در کنار آنها تعدادی ساواکی مزدور و شاهدوست را که موفق به عوض کردن چهره خود نشده بودند، گنجانده.

دامنه اخراج‌ها در مهرماه نیز با وسعت بیشتر ادامه یافت و در این گرو دار مواردی نیز از بازگشت به سر کار وجود داشت که عمدتاً معلمان انقلابی نبودند! اخراج‌ها بنا به گفته خود مقامات مسئول ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر را دربر می‌گرفت. بکارگرفتن معیار غیر اصولی و وحدت شکن "مکتبی و غیرمکتبی" و باز گذاشتن دست ارگان‌های اجرایی و هرج و مرج ناشی از آن چون کلاف پیچیده‌ای بر دست و پای دولت پیچیده شد. اعتراض‌ها بالا گرفت. نیروهای انقلابی به عمل دشمن‌شادکن اخراج معلمان مترقی اعتراض می‌کردند و در همان حال خواستار تداوم و پیگیری امر اخراج

قسمت آخر

آیا این بخشنامه‌ها بطور کامل به مورد اجرا گذاشته شد؟

با اعمال خلاف قانون و سرپیچی‌های مکرر از اجرای بخشنامه‌های بعد از ششم شهریور یعنی تاریخ توقف پاکسازی، بخشنامه دیگری از طرف مجلس شورای اسلامی کمیسیون اصل ۹۰ صادر شد این بخشنامه بر توقف پاکسازی و عدم اجرای بخشنامه نخست‌وزیری تاکید داشت. (اصل بخشنامه در کار شماره ۸۸ چاپ شده است) همچنین آقای باهنر در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که:

"تا ضوابط مشخص باشند و مجریان هم مشخص باشند از تشکیل بعضی گروه‌های پاکسازی که غیر قانونی است جلوگیری شود"

(جمهوری اسلامی ۸ آذر ۵۹) با این همه ما در این هنگام نیز شاهد کنار گذاشتن برخی معلمان انقلابی بوده‌ایم.

بی‌آمدهای پاکسازی

باری، پاکسازی به قصد مکتبی کردن آموزش و پرورش انجام شد. بخشی از ساواکی‌ها به حق اخراج شدند و تعدادی نیز تحت پوشش مذهب بر سر کار باقی ماندند و نمونه‌هایی از آنان نظیر طالقانی به هیات پاکسازی نیز راه یافتند. فرد مزبور بعدها افشا شده و تحت تعقیب قرار گرفت اما چه بسا که نمونه‌های افشاء نشده دیگری هنوز در پست‌های کلیدی به توطئه مشغول باشند. در مقابل، هزاران معلم ضدامپریالیست و عاشق استقلال میهن به عنوان غیر مکتبی از کلاس‌های درس بیرون رانده شدند. یکی از پیامدهای این اخراج‌های ضد دمکراتیک محروم شدن دانش‌آموزان میهن از بخشی از معلمین دلسوز و کارآمد کشور بوده است. آن هم در شرایطی که ضرورت انقلاب، مبارزه برای قطع وابستگی به امپریالیسم، لزوم ریشه‌کن کردن بیسوادی و پرورش نیروهای جوان برای ساختمان کشوری مستقل، استفاده از همه نیروهای وفادار به انقلاب را ایجاب

ضدانقلابیون و ساواکی‌ها می‌شدند. رجایی که بارها در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود تاکید بر ادامه پاکسازی با همان شیوه متداول کرده و گفته بود:

"۲۰ هزار نفر پاکسازی شدند اما هنوز راضی نیستم"

بالاخره مجبور شد که با صدور بخشنامه و اعلامیه ادامه پاکسازی را متوقف کند رجایی در اطلاعیه‌ای تصریح می‌کند:

"وضع کارکنانی که تاکنون مورد پاکسازی قرار گرفته‌اند مورد رسیدگی قرار می‌گیرد" (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۶ آذر ۵۹)

همچنین بخشنامه‌ای از طرف بهزاد نبوی به کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها و موسسات دولتی مبنی بر توقف پاکسازی صادر می‌شود (اصل بخشنامه در کار شماره ۸۸ بچاپ رسیده است). برخی دیگر از مقامات و مسئولین نیز بر نادرست بودن این شکل پاکسازی اذعان کردند. باهنر در مصاحبه مطبوعاتی می‌گوید:

"در بعضی مناطق پاکسازی‌ها با عجله انجام شده است و احیاناً کسانی صالح بوده و کنار گذاشته شده‌اند و از سوی دیگر مواردی هم اتفاق افتاده که کسانی که باید برکنار می‌شدند که هنوز در قلمرو پاکسازی قرار نگرفته‌اند" (جمهوری اسلامی ۸ آذر ۵۹)

از ابتدای این "پاکسازی" بی‌رویه ما برای جلوگیری از عواقب آن هشدار دادیم و خواستار جلوگیری از اخراج معلمان متعهد و ادامه اخراج ساواکی‌ها و وابستگان به رژیم منغور شاه شدیم.

بر اساس این بخشنامه و دستورالعمل‌های مختلف از طرف نخست‌وزیری، آموزش و پرورش و ... که مبتنی بر توقف پاکسازی بود، احکام و بازنشستگی اجباری به آماده خدمت تغییر یافت و مقرر شد بخشی از حقوق تصفیه‌شدگان به آنها پرداخت گردد.

می‌کند. بی‌آمدهای دیگر این عمل دولت، نگرانی و نارضایتی دانش‌آموزان و خانواده‌هایی بود که این معلمان را می‌شناختند، با اهداف انقلابی آنها آشنا بودند، کوشش و تلاش آنها را برای پیشبرد امر تدریس دانش‌آموزان و علاقه آنها را برای بهتر و بیشتر آموختن به فرزندان میهن به یاد داشتند مبارزه اغلب آنان را با رژیم شاه و فعالیت آنان را در دوران انقلاب فراموش نکرده بودند و بالاخره از آنان آموخته بودند که دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم آمریکاست.

در مقابل این نگرانی‌ها، شادی لیبرالها و عناصر ضد-انقلاب قرار داشت زیرا اگر مسئولین ضدامپریالیست جمهوری اسلامی مانند موارد گوناگون دیگر از عهده تشخیص دوست و دشمن و جنبه انقلاب و ضدانقلاب به درستی بر نیامده‌اند در عوض لیبرالها و ضدانقلابیون به درستی دشمنان خود را می‌شناسند و از اخراج انقلابیون دلشاد میشوند و چه بهتر که این اخراج‌های تنگ نظران به دست مسئولین مکتبی انجام شود. به این ترتیب از طرفی جنبه انقلاب ضعیف می‌شود و نیروهای ضدامپریالیست مذهبی

ضربه‌پذیرتر می‌شوند و از طرف دیگر خوراک تبلیغاتی و امکان نمایش آزادیخواهی و فریب مردم برای لیبرالها فراهم می‌شود و بالاخره با عدم حضور بخشی از دشمنان امپریالیسم و فعالیت و اقدامات تخریبی برای دوستان امپریالیسم فراهم‌تر می‌شود. به راستی که ضدانقلاب حداکثر استفاده را از تصفیه عقیدتی معلمین برده است.

"معلمان اخراجی مبارز و آگاه، همچنان در راستای مبارزات ضدامپریالیستی"

اگر نارضایتی، ناآگاهان را به دامان لیبرالها می‌اندازد یا آنها را بالیبرالها همسو می‌کند، اما معلمان آگاه و متعهد به انقلاب، حتی پس از اخراج با اینکه آماج تصفیه‌هایی با معیار ارتجاعی گشتند، با اینکه کم شدن حقوق دریافتی‌شان در شرایط گرانی شدید، گذران زندگی بر آنها و خانواده

روز معلم ..

بقیه از صفحه ۲۴

مصرف گوشت در میان زحمتکشان سخت کاهش یافته است

مصرف گوشت در میان زحمتکشان سخت کاهش یافته است. این مسئله که مدت‌هاست که گوشت بصورت بحرانی دامنه‌دار در میهن ما به چشم می‌خورد این بحران در ماه‌های اخیر بیشتر و عمیق‌تر از گذشته خود را نشان داده است و در نتیجه تاثیر تاسف‌باری بر مصرف گوشت کارگران و زحمتکشان و قشرهای کم درآمد جامعه بر جا نهاده است. اکنون روزهای بسیاری می‌گذرد که بر سفره زحمتکشان گوشت دیده نمی‌شود. بدست آوردن گوشت برای کارگران و زحمتکشان و قشرهای کم درآمد کار بسیار دشوار و حتی ناممکنی شده است. از آنجا که سازمان گوشت با توزیع ناکافی گوشت پاسخگوی نیاز مصرف‌کنندگان نیست، کشتار آزاد که دولت خود به آن نام کشتار قاچاق داده است بطور گسترده‌ای در گوشه و کنار شهرها رواج یافته است و بهای این گوشت در ماه‌های اخیر سیر صعودی و سرسام‌آوری داشته است. بطوری که بهای هر کیلو آن در ماه‌های پاییز سال ۵۹ حدود ۴۰۰ ریال بود اکنون به بیش از ۸۰۰ ریال که بالاتر از حداقل دستمزد یک کارگر است افزایش یافته است. طبیعی است که کارگران و زحمتکشان و قشرهای کم درآمد نمی‌توانند به گوشت

مصرف گوشت در میان زحمتکشان سخت کاهش یافته است. این مسئله که مدت‌هاست که گوشت بصورت بحرانی دامنه‌دار در میهن ما به چشم می‌خورد این بحران در ماه‌های اخیر بیشتر و عمیق‌تر از گذشته خود را نشان داده است و در نتیجه تاثیر تاسف‌باری بر مصرف گوشت کارگران و زحمتکشان و قشرهای کم درآمد جامعه بر جا نهاده است. اکنون روزهای بسیاری می‌گذرد که بر سفره زحمتکشان گوشت دیده نمی‌شود. بدست آوردن گوشت برای کارگران و زحمتکشان و قشرهای کم درآمد کار بسیار دشوار و حتی ناممکنی شده است. از آنجا که سازمان گوشت با توزیع ناکافی گوشت پاسخگوی نیاز مصرف‌کنندگان نیست، کشتار آزاد که دولت خود به آن نام کشتار قاچاق داده است بطور گسترده‌ای در گوشه و کنار شهرها رواج یافته است و بهای این گوشت در ماه‌های اخیر سیر صعودی و سرسام‌آوری داشته است. بطوری که بهای هر کیلو آن در ماه‌های پاییز سال ۵۹ حدود ۴۰۰ ریال بود اکنون به بیش از ۸۰۰ ریال که بالاتر از حداقل دستمزد یک کارگر است افزایش یافته است. طبیعی است که کارگران و زحمتکشان و قشرهای کم درآمد نمی‌توانند به گوشت

حذف قسمت‌هایی از جمله این قسمت انتشار یافته است و باز درخور تعمق است که با وجود این سخنان دبیرکل حزب، این سیاست عمده‌توسط حزب جمهوری اسلامی همچنان پیش‌رفته است. چنین تناقضاتی را در زمینه‌های دیگر نیز می‌توان مشاهده کرد. دکتر بهشتی در مورد طرح ۳ ماده‌ای شورای عالی قضایی راجع به آزادی احزاب اعلام داشت که با این طرح موافق است، اما اکثریت نمایندگان مجلس یا عضو حزب جمهوری اسلامی هستند و یا با سیاست حزب جمهوری اسلامی هماهنگ‌اند متفقاً این طرح را رد کردند که قطعاً این سؤال مطرح می‌گردد که در حالی که سهم رهبری حزب و دبیر کل آن در تعیین سیاست‌های حزب معلوم است مخالفت نمایندگان حزب با سخنان بهشتی چه مفهومی دارد؟

هشدار به مسئولین در مورد لایحه بازسازی

آیت‌الله خمینی و بسیاری از مسئولین جمهوری اسلامی امسال را سال حاکمیت قانون دانسته‌اند. اکنون روی سخن ما با آقای رجایی و دیگر مسئولین مملکتی است که در بازسازی آموزش و پرورش چنان سیاستی را به پیش می‌برند که نه تنها به سود ضدانقلاب و مخالفین نیروهای خط امام تمام می‌شود بلکه از پیوند نیروهای ضدامپریالیست با یکدیگر و جلب حمایت توده‌های وسیع معلمان دانش‌آموزان و مردم از اهداف جنبش انقلابی خلقها نیز ممانعت به عمل می‌آورد. "عقل سیاسی اقتضا می‌کند" که مسئولین جمهوری اسلامی قانون اساسی را زیر پا نهند و از تنگ‌نظری‌ها و انحصارطلبی‌های سیاسی که تاکنون ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر انقلاب خونبار مردم میهن وارد آورده دست بردارند و بیش از این به وحدت صفوف توده‌های مردم لطمه نزنند و با ارائه لایحه‌ای درخور انقلاب به مجلس و در جهت وحدت صفوف مردم گامی به پیش بگذارند.

همان معیارهای غیر اصولی به مجلس رفت تا مساله پاکسازی را به سرانجام رساند ما این لایحه را در کار شماره ۹۸ مورد نقد و بررسی قرار دادیم و موارد مثبت، منفی آن را برشمردیم امانظر به اهمیت مساله، بار دیگر به کلی‌ترین موارد آن اشاره می‌کنیم:

لایحه پاکسازی ناقص قانون اساسی است.

تبصره ۲ ماده ۳۰ لایحه مزبور صرف داشتن عقیده را دال بر مجرمیت شناخته برایش مجازات (اخراج از آموزش و پرورش) تعیین می‌کند. حال آنکه اصل ۲۳ قانون اساسی با صراحت بیان می‌دارد:

"تفتیش عقائد ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد"

اصل ۴۳ بند ۴ بر رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین صراحت دارد. لازم به جای قانون اساسی نیز آموزش و پرورش مستثنی نشده است. در حالی که لایحه بازسازی می‌گوید:

عقیده آزاد است مگر برای صدها هزار معلم! در بندهای او و ۳ ماده ۲۷ لایحه، ملاک پاکسازی ساواکی‌ها را در بعد از انقلاب "صرف عملکرد" قرار داده و با بکار بردن عبارتی چون "حد متعارف"، "فعالیت موثر" و... ضمن ابهام‌گویی و تعبیر و تفسیرهای مختلف بر این عبارات، برای اقدامات ضد مردمی قبل از انقلاب آنها توجیه قانونی می‌تراشد.

بهشتی دبیرکل حزب جمهوری اسلامی و رئیس دیوان عالی کشور در مصاحبه مطبوعاتی خود گفته است:

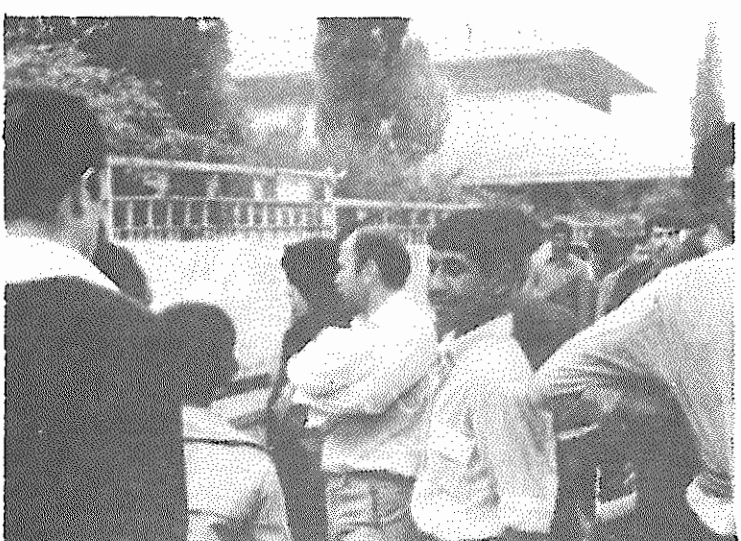
"هیچکس به خاطر عقائد سیاسی از جانی اخراج نمی‌شود" (اطلاعات ۲۰ فروردین ۶۰) لیکن جای تعجب و تعمق است که متن مصاحبه دبیرکل حزب جمهوری اسلامی در ارگان خود این حزب (روزنامه جمهوری اسلامی) با

تحت تکلفشان رادشوار و حتی غیر ممکن می‌کند آنها هرگز مصالح انقلاب را فراموش نکردند. آنها در سنگر مبارزه با امپریالیسم باقی ماندند و در تضعیف جبهه انقلاب با لیبرال‌ها همسو نشدند. آنها به افشای لیبرال‌ها پرداختند، پشت جبهه جنگ علیه تجاوز رژیم صدام راه‌گانه که ممکن بود تقویت کردند، داوطلب شرکت در جنگ و دفاع از میهن انقلابی شدند، آمادگی خود را برای تدریس کودکان و نوجوانان آواره از جنگ اعلام کردند، ماهانه یک روز از حقوق نصف‌شده خود را به جنگ‌زدگان اختصاص دادند. در همان حال با پیگیری کوشش کردند که طی ملاقات‌ها، تماس‌ها، نامه‌ها، اعلامیه‌ها و تراکتها نظرات خود را برای مسئولین نمایندگان مجلس و هم‌میهنان

باری، این معلمان کوشیدند تا به طرق مختلف ضربه‌ها و لطامت ناشی از اخراج نیروهای انقلابی را بازگو کنند و به مسئولان هشدار دهند که برخورد با مساله پاکسازی باید در جهت منافع انقلاب باشد. باید معیار، عملکرد افراد باشد نه "مکتبی یا غیر مکتبی بودن"، ریش و تسیخ داشتن، "توبه کردن"، "شعار" نه شرقی نه غربی" بر زبان جاری کردن و... باید برای مقابله با هجوم آشکار و پنهان امپریالیسم بیشترین نیرو را بسیج کرد. نباید به نارضایتی‌های مردم دامن زد. برعکس باید از آنچه موجب رضایت خاطر عمیق لیبرال‌ها را فراهم می‌سازد بیم داشت. باید میدان عمل سازشکاران و دوستان آمریکا را تنگ کرد. باید از سیاست‌های انحصار طلبانه دست برداشت و بر طبق قانون اساسی تفتیش عقائد را ممنوع کرد.

آخرین راه حل پیشنهادی دولت همچنان تنگ‌نظرانه و در جهت تضعیف انقلاب

بالاخره لایحه بازسازی کارکنان دولت و از جمله معلمان با تایید همان سیاست‌های غلط قبلی با



"اجرای بند "ج" خواست زحمتکشان عنوان نمایشگاهی است که هواداران سازمان در گرگان برپا کردند. در این نمایشگاه علاوه بر مقالاتی در زمینه اجرای بند "ج" عکس‌هایی از تجاوزات و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب به نمایش گذاشته شد.

اثرات جنگ روی تولید کشاورزی

(سنت اول)

زراعی و بطورکلی در واحدهای مزرعی بزرگ صورت می‌گیرد. در اینگونه زراعت‌ها، علاوه بر ماشین‌آلات کشاورزی از کود شیمیایی، سم و بذر اصلاح شده همچنین از سیستم‌های آبیاری و کارگر کشاورزی استفاده می‌شود (در اراضی نیمه مکانیزه فقط در بعضی از مراحل، از ماشین‌آلات و یا نهادها و وسائل دیگر استفاده به عمل می‌آید) به کارگیری ماشین‌آلات در این بخش از تولید کشاورزی، لزوماً استفاده از سوخت، قطعات یدکی، روغن موتور، گریس و همچنین در اختیار داشتن بذر، کود و سم را اجتناب ناپذیر می‌سازد. جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی، امر توزیع و دستیابی به هریک از این وسائل و نهادها را دچار اختلال و کمبود کرده است. قسمتی از این مواد و وسائل به دست زحمتکشان و کارگران میهنمان و در داخل کشور تولید می‌شوند و بخش دیگری از آنها از خارج وارد شده و برای تولید کشاورزی عرضه می‌گردند. از آنجا که این جنگ در شرایط تحریم اقتصادی امپریالیسم، و در فصل پائیز به خلق‌های قهرمان ما تحمیل شده لذا کمبود مواد یادشده (سوختی، تعمیری، یدکی و غیره از یک سو و بذر، کود، سم و امثالهم از سوی دیگر) مشخصاً و بطور عمده کشت پائیزه را با اختلالاتی مواجه ساخته است.

سوخت ماشین‌آلات کشاورزی

سوخت مصرف ماشین‌آلات، تماماً از محل تولیدات نفتی داخلی تامین می‌شود. نظر به اینکه سوخت عمده مصرفی ماشین‌آلات کشاورزی نفت گاز است لذا اثرات جنگ را در رابطه با این سوخت و در رابطه با جریان حمل و نقل و توزیع آن مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

تولید نفت گاز در پالایشگاه‌های ایران بطور متوسط قریب به ۲۳۱ هزار بشکه در روز بوده است یا از کار افتادن و تخریب پالایشگاه‌های آبادان و کرمانشاه و صدمه دیدن پالایشگاه تبریز، میزان تولید حدوداً ۴۵٪ کاهش یافته و به سطح ۱۲۷/۵ هزار بشکه در روز رسیده است. و این در شرایطی است که مقدار مصرف نفت گاز در سه ماهه سوم و چهارم امسال معادل ۱۹۲ هزار بشکه در روز پیش‌بینی شده است. چنین کاهش به خودی خود نه تنها کار ماشین‌آلات کشاورزی را دچار اختلال خواهد کرد بلکه امر حمل و نقل و توزیع به هنگام این ماده سوختی رانیز مشکل خواهد نمود.

برای آنکه بتوان میزان سوخت مورد نیاز بخش کشاورزی را برآورد نمود، لازم می‌آید قبل از هر چیز مشخص شود که در هر یک از ماه‌های سال چه عملیاتی و در چه سطحی به وسیله ماشین‌آلات انجام می‌گیرد. چرا که میزان احتیاج به ماشین‌آلات چه در مراحل گوناگون کشت و چه در ماه‌های مختلف سال، کاملاً متفاوت است. به عنوان مثال، حداکثر استفاده از ماشین‌آلات در کشت پائیزه (ماه‌های شهریور، مهر و آبان) در کشت بهاره (فروردین و اردیبهشت) و در زمان برداشت (خرداد و تیر) صورت می‌گیرد. در فصل پائیز محصولات خاصی برداشت و محصولات خاص دیگری کشت می‌شوند بنا بر این جا دارد که اثرات کمبود سوخت را در هریک از مراحل یاد شده، بطور جداگانه به بررسی گیریم.

شیمیایی، سم و آب (کنترل شده) نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در برخی از انواع تولید زراعی، در مراحلی از نیروی کار انسان و حیوان و در مراحلی دیگر، از ماشین‌آلات بهره گرفته می‌شود که این گونه زراعت‌ها را نیمه مکانیزه می‌نامند.

اثرات جنگ بر

بخش سنتی زراعت در مناطق غیر جنگی

در بخشی از روستاهای ایران، تمامی مراحل کشت و زرع به شیوه سنتی انجام می‌پذیرد بدین نحو که در کل پروسه تولید زراعی به هیچ وجه از ماشین‌آلات کشاورزی، کود شیمیایی سم و نظائر آن بهره گرفته نمی‌شود، در امور شخم آماده‌سازی زمین، خرمکوبی و جز آن، از نیروی کار حیوانی استفاده می‌گردد و سایر مراحل کشت نیز بر عهده نیروی کار انسان قرار دارد. سطح زیر کشت در زراعت سنتی، جمعا حدود ۱۰٪ کل اراضی مزروع موجود در ایران را شامل می‌شود که اکثر اینگونه مزارع در مناطق پر شیب کوهستانی و در دیگر نقاط دور افتاده واقع شده است. در این شیوه تولید زراعی، از آنجا که عملیات کشت و زرع عمدتاً توسط افراد خانواده، بذر از محل ذخیره محصول سال قبل و آب نیز از منابع غیر قابل کنترلی چون باران رودخانه، چشمه و قنات تامین می‌گردد، لذا چنانچه بذر آب و نیروی انسانی مورد نیاز در دسترس باشد، عملیات زراعی سال جاری همانند سال‌های گذشته روال متعارف خود را طی خواهد نمود. از اینرو پیداست که جنگ تاثیر محسوسی بر عملیات کشاورزی سنتی به جای نخواهد گذاشت. اما آثار تبعی جنگ بر زندگی روستاییان این بخش سنتی را نیز نباید نادیده گرفت:

بخش وسیعی از روستائیان بطور سنتی برای حمل و نقل محصولات خود به بازار مصرف، از وجود حیوانات بارکش سود می‌جستند. به علت گسترش شبکه راه‌های ماشین‌رو روستایی بسیاری از این دهقانان، حیوانات بارکش خود را فروخته و برای حمل و نقل محصولات خویش از وسائلی همچون موتور و اتوموبیل استفاده می‌کنند جنگ اخیر، بحران مواد سوختی را به همراه داشته است و کمبود سوخت باعث خواهد شد تا محصولات برداشت شده، نه به روال معمول، بلکه به کندی و با تاخیر وارد نزدیکترین بازارهای مصرف شود و یا احتمالاً به میزانی کمتر از حجم محصول سال‌های گذشته برای فروش عرضه گردد که در این صورت، سطح عرضه محصولات قابل فروش این روستائیان، پائین آمده و قسمتی از محصولات قابل عرضه، در انبارهای روستائیان به حالت ذخیره یا راکد درآید.

اثرات جنگ بر

زراعت‌های مکانیزه در مناطق جنگی

زراعت مکانیزه معمولاً در اراضی وسیع، مجتمع و کشت و صنعت‌ها، شرکت‌های سهامی،

برای ارزیابی اثرات جنگ بر تولید محصولات کشاورزی در سال‌های زراعی ۵۹ - ۵۸ - ۶۰ - ۵۹ می‌باید تاثیر جنگ بر هر یک از مراحل تولید محصول، از عملیات آماده‌سازی زمین گرفته تا کاشت، داشت، برداشت و فروش، مورد بررسی قرار گیرد.

جنگ به گونه‌ای مستقیم و غیر مستقیم بر روند تولید محصولات کشاورزی اثر گذاشته و می‌گذارد اثرات مستقیم آن در مناطق جنگی به خوبی دیده می‌شود، اشغال مناطقی از خاک میهن توسط دشمن، واقع شدن مناطق زراعی در خطوط جبهه جنگ، تخریب مزارع، سوختن زمین و زراعت، و مختل شدن آبگاه‌ها و شریان‌های آبی از یک سو، خالی شدن مناطق جنگ‌زده از سکنه، مهاجرت زحمتکشان روستاها از نواحی جنگی به مناطق امن‌تر، و قطع خطوط مواصلاتی و حمل و نقل از سوی دیگر، اختلال و نابسامانی فراوانی در امور زراعت و تولید محصولات پدید می‌آورد. جنگ در این مناطق بر روی عملیات مختلف زراعی از کاشت تا برداشت و در زمینه تامین مواد مورد نیاز زراعت - چون سوخت، کود و سم و نیروی انسانی اثر گذاشته و امر فروش را مختل می‌سازد اثرات غیر مستقیم جنگ در دیگر نواحی میهن یعنی در مناطقی که مستقیماً درگیر جنگ نیستند، به صورت اختلال در تولید، در واردات مواد مورد نیاز بخش کشاورزی، و در توزیع و فروش آن بروز می‌کند.

اثرات جنگ در مناطق غیر جنگی

تولید محصولات کشاورزی از مراحل مختلفی می‌گذرد که هر مرحله آن، از نظر زمانی، دارای محدودیت‌هایی است هر یک از این مراحل می‌باید در محدوده زمانی معین و مشخصی در طول سال انجام پذیرد که عدم اجرای به موقع امور هر مرحله به انجا و درجات مختلف، مستقیماً بر تولید اثر خواهد نهاد. قطع نظرات محدودیت زمانی، مواد و وسایلی نیز که در هر یک از مراحل تولید مورد نیاز است که تهیه و تامین آنها نقش تعیین کننده‌ای در تولید زراعی ایفاء می‌کند. البته درجه نیاز هر یک از روش‌های مختلف زراعت (مکانیزه - نیمه مکانیزه و سنتی) به این مواد و وسائل کاملاً با یکدیگر تفاوت دارد.

اصولاً پروسه تولید زراعی از ۴ مرحله مشخص می‌گذرد: (۱) عملیات آماده سازی زمین (شخم، دیسک، تسطیح، ایجاد جوی پشته) (۲) کاشت (بذر پاشی، کود دهی) (۳) داشت (وجین، سمپاشی، کودرسانی، آبیاری و (۴) برداشت (درو، خرمکوبی، بوجاری). برآورد اثرات جنگ در حوزه کشاورزی مستلزم آن است که مراتب دسترس پذیر بودن هر یک از مواد و وسائل مورد نیاز و کل نیروی انسانی لازم در هر دو نوع زراعت سنتی و مکانیزه به بررسی گرفته شود.

بطورکلی در زراعت سنتی، از ماشین‌آلات کشاورزی بطور سیستماتیک استفاده نمی‌شود و نیروی اصلی کار در اینگونه زراعت‌ها عبارت از انسان و حیوان است. حال آنکه در زراعت نوع مکانیزه، ماشین‌آلات کشاورزی جایگزین نیروی کار انسان و علاوه بر آن بذر اصلاح شده، کود

بقیه از صفحه ۵

دادگاه امیرانتظام...

"از سفارت امریکا به وزارت امور خارجه امریکا، محرمانه، ۲۹ خرداد ۵۸، صفحه ۶۷ اسناد او (امیرانتظام) اضافه کرد که خودش و بقیه همکارانش به دولت امید پیشرفت روابط بین دو کشور را دارند هرچند که عقیده دارند این امر مدتی طول خواهد کشید. او گفت این امر ممکن است هفته‌ها و یا حتی ماه‌ها به طول بیانجامد ولی ما می‌دانیم که منافع مشترک خیلی زیادی داریم. من جواب دادم که ما حداکثر سعی خویش را خواهیم نمود که با توجه به اینکه ما اختلاف عمده‌ای در خط مشی نداریم جریان را عادی کنیم." "از سفارت امریکا در تهران به امیرانتظام، ۵۸/۴/۱۲، صفحه ۷۳ اسناد دولت من خواسته است که مخصوصاً قدردانی خود را به سبب بیاناتی که شما در ۲۱ ژوئن در یک برنامه همگانی در مورد روابط ایران و ایالات متحده ایراد فرمودید، ابراز دارم"

از سفارت امریکا در تهران به ونس وزیر امور خارجه امریکا، صفحه ۷۴ و ۷۵، اسناد، ۸ ژوئیه ۷۹، انتظام به ضعف دولت موقت اشاره کرد و مشکلاتی را که دولت موقت در اعمال قدرت بر سیستم‌های موزی

غیر رسمی یعنی کمیته‌های انقلاب داشته داد. او مجدداً خواهش کرد که تبادل اطلاعات در مورد فعالیت‌هایی که در داخل یا در کشورهای مجاور صورت می‌گیرد، داشته باشیم چرا که اینگونه اطلاعات از نظر امنیتی داخلی ایران حائز اهمیت‌اند." "و در ادامه سند فوق در صفحه ۷۵ نوشته شده است: "هم‌چنین از تلاش‌های انتظام در مورد انتقال ذخائر خوار و بار ارتش، امریکا در ایران و بازگشت دادن وسائل مخابراتی نظامی تشکر کردم." "و در ادامه همین سند در صفحه ۷۷ می‌خوانیم: "مردم زیادی که در خارج از کادر دولتند به دولت اجازه نمی‌دهند که خودش امور مملکتی را انجام دهد و این مردم حتی دانش و یا تخصص اداره مملکت را ندارند. انتظام همچنین گفت که دولت موقت بکرات سعی کرده‌است که این افراد را قانع کند که دست از مزاحمت بردارند و این تلاش از پشتیبانی خمینی برخوردار بوده‌است. او سپس به گروه‌های چپ حمله کرد و گفت که قصد دارند انقلاب را نابود کنند و برای این کار به وسیله شوروی پشتیبانی می‌شوند. در این زمینه او

افزود که امیدوار است امریکا دولت موقت را از چنین فعالیت‌های خرابکارانه آگاه کند." "و در جای دیگری از همین سند در صفحات ۷۷ و ۷۸ می‌نویسد: "انتظام گفت که بلافاصله بعد از انقلاب، دولت موقت به این نتیجه رسید که همه از امام گرفته تا کمیته‌ها و پاسداران انقلاب و دادگاه‌های انقلاب در ضد دولت موقت کار می‌کنند." "و ادامه می‌دهد: "انتظام خوشبین بود که سفرش به سوئد باعث این نخواهد شد که وظیفه‌اش به عنوان کانال ارتباطی بین دولت ایران و امریکا قطع شود. او حتی گفت ارتباط ساده‌تر نیز خواهد شد. در آنجا بهتر از واشنگتن و تهران می‌توانیم حرف‌های خود را بزنیم." "نامه کاردار امریکا و تهران به سفیر امریکا در سوئد، محرمانه، صفحه ۸۳ او (انتظام) ملاقات و صحبت با شما را استقبال خواهد کرد و ما هر چیزی که شما بتوانید از آن مسافت در مورد نظرات و گفته‌های او به ما بگوئید، از آن استقبال خواهیم کرد. در واقع هر مطلبی که وی ممکن است در مورد حلقه‌های داخلی رهبری و روابط داخلی آنها برای ارائه داشته باشد، مورد علاقه ما می‌باشد." "از وزیر امور خارجه واشنگتن به سفارت امریکا در تهران، فوری، سری، صفحه ۵۴، اسناد

در برابر یک اکثریت محافظه کار (منظور آیت‌الله خمینی و طرفداران واقعی ایشان در جمهوری اسلامی) انتظام گفت که ما در اقلیت هستیم اکثر رهبران دیگر حکومت فعلی ایران در واقع درک نمی‌کنند که چه موازنه حساسی را ایران باید بین امریکا و شوروی حفظ کند." "انتظام گفت که دولت موقت اطلاع یافته است که جرج حبش اخیراً از چند منطقه خلیج فارس دیدن کرده است و شاید یکی از دلائل این سفر، ایجاد ناراحتی برای ایران بوده است و افزود که دفتر فلسطین در اهواز موجب نگرانی دولت موقت شده است و سپس با جنابان سرگفت که متأسفانه دولت هیچ‌کاری درباره این دفتر نمی‌تواند بکند چرا که باز شدن این دفتر با تمایل خمینی انجام شده‌است." "از سفارت امریکا در لیبی به وزیر امور خارجه امریکا واشنگتن، صفحه ۶۶ دریافت نسخه‌ای از هرگونه گزارشی که درباره فعالیت‌های خرابکارانه لیبی در ایران که برای ارائه کردن به انتظام تهیه شده باعث تشکر و قدردانی خواهد بود"

بازرگان این لیبرال کهنه‌کار که در دادگاه امیر انتظام شرکت می‌جوید و می‌گوید که "اگر جرم یا خیانتی است بنده باید به دادگاه بیایم نه ایشان"، در دفاع از جاسوسی امیر انتظام و به عبارت بهتر در دفاع از سیاست لیبرالها که

محصولی بهتر از امیرانتظام هم نخواهد داشت، چنین اظهار نظر می‌کند: "به نظر بنده شهادت من اینجاست که این تدبیر به نظرم رسید که به سفیر شوروی بگویم شما مگر نمی‌گوئید ما طرفدار دولت جمهوری اسلامی هستیم و انقلاب شما را به رسمیت می‌شناسیم و حافظ و مدافع آن هستیم؟ شما می‌گوئید که آن طرف بر علیه شما (جمهوری اسلامی) توطئه می‌کنند و آنها هستند که می‌خواهند شما را از بین ببرند؟ ما به آنها گفتیم اگر راست می‌گوئید و اگر اطلاعاتی راجع به حریفتان دارید، به ما بدهید. اگر شما طرفدار جمهوری اسلامی هستید. سپس این مطلب را به سفیر امریکا هم گفتیم و از آنها هم خواستیم اگر اطلاعاتی راجع به شوروی دارند، به ما بدهند. در زبان دیپلماتی به این کار می‌گویند تبادل اطلاعات!" "و بالاخره حجت‌الاسلام خامنه‌ای درباره امیر انتظام چنین سخن می‌گوید: "خود من و همچنین برادران دیگر در شورای انقلاب به آقای بازرگان اعتراض کردیم و گفتیم امیر انتظام مورد سوء ظن بعضی‌هاست. در اینکه با بختیار رفیق صمیمی بود شکی نیست. ایشان مناسب نیست معاون شما باشد. آقای بازرگان با کمال اوقات تلخی می‌گفتند مسئله معاونین نخست وزیر به شورای انقلاب ربطی ندارد."

بقیه از صفحه ۶

با انقلاب...

عظام، مردم ایران مخالفت با بند "ج" را چیزی جز دفاع از فتوئالها و دشمنی با خود به حساب نخواهند آورد.

آقای فهیم کرمانی در انتظار لایحه قصاص

طرح مجدد لایحه قصاص در مجلس و همزمانی این اقدام با "شاهکار" جدید آقای فهیم کرمانی حاکم شرع کرمان، در اجرای حد در مورد یک سارق بایستی هشداری به مقامات مسئول و به ویژه نمایندگان مجلس باشد. ما در نشریه "کار" در

مورد مضمون ارتجاعی این لایحه و زیان‌هایی که می‌تواند به انقلاب و حیثیت جهانی و ملی آن وارد بیاورد، به اندازه لازم سخن گفته‌ایم ما گفته‌ایم که این لایحه، تجاوز آشکار به حقوق فردی و اجتماعی و مدنی مردم ماست. ما همچنین سوابق مشغوع برخی از حکام شرع منجمله آقای فهیم کرمانی را به مردم گزارش کرده‌ایم. اینک باید روشن شده باشد که تصویب چنین معجون ضد دمکراتیک و ضد انسانی، به‌ویژه وقتی به صورت مجوزی در دست اشخاصی چون حجت‌الاسلام فهیم بیفتد، چه عواقب ناگوار و خطرناکی برای جامعه انقلابی ما به بار خواهد آورد؟ تصویب این لایحه، قانونی نمودن فعالیت‌های گذشته و آتی حکام شرعی چون آقای فهیم کرمانی خواهد بود. شخصی که عملکرد گذشته‌اش به روشنی ماهیت ارتجاعی او را آشکار می‌سازد، کسی که دادگاه انقلاب اسلامی کرمان

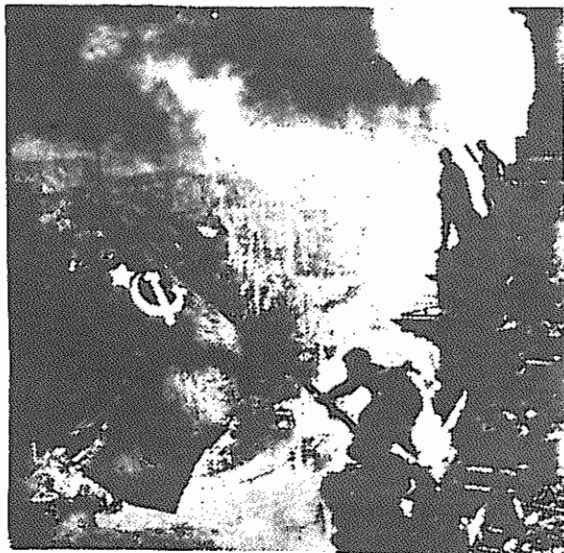
را به بیدادگاه فرمایشی خود تبدیل ساخته است. کسی که ساواکی‌ها را آزاد می‌کند، با خان‌های مرتجع همکاری آشکار دارد، پاسداران مترقی را تصفیه می‌کند، عناصر انقلابی را به جرم داشتن عقاید سیاسی مخالف به جوخه اعدام می‌سپارد تنها یک چیز کم دارد و آن هم مجوز قانونی برای ادامه این جنایت‌هاست و لایحه قصاص قطعاً در صورت تصویب، این مجوز را در اختیار او و امثالش قرار خواهد داد. "شاهکار" تازه آقای فهیم کرمانی که با استقبال گرم! رادیوهای امپریالیستی روبرو شد و از طرف آنها به اقصی نقاط دنیا مخابره گردید، باید دلیل کافی برای نمایندگان مترقی مجلس باشد تا به‌هر نحو از قانونی کردن این جنایت‌ها ممانعت به عمل آورند و همچنین شر دارودسته آقای فهیم و همکارانش را از سر مردم کم نمایند.

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

جنگ جهانی می‌باشند. مسابقه تسلیحاتی تشنج‌آفرینی‌هایی که امپریالیست‌ها با دخالت در اوضاع سایر کشورها دنبال می‌کنند، صلح جهانی را شدیداً در معرض خطر قرار می‌دهد. در این میان رهبران چین نیز سیاست همگامی با امپریالیست‌ها را ادامه داده و به وخامت اوضاع جهانی دامن می‌زنند.

لازم به تأکید است که سیاست دفاع از صلح که از طرف اردوگاه سوسیالیستی و همه نیروهای پیشرفته جهان دنبال می‌شود، ناظر بر خطر جنگ جهانی هسته‌ای و انهدام بشریت می‌باشد. اما بدیهی است که اردوگاه سوسیالیستی و تمامی



لحظه پیروزی نهائی - سرباز ارتش سرخ پرچم پیروزی را بر فراز کاخ ریشتاک مجلس دولت آلمان نازی به اهتزاز درمی‌آورد.

نیروهای انقلابی جهان، قاطعانه از مبارزات آزادی‌بخش خلقها و طبقه کارگر علیه نظام غارتگر امپریالیستی پشتیبانی نموده و پیروزی این مبارزات و شکست سرمایه‌داری و متحدان آن در هر جبهه از مبارزه انقلابی خلقها را گامی در جهت تحکیم هر چه بیشتر اردوگاه بشریت مترقی و تضعیف اردوی امپریالیسم و جنگ می‌داند.

پیشنهادات خلع سلاح اتمی که تاکنون بارها توسط اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ارائه گردیده، مورد پذیرش امپریالیست‌ها قرار نگرفته است و این امر بار دیگر مقاصد جنگ افروزانه آنها را عیان می‌سازد.

امروزه تمامی نیروهای پیشرفته جهان به ضرورت جلوگیری از فاجعه عظیم جنگ هسته‌ای وقوف داشته و در حفظ صلح جهانی در راه به شکست کشاندن تمام کوشش‌های جنگ‌افروزانه امپریالیسم مبارزه می‌کنند.

■ ■ ■

مهندسان متعهد و انقلابی آنها در تدوین برنامه‌های اساسی در جهت قطع وابستگی اقتصادی، نه تنها نمی‌توان در جهت مقابله با وابستگی اقتصاد میهن گامی اساسی برداشت، بلکه حتی نمی‌توان بحران کنونی اقتصادی را تخفیف داد.

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داران وابسته تمامی نیروی خود را به کار گرفته‌اند تا به این بحران دامن زنند، آنان ادامه بحران اقتصادی کنونی را در جهت منافع خود می‌یابند. تنها با دنبال کردن سیاستی پیگیر و قاطع در جهت مقابله با وابستگی اقتصادی و در این مورد در جهت مقابله با وابستگی صنعتی کشور است که می‌توان توطئه‌های امپریالیسم و همدستان داخلی آن را خنثی کرد.

■ ■ ■

بقیه از صفحه ۸

مبارزه علیه سیاست‌های جنگ افروزانه

راه استقلال، آزادی، صلح و دموکراسی هستند. سقوط فاشیسم که شکست ارتجاعی‌ترین بخش بورژوازی امپریالیستی بود، به تضعیف سیستم سرمایه‌داری جهانی بطور کلی منجر گردید. زحمتکشان بسیاری از کشورهای آزادشده، قدرت را در دست گرفتند و تغییر نظام اجتماعی را آغاز کردند. بهار سال ۱۹۴۵ برای خلق‌های بسیاری از کشورهای اروپا به منزله سپیده‌دم یک نظام اجتماعی - اقتصادی نوین بود. در چند کشور اروپائی، زحمتکشان به رهبری حزب کمونیست، قدرت را در دست گرفته و به سوی سوسیالیسم رهسپار شدند.

یکی دیگر از نتایج بسیار مهم جنگ دوم، پیدایش اردوگاه سوسیالیستی جهانی بود که نقطه عطفی در تاریخ اروپا و تاریخ بشریت بطور کلی گردید. در دوره پس از جنگ تاکنون ساختمان سوسیالیسم در کشورهای اردوی سوسیالیستی به تجربیات گرانقدری دست یافته است. قدرت و نفوذ اردوگاه سوسیالیستی اکنون اهمیتی تعیین کننده در سطح جهان دارد. حمایت این اردوگاه از جنبش‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان و دفاع قاطعانه از صلح و امنیت بین‌المللی به تقویت جبهه ضدامپریالیست جهانی منجر گشته است.

پیروزی بر فاشیسم در حقیقت پیروزی بزرگ تمام خلقها محسوب می‌شود که به پیدایش صلحی پایدار در اروپا منجر شد. مردم شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در جنگ، میلیون‌ها نفر کشته دادند و بر اساس ماهیت نظام سوسیالیستی همواره برای تحکیم صلح جهانی کوشیده‌اند. اردوگاه سوسیالیستی، سیاست جلوگیری از جنگ هسته‌ای را قاطعانه دنبال کرده و کوشش در جهت حفظ صلح جهانی را وظیفه مهم و حیاتی همه نیروهای پیشرفته می‌داند. زحمتکشان جهان و به‌ویژه مردم کشورهای اروپائی خطر فاشیسم را با تمام وجود احساس کرده‌اند و مبارزه برای محکوم ساختن تلاش‌های جنگ‌افروزانه امپریالیست‌ها را تشدید کرده‌اند. امروزه محافل حاکم کشورهای سرمایه‌داری تلاش‌های جنگ - افروزانه خود را که از ماهیت نظام سرمایه‌داری بر می‌خیزد، تشدید می‌کنند. امپریالیست‌ها که دشمنان اردوگاه سوسیالیسم، دشمنان آزادی و استقلال خلقها، دشمنان جنبش‌های آزادی - بخش ملی می‌باشند، عاملین اصلی خطر بروز

بقیه از صفحه ۲۳

چگونه...

نکاتی را که برشمردیم عمده‌ترین مسائلی است که در تدوین برنامه‌های همه‌جانبه برای مقابله با وابستگی اقتصادی در بخش صنعتی کشور باید مورد نظر قرار گیرد. بدون تدوین چنین برنامه‌ای، با دنبال کردن سیاست‌های ناپیگیر و موضعی، با تعلل در برخورد اساسی با سرمایه - داران وابسته و صنایع وابسته، با "مشروع" شدن بخشی از سرمایه‌های وابسته، با دنبال کردن سیاست کج‌دار و مریز تحت لوای شعار "نه شرقی، نه غربی"، با ایجاد مانع در مقابل مشارکت کارگران صنایع کشور و کارکنان و

ضد انقلاب را افشاء کنیم

(۶)

۱۶- عوامل کودتای نوزده

در کوه‌ها مستقر شده‌اند

فارس - امیر هوشنگ بهادر و حبیب بهادر " از عوامل موثر کودتای نافرجام و از واستگان به رژیم گذشته، زمین‌های روستائیان طایفه " سرکوهکی " و روستاهای شهینزه جوهریز و مارگون را به زور تصرف می‌کنند.

روستائیان، به یاری جهاد سازندگی زمین‌های خود را بازپس می‌گیرند ولی آنها مجدداً با تهدید و ارعاب روستائیان و افراد جهاد سازندگی زمین‌ها را غصب می‌کنند.

حبیب و امیر هوشنگ بهادر " با مسلح کردن عوامل مزدور خود و سنگر بندی کوهستان‌های اطراف به مقابله مسلحانه با دهقانان و نهادهای انقلابی برمی‌آیند. حبیب بهادر یکی از روستائیان " تامرادی " به نام " شیرو " را به قتل می‌رساند. قاتل، دستان این روستایی زحمتکش را از پشت بسته و پس از شکنجه کردن او را به قتل می‌رساند.

این مزدوران اخیراً ۱۵ هزار لیتر از سهمیه کوبین بنزین منطقه را نیز به سرقت برده‌اند. این رویدادها با توجه به رفت و آمدهای سردارهای بلوچ به مناطق فارس، کهگیلویه و بویراحمد و ارتباط آنان با خسروخان قشقایی از اهمیت خاصی برخوردار است.

یکی از عوامل خوانین نیز گفته است: " لیستی ۶ نفره از افراد سپاه و کمونیست‌ها تهیه کرده‌ایم و به زودی زود نقشه‌های خود را به مرحله اجرا درمی‌آوریم.

۱۷- بازگشت معبودی جنایتکار به نقده

به دنبال افشاگری‌های مکرر نیروهای انقلابی و سپاه پاسداران و همچنین روزنامه جمهوری اسلامی در مورد باند ضدانقلابی معبودی، توده‌های زحمتکش و عناصر آگاه و مومن به انقلاب انتظار داشتند که این جنایان به سزای اعمال پلیدشان برسند.

اما در میان حیرت و ناپاوری زحمتکشان منطقه سرو کله این مزدوران یکی پس از دیگری پیدا شده است. اوباشان و مزدوران باند سپاه معبودی که در غیاب وی مانند موشی به سوراخ خزیده بودند، دوباره دور هم جمع شده و تبلیغات مسموم کننده و ضدانقلابی خود را شروع کرده‌اند.

با وجود اینکه معبودی دیگر در ارگان‌های دولتی سمتی ندارد، اما پس از بازگشت به کمیته محل و گروهان پاکسازی " محمدیار " و هنگ ژاندارمری رفت و آمد می‌کند. وی در گروهان پاکسازی سخنرانی کرده و گفته است:

" مساله کردستان باید از درون حل شود و لازم است ارباب‌هایی مثل امیر عشایرها، زرزاها و مجیدخانها و... از طرف دولت مسلح شوند و ستاد بسیج عشایری را بوجود آورند.

ما ضمن افشاگری‌های مکرر در مورد باند سپاه معبودی و همدستانش مجدداً هشدار می‌دهیم که اقدامات جنایتکارانه این مزدوران می‌تواند فجایع هولناکی چون قارنا، قلعتان و ایندرفاش و... را تکرار کند.

بقیه از صفحه ۱۷

اجتماع اول ماه مه، بزرگترین

و جنایات را به گردن سازمان مجاهدین خلق ایران، اقلیت منشعب از سازمان ما و دیگران بیاندازند.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی در سرویس‌های خبری بعد از ظهر ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) مطالب را به گونه‌ای برای مردم پخش کردند که گویا سازمان مجاهدین خلق ایران و یا گروه‌هایی مثل اقلیت منشعب از سازمان ما و غیره در حمله به میتینگ سازمان ما شرکت داشته‌اند. برخی مطبوعات جمهوری اسلامی نیز در این تحریف سهیم بوده‌اند.

ما ضمن محکوم کردن این تلاش‌ها و ضمن اعتقاد کامل به این که مردم ایران آگاه‌تر از آنند که واقعیت این مسائل بدیهی را درک نکنند، از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهیم که مسئولان این تحریفات و دروغ‌پردازی‌ها را که عملاً در جهت اهداف همان کسانی گام برداشته‌اند که اجتماع مردم را به خون کشیدند، به پیشگاه مردم معرفی کنند.



ما اعتقاد داریم نیروهائی که خواهان گسترش آزادی‌های سیاسی و رعایت قانون اساسی هستند نباید بگذارند با چنین برخوردهائی عاملین حوادث و جنایات میدان آزادی تطهیر شوند و یا از محاکمه و مجازات بگریزند.

ما با تمام تلاش کوشش خواهیم کرد دست‌های مشکوک و جنایتکار را شناسائی کنیم و آنان را به مقامات مسئول و به مردم ایران معرفی کنیم و در این زمینه ما از همه مردم ایران و از همه هواداران انقلاب صمیمانه خواستاریم که اطلاعات خود را در مورد دستجات ضدانقلاب، باندهای سیاه و محافل و عناصر قشری، مرتجع و مشکوک رهبری کننده آنها و هر عنصر فعال این جریان‌ها برای ما بفرستند.

ما از دولت جمهوری اسلامی مصر می‌خواهیم که عوامل جنایات میدان آزادی را شناسائی و تعقیب کرده و نتیجه کار را به مردم ایران گزارش کند. ما با همه توان خود در انجام این امر مهم به دولت جمهوری اسلامی یاری خواهیم رسانید. ما هرگونه تغلل و مسامحه در این مورد را به زیان انقلاب و به سود امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن می‌دانیم و علیه آن قاطعانه مبارزه می‌کنیم. ما رسماً علیه مهاجمین و جنایتکاران به دادستانی انقلاب شکایت کرده‌ایم. ما علیه سهل‌انگاری و برخوردهای جانبدارانه برخی ماموران کمیته از مهاجمین نیز رسماً به دادستانی انقلاب شکایت کرده‌ایم و مصر می‌خواهیم که دادستانی انقلاب مطابق وظیفه‌ای که بر عهده

تقویت شوند و برعکس، محافل و عناصری که سد راه آزادی‌های سیاسی انقلابی شده و عملاً آب به آسیاب امپریالیسم می‌ریزند، تضعیف گردند.

جنایات میدان آزادی در خدمت جلوگیری از گسترش آزادی‌ها و گسترش دامنه خشونت و درگیری که طبعاً خواست امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی و نیز عناصر و محافل انحصار طلب و ضد دمکراتیک درون جمهوری اسلامی است، انجام گرفته است.

سیاست ما و هر نیروی انقلابی باید در جهت شناسائی و افشای محافل و عناصر مرتجع قشری، تنگ-

منظره و بحث آزاد با نیروهای سیاسی و صدور مجوز رسمی برگزاری اجتماعات برای نیروهائی که فعالیت سیاسی بر مبنای قانون اساسی را می‌پذیرند، جمهوری اسلامی عملاً در جهت احترام به آزادی‌های سیاسی مصرح در قانون اساسی حرکت کرده است اما همان‌گونه که گفتیم هنوز نیروهای معین و صاحب نفوذی در جمهوری اسلامی هستند که از استقرار حکومت قانون بیم دارند و حتی با آن دشمنی می‌ورزند. آنها می‌خواهند به هر وسیله‌ای شده از گسترش آزادی‌های سیاسی ممانعت به عمل آورند. کاملاً آشکار است که این نیروها همچنان در ارگان‌های حکومتی و به‌ویژه در کمیته‌ها و سپاه نفوذ دارند. برخوردهای متناقض افراد و دسته‌های انتظامی در جریان برگزاری میتینگ اول ماه مه، خود به خوبی این واقعیت را آشکار ساخت.

در حالیکه بسیاری از پاسداران و برخی افراد کمیته‌ها برای حفظ نظم و جلوگیری از حمله به میتینگ کوشش می‌کردند و حتی در راه برقراری نظم و جلوگیری از حمله مهاجمین برخی از آنها به شدت مجروح شدند اما معدودی از افراد سپاه و عده بیشتری از کمیته‌های عملاً در برابر حمله اوباشان و مرتجعین مهاجم بی‌اعتنا ایستاده بودند و در لحظات معین آشکارا از آنها حمایت می‌کردند.

دهها هزار تن از مردم تهران در جریان میتینگ سازمان به چشم خود دیدند که چگونه برخی از افراد کمیته از حمله تعداد معدودی عناصر مرتجع و اوباشی که پلاکاردها را پاره می‌کردند، به بلندگوها حمله می‌شدند و بی‌شمارانه به صفوف مردم حمله می‌کردند و از ابتدا تا انتها به میان مردم سنگ پرتاب می‌کردند، گاهی بطور ضمنی و گاهی آشکارا حمایت می‌کردند و همین امر، معدود عناصر مرتجع و مزدور را هارتر و گستاخ‌تر می‌ساخت.

ما شاهد بودیم در چند مورد که مردم برخی از مهاجمین را به ماموران انتظامی تحویل دادند ماموران آنها را آزاد کردند و دوباره آنان با گستاخی بیشتری اعمال خود را از سر گرفتند.

در چنین اوضاع و احوالی بود که مرتجعین و مزدوران به یکی از فجیع‌ترین جنایات ممکن دست زدند و با پرتاب نارنجک و سهراهی به محل پشت تریبون و همچنین به میان جمعیت، اجتماع مردم را به خون کشیدند.

در چنین اوضاع و احوالی بود که صدها زن و مرد و کودک شرکت‌کننده در میتینگ نیز به علت فشار جمعیتی که در حال پراکنده شدن بود، مجروح شدند. مردم و هواداران با متانت تمام دستورات سازمان را که خواسته بود با عناصر قشری و اوباشان و مزدوران درگیر نشوند، رعایت کردند و در حالیکه به زخمی‌ها و مجروحین برای رساندن آنها به بیمارستان‌ها کمک می‌کردند، میدان آزادی را در میان ضرب و شتم و هتاک‌های بی‌شمارانه مهاجمین ترک کردند.

۲- اینکه که در میان نیروهای خط‌امام گرایش غالب، گرایشی که در دولت، در مطبوعات، در دادستانی انقلاب، رادیو - تلویزیون و غیره عمل می‌کند، در جهت پذیرفتن آزادی‌های سیاسی است، همه نیروهای انقلابی موظفند به گونه‌ای حرکت کنند که این گرایش و محافل حامل آن در دولت جمهوری اسلامی

نظر، جاسوس و مزدوری باشد که قصد دارند با ادامه اقدامات ضددمکراتیک، خشونت‌بار و تروریستی از گسترش آزادی‌ها و اجرای قانون اساسی ممانعت به عمل آورند.

ما مصر از دولت جمهوری اسلامی و مقامات مسئول کشور که باید امنیت اجتماعات را تضمین کنند، می‌خواهیم روشن کنند که چه دست‌ها و محافلی از این اقدامات خشونت‌آمیز حمایت می‌کنند. چرا برخی ماموران انتظامی، جنایتکاران و مزدوران را که زیر شعار "حزب فقط حزب‌الله" این جنایات را مرتکب شده‌اند، دستگیر نمی‌کردند و حتی معدودی از ماموران انتظامی آشکارا از آنان حمایت می‌کردند؟ آیا آن عده از ماموران که با ضدانقلاب و با اوباشان و عناصر قشری همکاری می‌کردند، خودسرانه چنین می‌کردند یا از برخی محافل متنفذ دستور گرفته بودند؟ کاملاً روشن بود که مهاجمین متشکل بودند، برخی از آنها مسلح بودند حتی با خود مینی‌بوس و دیگر وسایل نقلیه را به میدان آزادی آورده بودند. به اعتقاد ما دولت می‌تواند با تعقیب این عناصر و با همکاری مردم و نیروهای انقلابی دست‌های مشکوکی که این فجایع را رهبری می‌کنند، شناسائی کند.

ما اعلام می‌داریم که حاضریم و می‌توانیم در دستگیری و معرفی این عناصر به حکومت کمک کنیم.

ما از دولت جمهوری اسلامی و مقامات مسئول می‌خواهیم برای مردم روشن کنند که چه دسته‌های مذبحانه تلاش دارند گناه این فجایع

بقیه از صفحه ۲۹

اجتماع اول ماهه، بزرگترین . . .

دارد، عاملین حوادث و جنایات میدان آزادی را تعقیب، مجاکمه و مجازات کند.

۳- برخورد روزنامه‌های میزان و انقلاب اسلامی که خود را مدافع آزادی‌های سیاسی قلمداد می‌کنند، با حوادث میدان آزادی بار دیگر نشان داد که آزادی لیبرال‌ها (روزنامه میزان) و آزادی ادعائی روزنامه انقلاب اسلامی به معنی آزادی برای لیبرالهاست، به معنی سرکوب نیروهای انقلابی و مشخصاً انقلابیون کمونیست است. آزادیخواهی دروغین آنها در بهترین حالت آن سکوت تأییدآمیز سرکوب انقلابیون و مدافعان منافع محرومان است. این روزنامه‌ها عملاً حوادث میدان آزادی را سانسور کرده‌اند. روزنامه انقلاب اسلامی ضمن اشاره‌ای کوتاه به این حوادث کوشیده‌است به خوانندگانش چنین القاء کند که درگیری، میان اکثریت و اقلیت منشعب از سازمان بود. و در جای دیگر مهاجمین و جنایتکارانی را که اجتماع را به خون کشیده‌اند، "مردم" خوانده است. این روزنامه که برای آزادی قطب‌زاده‌ها و آزادی‌هایی از این قبیل داد و هوار راه می‌اندازد در اینجا شیوه‌ای تشویق‌آمیز نسبت به مهاجمین و جنایتکاران که موجب شهادت چند نفر و مجروح شدن صدها تن از مردم گشته‌اند، در پیش گرفته است و آن را عملاً یک برخورد معمولی میان مردم وانمود کرده‌است. این شیوه برخورد انقلاب اسلامی ما را به یاد موضع‌گیری رئیس جمهور در قبال فاجعه ترور توماچ و هم‌زمان می‌اندازد که ابتدا اعلام داشت که خود این نیروها (یعنی خود سازمان ما) آن فجایع را مرتکب شده‌اند و البته بعداً زیر فشار واقعیت‌ها حرف خود را پس گرفت اما هیچ‌گاه بطور جدی در جهت افشای عوامل آن جنایت اقدام نکرد.

بعلاوه تا این ساعت آقای رئیس جمهور در قبال حوادث و جنایات میدان آزادی سکوت کرده و حتی یک کلام علیه مهاجمین صحبت نکرده است. ما از آقای رئیس جمهور می‌پرسیم چگونه است که پیرامون حوادث ۱۴ اسفند دانشگاه تهران که در آن عده‌ای مخالف، تنها علیه ایشان شعار می‌دادند، آن اندازه جار و جنجال راه انداختند و به عنوان به اصطلاح سرسخت‌ترین مدافع و حافظ قانون اساسی آنچه را که اتفاق افتاده بود، پایمال کردن بی‌شرمانه قانون و آزادی خواندند اما در برابر جنایتکارانی که میتینگ قانونی میدان آزادی را به خون کشیدند این چنین سکوت کرده‌اند؟ آیا لگدکوب کردن کودکان، پیران، زنان و مردان فدائی، لگدکوب کردن قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران نبود؟

اگر از همان آغاز ماموران انتظامی به دستگیری این معدود عناصر قشری، مزدور و جاسوس اقدام می‌کردند، که قطعاً امری ممکن بود، این جنایات فجع که به شهادت عده‌ای از بهترین فرزندان خلق و زخمی شدن بیش از چند صد نفر انجامید، اتفاق نمی‌افتاد.

بعلاوه ما اصرار داشتیم از آنجا که حفظ و تضمین امنیت مردم برای جمهوری اسلامی در امجدیه آسان‌تر است، میتینگ در آن محل برگزار شود و به مقامات وزارت کشور و شهربانی نیز این مطالب را گوشزد کرده بودیم، اما مقامات مسعول جمهوری اسلامی برخورد مسئولانه‌ای با پیشنهادات ما نکردند.

شدن صدها تن انجامید، با شکست روبرو شده و این شکست قبل از همه نتیجه برخورد هشیارانه و مسئولانه شرکت‌کنندگان در این اجتماع بوده است.

با اینهمه ذکر این نکته ضروری است که هرگاه اوضاع و احوال بدور از خوش‌بینی با توجه به همه واقعیت‌ها و با دقت بیشتری بررسی می‌شد و وضعیت کمیته‌ها و دیگر نیروهای انتظامی نیز مورد ارزیابی بیشتری قرار می‌گرفت، ضرورت تأکید بر انتظامات داخلی فشرده‌تر و کشیدن صف‌های محکم‌تری به دور اجتماع قابل درک بود. چنین تمهیداتی می‌توانست در خنثی‌کردن بسیاری از تهاجم‌های مهاجمین موثر افتد و در جریان پراکنده شدن اجتماع از جرح و ضرب و زخمی شدن مردم تا اندازه زیادی جلوگیری کند.

برای ما برگزاری این اجتماعات خود عرصه‌ای از پیکار تاریخ‌ساز مردم ما علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن، علیه سرمایه‌داری و در راه صلح، استقلال، آزادی و سوسیالیسم است. ما خود می‌دانیم که باید در هر یک از عرصه‌ها و میدان‌های پیکار تاریخ‌سازمان، پیگیر، بی‌تزلزل و فداکار باشیم و از همین روست که هیچ جنایتی نخواهد توانست ما را از ادامه مبارزه در هر عرصه و میدان باز دارد.

برگزاری اجتماعات قطعاً موجب ارتقاء آگاهی و تشکل توده‌ها، تقویت روحیه و شور مبارزاتی مردم، افشای هرچه بیشتر دشمنان مردم، تضعیف روحیه دشمنان انقلاب و نتیجتاً تضعیف جبهه ضدانقلاب می‌گردد. از همین روست که برگزاری میتینگ و اجتماعات همان‌گونه که گفتیم برای ما بخشی از جنگ ما علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن است و ما که تاکنون در راه استقلال و آزادی میهن و آرمان طبقه کارگر ایران صدها

ما بار دیگر همصدا با همه مردم آگاه و مبارز ایران اعلام می‌داریم که راه مبارزه با محافل و عناصر قشری، مزدور و جاسوس و وحشیگری‌های آنان، نصیحت و مسامحه نیست. بلکه تنها برخورد قاطع و انقلابی علیه این محافل و عناصر می‌تواند آنان را ریشه‌کن سازد.

۴- برخورد هواداران و مردم شرکت‌کننده در میتینگ نمونه درخشانی از برخورد آگاهانه، متین و متشکل با مسائل بود. نیروی ما، نیروی متشکل و آگاه است که دستگیری مشت‌آلود و مزدور شاید آسان‌ترین کاری باشد که می‌توانست و می‌تواند ظرف چند دقیقه از عهده آن برآید.

با این همه این نیرو زیر باران سنگ و زیر یورش وحشیانه مهاجمین چنان در پاسخگوئی به سیاست سازمان، آگاهانه و مسئولانه عمل کرد که برآستی تنها می‌توان آن را نتیجه رشد سیاسی این نیروی فدائی دانست. اعضاء و هواداران سازمان با این برخورد متین و آگاهانه خود، بیش از پیش مشت ضدانقلاب و محافل راست‌گرائی را که قصدشان ایجاد درگیری و آشوب و پدید آوردن جو اغتشاش و اختناق بود، باز کردند. امروز تقریباً همه مردم ایران می‌دانند که در جریان حوادث میدان آزادی، نقشه پلید و شوم عناصر و محفل ضدآزادی و ضدانقلابی هرچند به شهادت چند تن از هواداران سازمان و مجروح

بقیه در صفحه ۳۱

پیام‌های تبریک به مناسبت اول ماه

به سازمان فدائیان خلق (اکثریت)

- ۱- کنفدراسیون عمومی کارگران ایتالیا (استان مرکز)
- ۲- کانون فرهنگی ایتالیا - کوبا (رم)
- ۳- کمیته پشتیبانی از خلق بولیوی (ایتالیا)
- ۴- سندیکای ملی کارگران ساختمانی ایتالیا
- ۵- سندیکای کارگران صنایع شیمیائی ایتالیا
- ۶- جنبش متحده زنان سیاهپوست در برزیل
- ۷- فدائیان خلق ایران (اکثریت) از جبهه جنگ
- ۸- پیام کارگران هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از کارخانجات اصفهان، ذوب‌آهن، سیمان، دسیمان پالایشگاه، پلی‌اکریل، پلی‌زان، شهرضای نو، صنایع پشم کواکولا، برق منطقه‌ای ناسیونال، روغن‌نیابتی ناز، قدس، وطن کارخانه قند، صنایع فولاد.
- ۹- پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به شرکت‌کنندگان در میتینگ اول ماه مه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۱۰- گروهی از سربازان نیروی دریایی حاضر در میتینگ هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۱۱- کارگران پروژه‌های و فصلی استان گیلان هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۱۲- کارگران پیشروی زیت علیا
- ۱۳- گروهی از سربازان هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مستقر در پادگان لشکرگ
- ۱۴- هواداران فدائیان خلق ایران
- (اکثریت) نجف‌آباد و حومه
- ۱۵- هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مشکین‌شهر
- ۱۶- گروهی از فدائیان خلق ایران (اکثریت) مقیم تهران
- ۱۷- کارگران پیشروی بلورسازی
- ۱۸- هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هاشم‌آباد
- ۱۹- دانش‌آموزان پیشگام دبیرستان دخترانه اخگر
- ۲۰- هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شهرکرد
- ۲۱- هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آبدانان استان ایلام
- ۲۲- دانش‌آموزان پیشگام الشتر لرستان
- ۲۳- سربازان هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پادگان امام خمینی دژبان مرکز
- ۲۴- هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دره‌شهر استان ایلام
- ۲۵- دانش‌آموزان پیشگام مازی‌آباد و یاخچی‌آباد
- ۲۶- سربازان نیروی هوایی هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۲۷- دانش‌آموزان پیشگام دبیرستان شریعتی دختران از محله یاخچی‌آباد
- ۲۸- هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گلپایگان
- ۲۹- هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) لاهیجان